



دلجوئے الہی

امیرمؤمنان حضرت علیؑ علیہ السلام:
جز این نیست کہ دل نوجوان همچون
زمین میان تھے است؛ هرچه در آن
افشانده شود، همان را می پذیرد.

نسخ البلاغ، نامہ ۳۱



پیشگامان
ویژه نامه ماهنامه فرهنگی و آموزشی پیشگامان
سازمان بسیج دانش آموزی
برای مدارس دوره متوسطه و واحدهای مقاومت
صاحب امتیاز: سازمان بسیج دانش آموزی
با همکاری مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی
مدیر مسئول: قاسم حبیب زاده
دبیر تحریریه: مجتبی صمدی
مشاوران تحریریه: کاظم مؤذن، رامین چابکی و
بشیر خالقی پور

ویژه نامه ماهنامه فرهنگی آموزشی
سازمان بسیج دانش آموزی
اردیبهشت ۱۳۹۵
قیمت ۲۵۰۰ تومان



یادداشت سردبیر | ۴
یادداشت دبیران | ۴
مهمانی | ۵
■ سرویس اخبار | ۶
مهمترین اخبار ماه | ۶
خبرگردی ماه | ۶
یک کلاغ // اخبار سیاسی | ۷
چهل کلاغ // اخبار فرهنگی و اجتماعی | ۷
اتاق خبر // خبرنامه بسیج | ۸
کلاغ کتابخوان // اخبار آموزشی | ۹
عکس و مکث | ۱۰

■ سرویس انقلاب اسلامی | ۱۲
شهید بهشتی: مرد تشکیلاتی نظام | ۱۲
رادیو انقلاب | ۱۲
فوت آیت الله و بارقه های انقلاب | ۱۲
انقلابی ها | ۱۲
من خمینی فروش نیستم | ۱۳
خون دانش | ۱۳
اپیزود | ۱۳
به شوق حرم: به سوی خدا | ۱۳
نمایه اثر | ۱۴

■ سرویس مدرسه | ۱۵
مدرسه ما // گزارشی از مدارس و فعالیت های آنان | ۱۵
پرچم | ۱۶
کلید طلایی | ۱۶
مدرسه ای مطلوب | ۱۶
مدرسه در دست ما | ۱۶
بچه مثبت // رفیق پایه های کیه؟! | ۱۷
مهرنامه // امان از دست رفاقت ... | ۱۷

■ سرویس مناسبت | ۱۸
معلم اندیشیدن نه اندیشه ها // با شهید مطهری | ۱۸

■ پرونده ویژه | ۲۱
اقتصاد را بیاموزیم | ۲۱
من سیب زمینی نیستم // تشریح یک اقدام مؤثر در
جهت تقویت اقتصاد کشور | ۲۲
الله بَندسی ... | ۲۳
سبک زندگی اقتصادی در جبهه | ۲۳
عادت به نام منفی بافی | ۲۳
از ماست که برماست ... | ۲۳
نهضت فروش کالای ایرانی! | ۲۳

■ سرویس اندیشه | ۲۴

کتاب نما | ۲۴
پرسش اندیش // «تغییر» رو به کدام قبله؟! | ۲۵

مدیریت نشو! | ۲۵
بیان احکام نماز | ۲۶
کدام محرم، کدام نامحرم؟! | ۲۶
عبرت نامه | ۲۷
زندگی کن اما با یاد قیامت | ۲۷
بیشتر می خواهی؟! بیشتر شکر کن | ۲۷

■ سرویس رسانه | ۲۸
فیلم بین // مروری بر کارنامه حاتمی کیا | ۲۹
در میان تارنماها | ۳۱
بازی نما | ۳۱
آپ چه // معرفی اپلیکشن های موبایلی | ۳۱
نوهنر // پاییز بهاریست که عاشق شده است | ۳۲
شاعر نباید خاکشیر مزاج باشد! // ده توصیه شاعر شیرازی | ۳۲
آوا // معرفی محصولات موسیقی | ۳۳
جادوی صدا و تصویر // نقد برنامه های تلویزیونی دورهمی
و خندوانه | ۳۳
با تلویزیون // سریال های در حال پخش تلویزیون | ۳۳

■ سرویس سیاست | ۳۴
شاخص // سرکلاس آقا | ۳۴
عینک تاریخ // پیرامون تجاوز عربستان به یمن | ۳۶
واژه ها // یک نگاه خودمانی به چند واژه سیاسی | ۳۷
سیاست نامه // همه مصیبت های یک ملت برای گرفتن
حقش؟! | ۳۸

■ سرویس علم و فناوری | ۴۰
دانش نما // معرفی پهبادهای | ۴۰
از مدرسه تا دانشگاه // می خواهی مهندس متالوژی شوی؟! | ۴۱
آینده بین // کجا از ابر بهتر؟! | ۴۲

■ سرویس سبک زندگی | ۴۳
من این سبکی ام // اخمو یا شاد | ۴۳
رشد قد در نوجوانی | ۴۳
مداد خلاقیت // بخند و درس بخوان | ۴۴
قلک // راهکارهای پس انداز در دوران نوجوانی | ۴۴
فراغت نامه // خوش بگذرونیم | ۴۵
ایده سازه // چگونه ذرات ریزاتمی را در خانه تماشا کنیم | ۴۶
بهم میاد؟! // جوان ایرانی؛ تن پوش ایرانی | ۴۷

■ سرویس شبکه | ۴۸
پدیده // درباره دابسمش | ۴۸
تل - اینستا - بوک // # به - آقا - بگوئید - حرف از - رفتن - غزند | ۴۹

■ سرویس طنز | ۵۰
سوژه خندها | ۵۰
بازخوانی گل آقا سال ۹۵ | ۵۰
اقتصاد مقاومتی یا اقتصاد استراحتی؟! | ۵۱

سیطره جریان جنگ
تاحدی برای بنده
قوی بود که می گفتم
رزمنده فیلم بردار
تابگویم فیلم بردار
رزمنده. در واقع از اینکه
بگویم فیلم ساز هستم،
خجالت می کشیدم...

صفحه ۲۹

نباید این مطلب را از
نظر دور داشت که این
تولیدات سرگرم کننده
از سوی مردم به نوعی
تأکیدات و علایق و
سلايق جامعه ایرانی
را در لایه های پنهان،
بیش از پیش نشان
می دهد...

صفحه ۴۸



تحریریه

دبیر داخلی: محمد محسن حقیقی
مدرس: زینب حکیمی
انقلاب اسلامی: محسن احمدی
اندیشه: صادق سبحانی
رسانه: مرتضی انصاری زاده
سیاست: علی کرمی
علم و فناوری: سید مصطفی شفیعی
سبک زندگی: مصطفی کوچک زایی
شبکه: مجتبی مالکی
طنز و سرگرمی: محمد کازرانی
کمیک: سجاد جعفری

فنی و هنری

مدیر هنری: قاسم رستم پور
طرح جلد: محمد طالب زاده
صفحه آرایی: مجید انجیرانی
همکاران: حسین احمد نژاد، محمد مهدی خراسانی، امید طالعی، سید امید افتخاری، شهلا شاهدهی
عکس: سجاد قهران
ویراستاری: زهرا فتحی

نشانی: تهران، بزرگراه شهید باقری، بزرگراه رسالت
شرق، خیابان رشید، خیابان نوکار، خیابان شهیدان
صادقی ۱۱۳، پلاک ۱۱۲، مرکز مطالعات راهبردی
تربیت اسلامی، کد پستی: ۱۶۵۱۶۴۱۱۱
تلفن: ۷۶۷۰۲۴۶۱
نمابر: ۷۶۷۰۲۴۴۵
تارنما: www.tarbiateslami.com
پست الکترونیک: pishgaman@tarbiateslami.com
سامانه پیامکی: ۵۰۰۲۹۱۹۱۸

یادداشت دبیر

صادق سبحانی

اعتماد مجازی

آیا فضای مجازی، معتبر است؟

حتماً تا به حال برای شما نیز اتفاق افتاده است که در گفتگوهای روزمره خود با دیگران، به این جمله برخوردیده‌اید: «باور کنید خود بنده در فضای مجازی مشاهده کرده‌ام». گاهی با برخی از افراد که روبه‌رو می‌شویم، احساس می‌کنیم که منبع بیشتر اطلاعات آنان از «فضای مجازی» است، بدون اینکه حتی آن‌ها را بفهمد و یا قبول داشته باشد. معمولاً امروزه بیشتر افراد با فضای مجازی در ارتباط هستند و همگی نیز می‌دانند که پیام‌ها در این فضا، به سرعت رد و بدل می‌شوند و ما در هر لحظه، با حجم انبوهی از پیام‌ها روبه‌رو می‌شویم؛ انبوهی از اطلاعات درباره موضوعات گوناگون مانند تخفیف‌های بهتر، مکان‌های تفریحی، حوادث اجتماعی، اخبار ورزشی، نکات روانشناسی، مهارت زندگی، احادیث دینی، اظهارنظرهای سیاسی و ...

در واقع مواجهه با اطلاعات زیاد در فضای مجازی، هم می‌تواند خوب باشد و هم بد. اجازه بدهید بنده خوب و یا بد بودن آن را با یک مثال توضیح بدهم. تصور کنید که یک مسابقه به این شکل طراحی شده است که در یک اتاق، حدود ۱۰ کیلوگرم طلا و جواهرات وجود دارد که تنها مقداری از آن‌ها واقعی بوده و بقیه تقلبی هستند. حال دو نفر وارد این اتاق می‌شوند و برنده کسی است که بتواند در ۱۵ دقیقه، طلاهای واقعی بیشتری برای خود جمع کند. مشخص است که کسی برنده خواهد شد که شناخت بهتری از «طلا» داشته باشد و به قول معروف، «زرشناس» ماهری باشد؛ بنابراین برنده با «طلای واقعی» از اتاق خارج خواهد شد، اما بازنده با «مخلوطی از طلای باارزش و بی‌ارزش». اگر به مثال بالا به خوبی دقت کنید، متوجه خواهید شد که در فضای مجازی نیز به همین صورت است؛ یعنی پیام‌های خوب و بد بدون تفکیک وجود دارند و این شما هستید که باید مشخص کنید به چه پیام‌هایی بها بدهید و کدامیک از آن‌ها مهم و معتبر هستند. به طور خلاصه، مانند «زرشناس» مسابقه طلا، در فضای مجازی نیز باید «حرف‌شناس» بود تا برنده شد.

اگر در موضوعی خودتان متخصص هستید، حتماً قبل از پذیرش سریع هر پیام، آن را بررسی کنید و تنها در صورت صحیح بودن آن را بپذیرید. در موضوعاتی هم که احساس می‌کنید تخصص کافی ندارید، حتماً از یک متخصص کمک بگیرید و به راحتی هر پیامی را نپذیرید. شما در برخوردهای چهره به چهره با دیگران، برای گرفتن مشورت، درد دل کردن و ... معمولاً به سراغ کسی می‌روید که مورد اعتماد شما باشد. پس باید در فضای مجازی نیز به همین صورت رفتار کنیم و هیچ پیامی را بدون بررسی قبول نکرده و به دیگران نیز نگوییم. همیشه در فضای مجازی به ضرب‌المثل «قدر زر، زرگر شناسد، قدر گوهر، گوهری» توجه کنید و مطمئن باشید که «بهتر» دانستن ارزشمند است نه فقط «بیشتر» دانستن. در واقع کسی که «بیشتر» می‌داند همیشه سواد بیشتری ندارد، اما کسی که «بهتر» می‌داند، قطعاً باسوادتر است.

در واقع آقای مدیری سعی دارد تا با پرسیدن سؤالات سخت و شخصی از مهمان‌ها - که البته منجر به تذکر از سوی صدا و سیما نیز شد- و یا رفتارهایی نظیر زدن موی مهمان، توجه مخاطب را جلب کند...

صفحه ۳۳



نقشی که ما به عنوان یک دانش‌آموز می‌توانیم ایفا کنیم این است که نسبت به عدم مصرف کالای خارجی تعصب داشته باشیم و نتیجه این تعصب این خواهد بود که نه تنها خودمان از مصرف کالای خارجی خودداری می‌کنیم بلکه نسبت به مصرف خانواده و دوستانمان نیز حساس هستیم و آن‌ها را به مصرف کالای داخلی تشویق می‌کنیم...

صفحه ۲۲



زمانی که در قم تحصیل می‌کردیم، من هیچ‌گاه عبا ی نو بر دوش خود ندیدم و تمام عباهایم پاره بود. ایشان می‌گفتند که با چند نفر نشسته بودیم و صحبت از عبا و قیطان‌دوزی می‌کردیم که چطور قیطان را بر روی آستین‌ها و پایین عبا می‌دوزند. یک نفر گفت: مانند این و به عبا ی من نگاه کرد که دید تکه‌تکه است و اصلاً قیطان ندارد. گفت: آخر چطور این را پوشیده‌ای؟ آن روز من بسیار خجالت کشیدم...

صفحه ۱۸



خلیج فارس فقط یک دریا نیست

علی کرمی * دبیر سرویس سیاست

اسامی معمولاً در هر کشوری و حتی در هر شهری، ریشه در فرهنگ، تاریخ، دین و نیز قومیت آن مردم دارد و بسیار هم کم پیش می‌آید که در یک کشور نام افراد خارجی وجود داشته باشد. اسامی اهمیت فرهنگی، اجتماعی و تاریخی بسیار زیادی دارند و برای همین است که معمولاً وقتی انقلاب میشود، اسامی خیابان‌ها، کوچه‌ها و حتی ساختمان‌ها و ادارات -که معمولاً یادآور ارزش‌های رژیم قبلی هستند- عوض می‌شوند.

از طرف دیگری از ابعاد مهم درگیری ملت‌ها و کشورها، جنگ اسامی است و هر کشوری که با کشور دیگر دشمنی و اختلاف داشته باشد، سعی می‌کند که در مورد اسامی جغرافیایی و مرزی دو کشور، شبهه ایجاد کند و نام آن‌ها را تغییر دهد. دشمنان ما نیز این مسئله را به خوبی می‌دانند و دائم در تلاش‌اند تا از این مسئله استفاده کرده و به ماضیه بزنند. یکی از کارهای زشتی که بسیار هم بر روی آن سرمایه‌گذاری شده است و بانهایت گستاخی نیز آن را ادامه می‌دهند، تغییر دادن نام خلیج فارس است. همسایگان عرب ما نیز بسیار سعی دارند تا نام خلیج فارس را متناسب با فرهنگ عربی خودشان تغییر دهند و از این طریق هم به ما بی‌احترامی کرده و هم عربی بودن منطقه و اهمیت حضور خودشان را در منطقه به دنیا نشان دهند. اینکه یکجایی سند و شناسنامه مشخص دارد و بعد یکی بیاید و آن را با اسم دیگری صدا بزند، جز بی‌احترامی و نیت پلید دزدیدن هویت و فرهنگ یک مردم و یک منطقه، معنای دیگری ندارد. ■

انسان‌ها زمانی که به هم می‌رسند، معمولاً اسم و یا فامیل همدیگر را می‌گویند و سپس احوالپرسی می‌کنند. از طرف دیگر نیز گاهی اوقات که افراد با هم دعوا دارند، همدیگر را با اسم‌ها و صفت‌هایی وارونه و عجیب و غریب صدا می‌زنند تا طرف مقابل را تحقیر کنند. در واقع این مسئله یک بعد اساسی از دعوای معمولی بسیاری از آدم‌ها با همدیگر است.

حال به آغاز قصه برگشته و می‌گوییم که یکی از دغدغه‌های اصلی پدر و مادرها انتخاب نام برای فرزندانشان است. در بعضی جاها نیز اتفاقات جالبی می‌افتد، به عنوان مثال در قدیم در روستاها اگر خانواده‌ای اسم فرزند خود را X می‌گذاشت، دیگر دوست نداشت که در روستا کسی اسم فرزندش را X بگذارد.

اهمیت نام تنها برای انسان‌ها نیست، بلکه در حال حاضر در ساختمان‌ها، ادارات، جاده‌ها و ... نیز همه چیز اسم دارد و اگر جایی اسم نداشته باشد، غیرمعمول بوده و انسان نمیداند که آدرس آن رابه چه صورتی پیدا کند. بعضی از خانواده‌ها نیز هستند که به شجره‌شان -که مهمترین نماد آن اسم و فامیل است- بسیار افتخار می‌کنند و مثلاً احترام زیادی را برای بزرگ فامیل قائل بوده و سعی می‌کنند که در روابطشان با دیگران و حتی در ازدواج نیز این مسئله را مد نظر داشته باشند.



بادیگارد های انقلاب

مجتبی صمدی

در سکوت سینما با حاج حیدر یکی می‌شوم. همان سؤالات که برای حاج حیدر پدید می‌آید در ذهن من هم بالا و پایین می‌شود، اما نکته مهمش اینجاست که با شخصیتی آشنا می‌شوی که پیش از این روی پرده نقره‌ای ندیده بودی اما چهره و ذاتش گویا برای همه آشناست و در برخی از پلان‌ها و زاویه‌های دوربین انگار خود خود حاج قاسم سلیمانی را می‌بینیم. چند نفر در سالن می‌گویند حاج حیدر چقدر شبیه حاج قاسم است اما به زمزمه و درگوشی خلاصه نمی‌شود، بغل دستی‌ام بلند به همسرش می‌گوید، «اینکه حاج قاسمه!» گویی حاجی از میدان مبارزه با تفکر تکفیری و صهیونیستی در جهان، پا در عرصه محافظت از نظام و انقلاب در قاب سینما گذاشته است.

حاج حیدر فقط یک نمونه است. هزاران حاج حیدر در گوشه و کنار کشور و حتی جهان بادیگارد ملت ایران و انقلاب هستند که دیده نمی‌شوند. بادیگارد هایی که زمانی جان خود را در دست می‌گرفتند و رشادت‌های جنگ و دفاع از وطن را رقم می‌زدند و الان هم عرصه‌های فرهنگ و هنر، اقتصاد و علم و دانش را پاسداری می‌کنند؛ بدون آنکه دیده شوند. دوم اردیبهشت سالروز تأسیس سپاهی از بادیگارد های انقلاب است که همه همشان پاسداری از دستاوردهای انقلاب است؛ دستاوردهایی که هر روز با ترور و جنگ رسانه‌ای مورد هجوم قرار می‌گیرند. پس اینکه فقط ظاهری نظامی و اسلحه بدست از آنان ببینیم شاید درست نباشد. بادیگارد فرهنگ ما دوربین در دست دارد، درست مانند یک کارگردان. ■





غفلت می‌کنند که ما ناگزیر باید به همه تعهدهای خود عمل کنیم [اما] طرف مقابل با شیوه‌های مختلف، سر باز می‌زنند و به تعهدهایی که کرده است عمل نمی‌کند. این چیزی است که ما امروز در مقابل چشم خودمان داریم می‌بینیم؛ یعنی خسارت محض.» (بیانات در حرم رضوی، ۱ فروردین ۹۵)

واقعاً کدام کشور در دنیا است که اینگونه با ما تعامل کرده باشد. حتی فرانسه و آلمان هم که به دنبال منافع خود هستند، شاید جنس خود را گران‌تر بفروشند، اما حیل‌های ندارند. این حیل را هم آقای صالحی و هم آقای عراقچی تأیید کردند و گفتند که تعهدات طرف مقابل تا به صورت کامل انجام بشود طول می‌کشد. محوری‌ترین قسمت این حیل، انجام تمام تعهدات ایران در چهار ماه اول و سپس شروع تعهدات طرف مقابل در طول راستی‌آزمایی‌های ۸ ساله است. ضمن اینکه در طول این ۸ سال هرجایی که گمانی در مورد نقض تعهدات جمهوری اسلامی ایران بود، تمام تعهدات طرف آمریکایی یک‌شبه برگشت‌پذیر بوده اما برگشت‌پذیری ایران حدود شش سال طول می‌کشد تا به این حد از توانایی هسته‌ای که بوده است، دوباره برسد.

ولی فقیه، چشم بنیای جامعه اسلامی است که بارها تذکر بی‌اعتمادی به تعهد با آمریکا را داده بود، اما از آنجایی که گفتمان‌سازش با همین شعار مذاکره و معامله با کدخدای دهکده جهانی از مردم رأی گرفته پس ایشان هم به این گفتمان اجازه می‌دهد تا همه ببینند و دوباره مثل سال ۱۳۸۲، تعهد سعدآباد، تجربه کنند که نمی‌شود به آمریکا اعتماد کرد و خط پیشرفت کشور از اعتماد به نیروها و سرمایه‌های داخلی می‌گذرد. ■

«خسارت محض» آری یا خیر؟

سیدعبدالرسول علم‌الهدی

وقتی سخنرانی رهبر معظم انقلاب در حرم رضوی، در توضیح ادامه مذاکره و تعامل با آمریکا به عبارت «خسارت محض» رسید، مو بر تنم سیخ شد. یکبار به این سؤالات در ذهنم قد کشید که حضرت آقا به برجام ۲ و ۳ و ۴ گفتند خسارت محض یا به همین برجام ۱؟ اگر آقا از ابتدا می‌دانستند به خسارت محض می‌رسیم، پس چرا اجازه دادند و حمایت کردند؟ هم‌اکنون چه اتفاقی افتاده که ایشان، این تعبیر را به کار می‌برند؟ اصلاً چرا تعامل با آمریکا به خسارت محض می‌رسد اما تعامل با روسیه و دیگر کشورها اینطور نمی‌شود؟

همیشه فرقی میان گوش کردن با خواندن از روی متن هست و آن اینکه وقتی اینطور سؤالات برای آدم پیش بیاید، امکان بالا و پایین رفتن در متن و تأمل بیشتر وجود دارد. بعد از آن برای پیدا کردن پاسخ سؤالاتم به متن مراجعه کردم. ایشان تزریق تفکر دوراهی «راحتی با آمریکا» و «سختی بدون آمریکا» را کلید اصلی این خسارت دانسته و به‌نوعی برجام را محصول همین دوراهی معرفی کردند که در نتیجه ایران به همه تعهداتش عمل کرد و «آمریکایی‌ها به آنچه وعده داده بودند عمل نکردند. بله، به تعبیر وزیر خارجه محترم ما، روی کاغذ کارهایی را انجام دادند اما از راه‌های انحرافی متعدد، جلوی تحقق مقاصد جمهوری اسلامی را گرفتند.... بنابراین، کسانی که امید می‌بندند به اینکه بنشینیم با آمریکا در فلان مسئله مذاکره کنیم و به یک نقطه توافقی برسیم، از این

ایران ما، به کمک ما نیاز جدی دارد...

سمانه منصوری

بعد از دشمنی و جنگ افروزی در زمینه‌های مختلف نظامی، سیاسی، فرهنگی و ناکامی در همه آن‌ها امروز دشمنان قسم‌خورده انقلاب اسلامی ایران، خصومت‌ها را به حوزه اقتصادی کشانده و تصمیم گرفته‌اند با اعمال و تحمیل فشار و مضیقه‌های اقتصادی به زندگی و معیشت مردم، آن‌ها را مجبور کنند تا دست از حمایت جمهوری اسلامی بکشند و به‌روشنی واضح است تا به این هدف شوم خود نرسند نه‌تنها با مذاکره و گفتگو و برجام بلکه با هیچ ابزار دیگری از اعمال تحریم‌های به‌زعم خودشان هوشمند و فلج‌کننده، منصرف نخواهند شد.

راه‌حل، اقتصاد مقاومتی است؛ اما شاید در وهله اول و مروری گذرا به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، این دیدگاه ایجاد شود که اعمال و اجرای این سیاست‌ها فقط و فقط به عهده مسئولان و مدیران نظام است و آحاد مردم نمی‌توانند برای پیشبرد این مهم، نقشی داشته باشند. شاید تا حدودی این نظر درست باشد؛ چراکه زمینه‌سازی‌های ساختاری، تصویب قوانین و... به عهده مسئولان است و تا این بسترها فراهم نباشد در سطح کلان اقدام مؤثری اتفاق نخواهد افتاد. اما هر فردی هم باید خود را ملزم به اجرای آن‌ها بداند و در واقع وارد فرهنگ زندگی تک‌تک افراد جامعه گردد.

همین‌جاست که همه اقشار جامعه در اجرای اقتصاد مقاومتی عهده‌دار نقش‌ها و مسئولیت‌ها می‌شوند؛ زنان، دانش‌آموزان، معلمان، کارگران، دانشجویان و اساتید و... نقش و مسئولیت همه این اقشار مهم و با اهمیت است و همه این نقش‌ها در کنار یکدیگر تکمیل می‌شوند و اقدام و عمل در حوزه اقتصاد مقاومتی را رقم می‌زنند. به‌عنوان نمونه اگر در حال حاضر دختران دانش‌آموز نقش خود را در اقتصاد مقاومتی به‌درستی برنامه‌ریزی و ایفا نکنند، اقدام و عمل در این زمینه با مشکل جدی مواجه خواهد شد؛ چگونه؟

دختران جامعه ایرانی علاوه بر اینکه امروز می‌توانند در همین جایگاه، مسئولیت‌های مهم خود همچون مراقبت از خود و دیگران برای بهینه مصرف کردن، جدیت در فرهنگ خرید کالای ایرانی در اقلام مصرفی، تقویت روحیه کار و تلاش در درس خواندن و... را ایفا کنند می‌باید برای نقش مهم‌تری که در آینده نیز به عهده دارند آماده شوند. دختران امروز، مادران فردای جامعه هستند که اصلی‌ترین وظیفه را در شکل‌گیری سبک زندگی خانواده و تربیت فرزندان خواهند داشت. به‌طوری که همین وظیفه، رکن اساسی اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در کل جامعه خواهد بود. پس مسلماً اگر دختران جامعه از همین امروز برای این نقش‌ها و مسئولیت‌های بزرگ و اساسی تمرین نکرده و آماده نباشند قطعاً در آینده، اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی با مشکل مواجه خواهد بود.

با یاری خداوند متعال این بار هم آحاد مردم ایران، هوشیارانه و با بصیرت و دلسوزی برای حمایت از انقلاب اسلامی ایران از هیچ کوششی دریغ و شانه از بار مسئولیت‌ها خالی نخواهند کرد و همواره عزت و پیروزی را برای جامعه خود رقم می‌زنند. ■





آمریکایی‌ها جام برجام را با جمع آوری اطلاعات از مسائل داخلی ایران پرمی‌کنند!

برجام یا «برنامه جامع اقدام مشترک» که قرار بود اسب رامی برای سواری طرفداران مذاکره باشد مثل اینکه افسارش دست آمریکایی‌هاست و آن‌ها هم نمی‌گویند می‌خواهند آن را کجا ببرند. در تازه‌ترین اظهارنظرها رئیس‌آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا (بخش جاسوسی پنتاگون) در پاسخ به سؤالی درباره نقش برجام در جمع‌آوری اطلاعات از مسائل داخلی ایران به‌طور غیرمستقیم به این مسئله اعتراف کرده و نفوذ از طریق برجام را هدف آمریکا اعلام کرد.



زن‌گین‌یوستان و عدالت با طعم آمریکایی

آمریکا با کمال پررویی و وقاحت، کشورهای دیگر را به نقض حقوق بشر و اصول دموکراسی متهم می‌کند در حالی که خود این کشور نمونه و مظهر بارز نقض حقوق بشر است. تا جایی حتی محل زندگی و سکونت هم در این کشور تبعیض‌آمیز است. به نوشته نشریه نیوزویک در آمریکا، نژاد مهم‌ترین موضوع در تعیین این مسئله است که شما زاغه‌نشین باشید یا خیر؟ در بیشتر ایالات دارای جمعیت سفیدپوست، محله‌های سیاهان و اتباع آمریکای لاتین نزدیک پالایشگاه‌ها یا کوره‌های زباله‌سوزی قرار دارد.



آمریکایی‌ها کدام کشور را بزرگ‌ترین تهدید برای خاورمیانه می‌دانند؟

عجب دنیایی شده؛ دیگ به دیگ می‌گه روت سیاه! انگار سعودی‌ها روی دست آمریکا و اسرائیل بلند شده‌اند و با کارهایی که انجام داده‌اند و می‌دهند آمریکایی‌ها را مجاب کرده‌اند، اقرار کنند که تهدید آمریکا و اسرائیل برای مردم خاورمیانه به‌اندازه عربستان نیست و اندیشکده آمریکایی مؤسسه هوردر مطلبی با تأکید بر فرقه‌گرایی ضد شیعیان سعودی‌ها در یمن، سوریه و بحرین و ادعاهای ضد ایرانی نوشته که عربستان سعودی بزرگترین تهدید خاورمیانه است.



ایستگاه انتخابات هفتم اسفند: لطفاً رأی اولی‌ها هم سوار شوند!

برای انقلاب اسلامی انتخابات آن چنان مهم است که رهبر معظم انقلاب از آن با عنوان حق‌الناس یاد کردند و از همه خواستند که به تابلوهای راهنمای انتخابات در ایستگاه هفتم اسفند توجه کنند. تابلوهای راهنمای این ایستگاه نیز تابلوهایی بودند که روی آن‌ها نوشته شده بود: ساده‌زیستی، منش جهادی، پیشرفت، استقلال و عزت ملی، استکبار جهانی، هویت ملی و ... و این گونه بود که انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی و نیز پنجمین دوره مجلس خبرگان در هفتم اسفند ماه ۱۳۹۴ در سراسر کشور برگزار شد.

مهم‌ترین اخبار ماه

بزرگترین اشتباه اوپاما یا بزرگترین اشتباه آمریکا!

آمریکا کم اشتباه نداشته و گذشته و حال این کشور پر از اشتباهات فاجعه‌بار برای جهان و بشریت بوده است؛ اما جالب اینجاست که سیاستمداران این کشور همیشه حق به‌جانب بوده‌اند اما به نظر می‌رسد خودشان هم دیگر فهمیده‌اند که این حرف‌ها خریدار ندارد تا جایی که اوپاما اقرار کرده ناکامی‌اش در برنامه‌ریزی مناسب برای دوران پس از سرنگونی معمر قذافی، دیکتاتور سابق لیبی در سال ۲۰۱۱ میلادی بزرگترین اشتباه دوران ریاست جمهوری‌اش بوده است.



چه خبر از نتایج انتخابات؟ کدام لیست‌ها رأی آوردند؟

انتخابات فقط نمایش نیست بلکه هدفی دارد و آن هدف بهتر شدن و پیشرفت کشور است. پس با این وضع نتایج انتخابات و اینکه چه کسانی رأی می‌روند خیلی مهم می‌شود. انتخابات پنجمین دوره مجلس خبرگان رهبری روز جمعه هفتم اسفندماه در تمامی استان‌های کشور در حالی برگزار شد که ۲ لیست اصلی شامل لیست جامع‌تین و لیست اعتدال وجود داشت که جامع‌تین نیز شامل جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت مبارز بود که این دو جامعه ۵۰ درصد کرسی‌ها را کسب کردند.



برجام نیروی کار هم از راه رسید

در شرایطی که پیاده شدن اقتصاد مقاومتی به مطالبه‌ای عمومی و ملی تبدیل شده است، انتظار می‌رود که دولت و دستگاه‌های متولی با هدایت نیروی کار متخصص کشور به سمت تولید، به پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی کمک کنند. اما انگار اجرای برجام نیروی کار تنها راه حل دولت برای خلاص شدن از دست مشکل بیکاری، رکود و ... است. مدیرکل دفتر هدایت نیروی کار و کاربایی‌های وزارت کار از برنامه‌ریزی برای اعزام ۱۰ هزار نیروی کار به کشورهای ترکیه، آلمان، استرالیا، دانمارک و ایرلند تا پایان فعالیت دولت تدبیر و امید خبر داد.



نفتی شدن بابک زنجانی دست‌اورا در دادگاه‌های فساد نفتی رو کرد!

فساد به هیچ چیز رحم نمی‌کند و برایش آدم و پول و حتی نفت هیچ فرقی ندارد و مثل خوره به جان همه چیز می‌افتد. اما جالب اینجاست که بعضی‌ها این را نمی‌دانستند و فکر می‌کردند که فساد نفتی بوی گندش در نمی‌آید ولی اتفاقاً بدجوری بوی گندش درآمد؛ به‌طوری که در این رابطه حجت‌الاسلام و المسلمین غلامحسین محسنی اژه‌ای سخنگوی قوه قضائیه در تاریخ ۱۶ اسفندماه ۱۳۹۴ اعلام کرد که بابک زنجانی و دو متهم دیگر پرونده هر سه در دادگاه بدوی به‌عنوان مفسد فی‌الارض شناخته شده و به اعدام محکوم شدند.



اخبار سیاسی



یک کلام



رهبر معظم انقلاب سال ۹۵ را سال «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل» نام گذاری کردند

رهبر انقلاب در پیام نوروزی خودشان به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۵ با دیدی کلان و با اولویت دادن مسائل اقتصادی بر سایر مسائل سال ۹۵ را به عنوان «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل» نام گذاری کردند.



سیاه نمایی و سیاسی نمایی سعودی ها در فوتبال

نفوذ سعودی ها در کنفدراسیون فوتبال آسیا و سیاه نمایی و سیاسی نمایی آن ها از شرایط میزبانی باشگاه های ایرانی باعث شد که کنفدراسیون فوتبال آسیا رأی نهایی خود را درباره اختلافات ایران و عربستان صادر کرد که در نهایت بازی ها به کشور بی طرف منتقل شد.



انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و پیشتازی چشم گیر ترامپ و کلینتون در نتایج اولیه انتخابات سه شنبه بزرگ

همانطور که نظرسنجی ها پیش از این نشان داده بود، دونالد ترامپ و هیلاری کلینتون پیشتاز انتخابات درون حزبی جمهوری خواهان هستند که روز سه شنبه که مصادف با یکم مارس بود، به صورت همزمان در چندین ایالت برگزار شد.



یک کلام



آیا اهالی سینما برای پول در آوردن

دست به دامن شبکه مبتذل «جم» شدند؟ در حالی که مسئولان وزارت ارشاد بارها درباره تبلیغ فیلم های شبکه های ماهواره ای هشدار داده اند اما گویا کسب درآمد برای این افراد آنچنان مهم است که برای رسیدن به آن از تبلیغ فیلم های خود در شبکه مبتذلی همچون «جم» تی وی» نیز ابایی ندارند.



وفات آیت الله واعظ طبسی

آیت الله عباس واعظ طبسی نماینده ولی فقیه در استان های خراسان و تولیت آستان قدس رضوی بامداد جمعه ۱۴ اسفندماه در سن ۸۰ سالگی دار فانی را وداع گفت.



تشییع نمادین پیکر حضرت زهرا (س) در جنوب تهران

در بیست و چهارم اسفندماه ۱۳۹۴ و همزمان با شهادت مظلومانه خاتون خلقت، حضرت فاطمه زهرا (س)، آیین تشییع نمادین پیکر حضرت زهرا (س) در جنوب تهران برگزار شد.

اخبار فرهنگی و اجتماعی



بازتاب مثبت جهانی دستور رهبر معظم

انقلاب مبنی بر سوادآموزی اتباع خارجی نماینده کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان در ایران دستور رهبر معظم انقلاب را مبنی بر سوادآموزی و آموزش اتباع خارجی از جمله اقدامات بسیار ارزنده کشورمان که بازتاب بسیار مثبتی در مجامع جهانی داشته، عنوان کردند.



به مناسبت نوروز:

ارتباط نوروز با ظهور امام زمان (عج)

نوروز تنها حکایت گر بهار و رویش و سرسبزی طبیعت نیست بلکه این رویش رویشی انسانی و معنوی نیز هست به گونه ای که برخی روایات بیان می کنند که ظهور آن منجی الهی در شبانگاه روز شنبه یا جمعه خواهد بود که مصادف است با هنگام نماز عشاء نوروز و عاشورا! البته حقیقت امر نزد خداوند متعال است و او بهتر می داند.



زمانی برای احترام به زمین

روز زمین، روزی برای افزایش آگاهی و قدردانی نسبت به محیط زیست کره زمین است. این روز دو بار در سال، یکبار در طول فصل بهار در نیم کره شمالی (۲۰ مارس) و در طول فصل پاییز در نیم کره جنوبی (که فصل بهار آن نیم کره محسوب می شود) برگزار می شود. بدین منظور و برای تکریم این روز نمادهای شهری و لامپ های اضافی منازل از ساعت ۳۰:۲۰ تا ۲۱:۳۰ بیست و نهم اسفند و به مدت یک ساعت خاموش شدند.



برگزاری اعتکاف دانش آموزان

اعتکاف دانش آموزی با حضور جمع کثیری از دانش آموز دختر و پسر در ماه رجب برگزار می شود و در ایام البیض از چهارشنبه اول اردیبهشت همزمان با اقامه نماز مغرب و عشاء، دانش آموزان در مساجد تعیین شده حضور پیدا می کنند و مصادف با ۱۳، ۱۴ و ۱۵ ماه رجب، مراسم اعتکاف را برگزار می کنند.



هالیوود و آشفته کردن فرهنگ کشورها

یکی از ابزارهای آمریکا برای سست کردن ریشه‌های فرهنگی جوامع، تولید فیلم و محتوای فرهنگی غربی و تبلیغ و تحمیل آن در دیگر کشورهاست که باعث بیماری فرهنگی و ارزشی مردم می‌شود. مینو اصلانی مسئول بسیج جامعه زنان با بیان اینکه هالیوود به دنبال شیفته کردن ملت‌ها به فرهنگ غرب است، گفت: رسانه‌های بیگانه به ویژه هالیوود یک تصویر وارونه درباره چگونگی وضعیت زنان غربی برای بانوان مناطق مختلف دنیا ترسیم می‌کند.



«من انقلابی‌ام» کتاب می‌شود

کتاب «من انقلابی‌ام» با موضوع بازخوانی برجسته‌ترین مواضع انقلابی رهبر انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بازه زمانی سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۳۹۴؛ به زودی توسط نشر ساقی منتشر می‌شود که مرتضی مهدوی گردآوری این اثر را بر عهده دارد.



وقتی زور مقاومت روزگار تحریم را سیاه می‌کند

شبکه لبنانی المیادین از دیدار هیئت حماس که به تهران آمد با سردار قاسم سلیمانی خبر داد و گفت که وی اعلام کرده که اگر تحریم‌ها علیه ایران ده‌ها برابر هم شود، ایران دست از حمایت فلسطین برند خواهد داشت.



شهید شاخص ۹۵ سال معرفی شد

غلامرضا منتظری، رئیس بسیج هنرمندان از معرفی «شهید مجید بهرامی» به عنوان شهید شاخص سال ۹۵ خبر داد. برای معرفی شهید شاخص امسال برنامه‌هایی از جمله انتشار کتاب خاطرات، تولید فیلم یا مستند داستانی، تولید سرود طراحی شده است و با توجه به اینکه این شهید از شهدای هنرهای تجسمی است، نمایشگاهی از آثار وی برپا خواهد شد.



بازدید ۷۵۰ هزار نفر از مناطق عملیاتی در ایام نوروز

سردار سرتیپ بهمن کارگر رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس اعلام کردند که از ابتدای اسفند ۹۴ تا ۱۶ فروردین امسال ۷۵۰ هزار نفر از مناطق عملیاتی دفاع مقدس بازدید کردند که در مقایسه با پارسل ۲۰ درصد افزایش داشته است. وی با بیان اینکه پارسل ۵/۵ میلیون نفر از مناطق عملیاتی دیدن کردند، گفتند که نزدیک به ۸۰ درصد بازدید کنندگان جوانان ۱۵ تا ۳۰ سال هستند که ۵۰ درصد آنان نخستین بار به این سفر می‌آیند.



نخستین تسبیح تربیت را چه کسی ساخت؟

حضرت فاطمه (س) برای شمارش ذکر، تسبیحی از جنس پشم تابیده شده با ۴۳ گره (به اندازه شماره تکبیرها) داشتند؛ اما پس از شهادت حمزه (ع)، تسبیحی از خاک قبر ایشان ساخت و دیگران نیز در ساخت تسبیح، از آن حضرت پیروی کردند.



تجمع ۲۰۰۰ نفری هنرمندان بسیجی در حرم امام خمینی (ره)

در این مراسم که با حضور مسئولینی نظیر سردار آزادی، معاون فرهنگی سازمان بسیج مستضعفین؛ غلامرضا منتظری، رئیس سازمان بسیج هنرمندان کشور؛ محمد جبّاری، رئیس بنیاد فرهنگی روایت و ... برگزار شد رئیس سازمان بسیج مستضعفین عنوان کرد که دنیای استکبار با استفاده از ماهواره‌ها و شبکه‌های اجتماعی به هنرمندان آزادی خواه و رسواگر فتنه حمله می‌کند.



اردوهای جهادی یا جهادهای نیابتی

اردوهای جهادی یکی از فعالیت‌هایی است که هم دارای اثراتی برای سازندگی و آبادانی مناطق محروم و نیازمند است و هم وسیله‌ای است برای مبارزه با عادات دست و پاگیر زندگی‌های مصرفی و تجملی کنونی. پس به نوعی می‌توان تعبیر جهاد و جنگ نیابتی را برای این اردوها به کار برد. در این رابطه به اذعان معاون بسیج ستاد کل نیروهای مسلح اردوهای جهادی بر خودسازی و کاهش توقعات اضافه خانواده‌ها و نیز الگوسازی برای دانشجویان خارجی حاضر در این اردوها بسیار مؤثر بوده است.



اخبار ویژه آموزشی

شیوه جدید برای سرقت اطلاعات شخصی
تلفن های همراه



پیشرفت اطلاعات و سبیل ارتباطی هر چند ارتباطات انسانی را تسهیل کرده است اما در عین حال شاهد به وجود آمدن معضلات جدیدی نیز هستیم که در این رابطه بحث سرقت اطلاعات و فایل های شخصی از اهمیت بیشتری برخوردار است و در این ارتباط شاهدیم که برای سرقت اطلاعات شخصی تلفن های هوشمند، هر روز راهکار جدیدی پیدا می شود. متقلبان این روزها برای دست یافتن به عکس و فیلم های خصوصی دیگران هر راهی را امتحان می کنند و در آخرین اقدام سوءاستفاده از بازی آنلاین کلش آف کلنز را دست مایه قرار داده اند.

مقایسه فیلترینگ ایران با آمریکا و ۱۰ کشور دیگر



امنیت فضای مجازی و مقابله با اقدامات مجرمانه سوءاستفاده از آزادی، پالایش فضای مجازی در همه کشورها از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. همه کشورها در اینکه باید امنیت فضای مجازی را تأمین کرد اشتراک نظر دارند اما مصادیق ناامنی در کشورها کم و زیاد می شود. در این رابطه به نظر می رسد که اشتراک در مخالفت با هرزه نگاری و تفاوت خط قرمزهای امنیت ملی در مقایسه فیلترینگ ایران با آمریکا و ۱۰ کشور دیگر قابل ذکر هستند.

شیطان پشت پرده انیمیشن های والت دیزنی



خاطرات کودکی بسیاری از ما با شخصیت های کارتونی چون «میکي موس»، «شیر شاه»، «سفید برفی و هفت کوتوله»، «سیندرلا»، «زیبای خفته»، «علاءالدین» و ... همراه است که همه این ها محصول یک کمپانی هالیوودی به نام «والت دیزنی» است. به نوعی والدین با اعتماد به سازندگان این انیمیشن ها اوقات فراغت و جسم

و روح کودکان خود را به شخصیت های کارتونی می سپارند که دنیای رنگارنگ و پراز تخیلشان، حتی در برخی مواقع بزرگسالان را بیش از کودکان به خود جذب می کند، غافل از اینکه گاه در پس این دنیای رنگارنگ و زیبا چه فتنه ها و دسیسه هایی که پنهان نیست.



معلم فداکار سیستان و بلوچستانی جانش را فدا کرد



حمیدرضا گنگوزهی به هنگام ورزش گردباد متوجه می شود دیوار مجاور مدرسه که سه دانش آموز در جوار آن قرار گرفته اند به دلیل بارش های روزهای گذشته در حال فرو ریختن است؛ وی بلافاصله اقدام به نجات دانش آموزان می کند و بعد از نجات جان سه دانش آموز از مرگ حتمی، خود گرفتار آوار شده و جانش را فدای شاگردانش می کند.



۴ عنوان درسی به دوره دوم متوسطه اضافه شد



حجت الاسلام و المسلمین محی الدین بهرام محمدیان، معاون پژوهشی وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی در خصوص عناوین کتب درسی پایه دهم، اظهار داشت: چهار عنوان درسی جدید در دوره متوسطه دوم داریم که برای سال تحصیلی آینده نیز در پایه دهم وجود خواهد داشت که عبارتند از: «انسان و محیط زیست»، «تفکر و سواد رسانه ای»، «سلامت و بهداشت» و «کار و فناوری».



کتابی که محسن رضایی با خود به بیت رهبری برد



ظهر یکشنبه ۱۳۹۵/۰۱/۲۲ در دیداری که جمعی از فرماندهان نظامی با فرمانده کل قوا داشتند، سرلشکر محسن رضایی نیز حضور داشت. به گزارش میزان، نکته قابل تأمل پیرامون حضور فرمانده سپاه پاسداران در دوران دفاع مقدس این بود که وی در این دیدار کتابی را به همراه خود آورده بود: کتابی با عنوان «راه» که در برگزیده خاطرات این فرمانده اسبق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.



باشگاه خبرنگاران بسیج افتتاح شد

باشگاه خبرنگاران بسیج با حضور سردار محمدرضا نقدی رئیس سازمان بسیج مستضعفین، حجت الاسلام توپسرکانی مسئول نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین، سید نظام الدین موسوی مدیرعامل خبرگزاری فارس، مسعود بصیری رئیس سازمان بسیج رسانه، الیاس حضرتی مدیرمسئول روزنامه اعتماد، تقی رحمانیان مدیرمسئول روزنامه شرق و جمعی از مدیران و فعالان رسانه ای افتتاح شد.



برگزاری چهاردهمین جشنواره فیلم مقاومت

انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس به منظور تبیین فرهنگ مقاومت در مقابل تهاجم و نفوذ فرهنگی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و امنیتی دشمنان به ویژه آمریکا، در راستای استکبارستیزی ملل مظلوم جهان و مبارزه با تروریسم و صهیونیسم بین الملل، چهاردهمین جشنواره بین المللی فیلم مقاومت را در بخش های «سینمای ایران» و «سینمای بین الملل» با حضور فیلمسازان داخلی و خارجی در تاریخ ۱۳۹۵/۷/۴ تا ۱۳۹۵/۵/۹ برگزار می نماید.



رونمایی از سامانه اس ۳۰۰ در رژه روز ارتش

همزمان با رژه نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران در روز ۲۹ فروردین در جوار حرم بنیانگذار انقلاب اسلامی، بخشی از سامانه موشکی دور برد اس ۳۰۰ که به تازگی از روسیه خریداری شده از مقابل جایگاه عبور داده شد. سامانه موشکی اس ۳۰۰ در مدل بی ام یو ۲، یک سامانه دفاع موشکی برد بلند است که قادر به شناسایی اهداف بالستیک، هواپیماهای بمب افکن، جنگنده و غیره است.



خدمت رسانی جهادگران بسیجی تهران به مردم سیل زده خوزستان

رضا رضاپور، مسئول سازمان بسیج سازندگی سپاه حضرت محمد رسول الله (ص) تهران بزرگ عنوان کرد که بعد از وقوع سیل در استان خوزستان، طی روزهای اخیر شش گروه جهادی از بسیجیان تهران به خوزستان اعزام شده اند و در حال خدمت رسانی به مردم مناطق سیل زده هستند.

عکس و مکث



ماه عکس



الحاق شناورهای تندرو به نیروی دریایی سپاه | محمد آگاه



پاداش حمایت از داعش

انفجارهای تروریستی در بروکسل | خبرگزاری تسنیم



مادران فراموش شده

روز مادر در آسایشگاه خیریه کهریزک | عباس شریعتی



جنگ بالش‌ها

در حالیکه مردم جهان در یمن و سوریه در جنگ واقعی به سر می‌برند، عده‌ای هم با بالش و پر با هم می‌جنگند! | خبرگزاری رویترز



نظم هنرهای رزمی

نمایی از هنرآموزان مدرسه هنرهای رزمی کنگ فوی شائولین در چین | خبرگزاری رویترز



خنکی گل

کودک هندی با گل بازی سعی در خنک کردن خود در گرمای هوای دهلی دارد. | خبرگزاری رویترز





بسیجی در قلاب

پایان ۳۰ سال انتظار
خبر بازگشت پیکر
شهید سعید حیدری از کاروان
۶۸ شهید تازه تفحص شده،
که سوم اسفند از مرز اروند
وارد کشور شد صبح سه شنبه
چهارم اسفند در منزل شهید به
خانواده اش داده شد. | آرمین
کرمی



جای خالی خالق یوسف پیامبر
مراسم چهلمین روز درگذشت فرج الله
سلحشور | احمد پیروز



سال نو با شهدا
تحويل سال ۱۳۹۵ / گلزار شهدای بهشت زهرا (س) تهران
| محسن عطایی



سفیران علم و جهاد
اردوی جهادی منتظران خورشید | سهیل صحرانورد



یادگاری های روز طبیعت مازندران | پژمان مرزی



آغوش مادر
کودکان یمین در پی حملات خصمانه عربستان سعودی از
قحطی و بیماری رنج می برند | خبرگزاری رویترز

A collage of Iranian newspaper clippings, including headlines like 'ایران ساخته جنگ خونین مسلحانه' (Iran built a bloody armed war) and 'ایران با سلاح' (Iran with weapons), set against a background of red tulips.



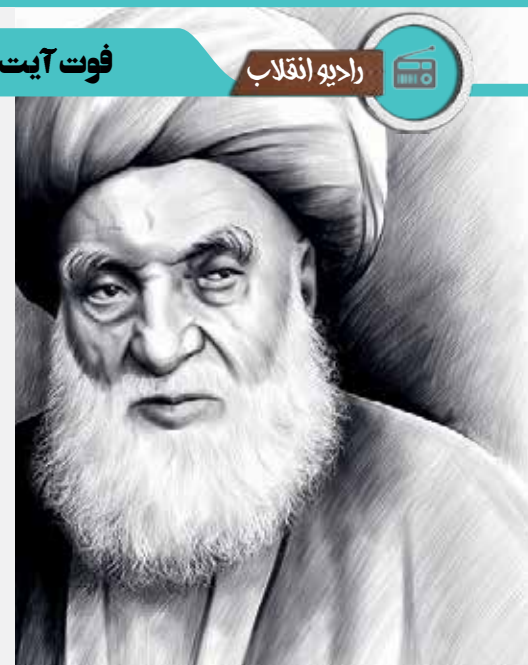
شهید بهشتی؛ مرد تشکیلاتی نظام

شهید بهشتی دیپلم را در سال ۱۳۳۰، دوره لیسانس را در دانشکده الهیات و معارف اسلامی و سپس در سال ۱۳۳۸ دوره دکترا را در این دانشکده به پایان رسانید. وی از سال ۱۳۲۰ تدریس در دبیرستان‌های قم را آغاز کرد و در سال ۱۳۳۳ دبیرستان «دین و دانش» قم را تأسیس نمود. از جمله خدمات فرهنگی ارزنده شهید بهشتی، می‌توان به ایجاد امکانات آموزش زبان و علوم روز برای طلاب حوزه علمیه قم و «کانون اسلامی دانش‌آموزان و فرهنگیان» قم اشاره کرد. ایشان در سال ۱۳۴۲ «مدرسه علمیه حقانی» را تأسیس و به کمک جمعی از فضلاء حوزه علمیه اقدام به تشکیل گروه تحقیقاتی پیرامون حکومت در اسلام کردند. شهید در همان اوقات توسط سازمان امنیت "ساواک" از قم به تهران انتقال یافت و در سال ۱۳۴۳ در تهیه برنامه جدید تعلیمات دینی مدارس شرکت و یک سال بعد به آلمان عزیمت کرد. در آنجا علاوه بر یک سلسله آموزش‌ها و حرکت‌ها که به طور طبیعی ناشی از اصالت فکری و عمق مغز ایدئولوژیک وی بود به بنیانگذاری گروه فارسی زبان در انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا اقدام نمود.

او در برگزاری راه‌پیمایی‌های عظیم چهارم شوال و تاسوعا و عاشورای ۵۷ نقشی مؤثر داشت. سخنرانی‌های پرشور شهید مخصوصاً در روز ۱۶ شهریور در مسجد صاحب‌الزمان (عج) تحرك فراوانی به مردم داد. هنگامی که امام (ره) در پاریس بودند، برای تبادل نظر با

آیت‌الله دکتر سید محمدحسین بهشتی در دوم آبان سال ۱۴۰۷ در محله لومبان اصفهان به دنیا آمد؛ تا پایان سال دوم دبیرستان در آن شهر تحصیل کرد و سپس به دلیل علاقه شدیدی که به علوم اسلامی داشت وارد حوزه علمیه اصفهان شد. دروس علمی را تا اواخر سطوح عالیّه در همان حوزه گذراند و در سال ۱۳۲۵ راهی حوزه علمیه قم گردید. ایشان پس از طی یک سلسله آموزش‌ها و کسب فیض از محضر استادید و مراجع، بخصوص امام خمینی (ره) با عده‌ای از فضلاء حوزه، درس اصول و فقه آیت‌الله داماد را که مورد علاقه طلاب جوان بود بنیانگذاری کرد. همچنین به همراه دوستان دیگر چون آیت‌الله شهید مطهری و فقهای دیگر در درس خارج امام خمینی (ره) حاضر شدند.

آیت‌الله سیدحسین طباطبایی بروجردی
استاد امام خمینی - مدت ۱۵ سال تنها
مرجع تقلید شیعیان جهان بود. در مقابل
شاه ایستادگی می‌کرد و هیچ ترسی هم نداشت
تا جایی که شاه در اول کتاب انقلاب سفید
می‌گوید: من این کارها را قبلاً می‌خواستم انجام





به شوق حرم؛ به سوی خدا

شهید دانش آموزی که با شناسنامه پسر عمویش به جبهه رفت: شهید حمیدرضا حمیدی



و بعد عازم جبهه شد و پس از پایان دوره ۳ ماهه برگشت.

این برگشت اما آخرین بازگشت حمید به تهران بود. بار دوم که می خواست برود انگار می دانست که دیگر برگشتی نخواهد بود. شب، همه فامیل را جمع کرد و از آن ها حلالیت طلبید. مادرش می گوید: صبح روز بعد که می خواست برود، سه بار از زیر قرآن گذراند مش و خدا حافظی کردیم. هر بار که قدری جلو می رفت دوباره برمی گشت و مرا می پرسید. نمی توانستیم از هم دل بکنیم. شب شهادت حمید را مادرش بهتر روایت می کند: شب شهادت حمیدرضا یعنی هفتم بهمن ماه ۱۳۶۵ در خواب دیدم من و حمیدرضا راه سمت آسمان می بریم و مسافت خیلی زیادی حرکت کردیم، تا به نقطه ای رسیدیم که او از من جدا شد و من تنها ماندم. وقتی از خواب بیدار شدم مطمئن شدم حمیدم به شهادت رسیده است.

حمیدرضا از ناحیه شکم به وسیله ترکش در عملیات کربلای پنجم در منطقه شلمچه به شهادت رسید؛ در حالیکه فقط ۱۶ سال داشت. او علاوه بر ترکش، شیمیایی هم شده بود. بدن حمیدرضا پس از تشییع به همراه دو نفر دیگر از شهدادرورامین در گلزار شهدای «سیدفتح الله» به خاک سپرده شد. حمید عاشق خدا بود و پرنده جانش دیگر حوصله ماندن در قفس کوچک این دنیا نداشت. آخر بارها از زبان قرآن برایش گفته بودند که این دنیا چیزی جز لُهو و لعب نیست و حمید کسی نبود که دلبسته بازی و پوچی این دنیا شود. رفت تا از معبر رسیدن به کربلا، به خدا برسد. ■

حمید ۹ سالش بود که صدام با حمایت مستقیم و غیرمستقیم ۱۵ کشور دنیا و با چراغ سبز آمریکا به ایران حمله کرد. آن روزها حمید سنش کمتر از آن بود که درکی عمیق از جنگ و مسائل کشور داشته باشد. پدرش از مبارزان دوران شاه بود و خانواده آن ها با انقلاب و مسائل مذهبی آشنایی خوبی داشتند.

مادر حمید روایت می کند که سال ها بعد که حمید بزرگتر شد و کم کم به بلوغ فکری و عقلی رسید، تا آهنگ «هر که دارد هوس کربلا بسم الله...» از تلویزیون پخش می شد، مشتاقانه پای آن می نشست و با آن همزمانی می کرد. از دوره راهنمایی از مادرخواست می کرد که اجازه بدهیم به جبهه برود. می گفت فقط سه ماه می روم و می دانم که شهید نمی شوم. پدر حمید هم روایت می کند که او انسان خود ساخته ای بود و حتی قبل از بلوغ در یک شرکتی به عنوان تحصیلدار کار می کرد که صاحب شرکت هم از کار او بسیار راضی بود.

هنوز ۱۵ سالش تمام نشده بود که شوق کربلا هوایی اش کرد. اصرار و اصرار که خانواده اش را راضی کند که اجازه بدهند به جبهه برود. چون سنش کمتر از ۱۵ سال بود مجبور شد با شناسنامه پسر عمویش در مسجد ثبت نام کند. اصرارها بالاخره جواب داد و حمید اجازه رفتن به جبهه را از پدر و مادرش گرفت. قول داد سه ماه بیشتر جبهه نباشد اما خاک جبهه و صفای معنوی و شور و حال عرفانی آن طوری بود که هر کس را دامنگیر می کرد. ابتدا یک دوره آموزشی ۴۵ روزه ای در ناحیه مالک اشتر گذراند



من خمینی فروش نیستم

پرسیدم: «چنده؟»

پیرمرد، به هندوانه های پوسیده نگاه کرد و گفت: «چند روزه آقای خمینی دستگیر شده؟» بازار، حدود یک هفته ای بود که بسته شده بود؛ به خاطر اعتصاب بازاری ها و روزنامه نگاران. گفتم: «نمی دونم... هفت هشت روزی می شه.»

پیرمرد به چرخ دستی اش تکیه داد و نگاه کرد به قفل در مغازه ها. بعد، کلاه مندرس اش را برداشت و سرش را خاراند. با خود گفتم: «خرجی زن و بچه اش را چه جوری می دهد با این اوضاع و احوال اعتصاب و تعطیلی؟!» خواستم چند تا از هندوانه های خراب شده اش را بخرم تا کمی کرده باشم به او.

اشاره کردم به هندوانه ها و گفتم: «از این پنج تا برام می کشی؟» پیرمرد کلاه اش را برداشت و تکاند و به سرش گذاشت. دوباره به کره کره مغازه ها نگاه کرد و بعد با غیظ به چشم های من خیره شد و گفت: «برو آقا! من خمینی فروش نیستم!»

«دست هایش خونی، چشم هایش گریان»
نوشته ابراهیم اکبری





نمایه اثر

«نگارخانه فضای مجازی» را بخوانیم!

این کتاب حاصل تلاش کارشناسان فضای مجازی است که با تکیه بر وقایع و اتفاقات فرهنگی روز در سطح جامعه و بهره‌گیری از علوم جدید تهیه شده و از آنجایی که آشنایی با رسانه‌ها، جهت‌دهی آن‌ها و نحوه کارکردشان نیازمند شناخت عملی است، کوشش شده که جنبه کاربردی عملی سواد رسانه‌ای مورد تأکید بیشتری قرار گیرد. آگاهی از آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی، بازی‌های رایانه‌ای و شبکه‌های ماهواره، ارائه راهکارهای اجرایی ویژه مربیان و والدین، معرفی بازی‌های رایانه‌ای ایرانی، سایت‌ها و نرم‌افزارهای مفید، ذکر نکات اخلاقی و امنیتی در فضای مجازی از جمله سرفصل‌هایی است که در این کتاب مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

با توجه به هشدارهای رهبر معظم انقلاب در نشانه‌گیری تهاجم فرهنگی به سبک زندگی اسلامی، ضرورت یافتن راهکارهای پژوهشی و تخصصی در این حوزه توسط جامعه فرهنگی، اصحاب رسانه و محققین بسیار حائز اهمیت است.

ناشر کتاب در مورد علت چاپ چنین کتابی نوشته است: با توجه به لزوم اطلاع‌رسانی از محاسن و معایب فضای مجازی به علت مصرف و درگیر بودن اکثر مردم با این فضا و تحت تأثیر قرار دادن سبک زندگی آن‌ها، فرهنگسرای گلستان با توجه به رسالتی که در عرصه فرهنگ بر عهده دارد، بر آن شد تا مجموعه کتاب «نگارخانه فضای مجازی» را تهیه و چاپ نماید.

منبع: فرهنگسرا دات آی آر

«فهرست مقدس»؛ گامی روبه جلو

در این میان شخصیت‌های مثبت داستان به شکل حیواناتی مانند شتر و اسب و شخصیت‌های منفی ماجرا به شکل حیواناتی همچون مار و بوزینه به تصویر درآمده‌اند. همچنین استفاده از عوامل فنی کاملاً حرفه‌ای و توجه بالا به کیفیت صداگذاری اثر که از بخش‌های بسیار مهم یک انیمیشن محسوب می‌شود، موجب شده از این لحاظ هم «فهرست مقدس» یک سر و گردن بالاتر از همتایانش قرار گیرد.

انیمیشن «فهرست مقدس» محصول خانه انیمیشن سازمان هنری رسانه‌های اوج و به کارگردانی محمدمبین همدانی است. ایم انیمیشن همچنین جایزه بهترین فیلم انیمیشن سی و چهارمین جشنواره فیلم فجر را به خود اختصاص داده است.

منبع: رجانیز

داستان انیمیشن «فهرست مقدس» در رابطه با قصه‌ای قرآنی درباره «اصحاب اخدود» است که سرگذشت آن‌ها در آیات ۱۱ الی ۸ سوره بروج بیان شده است. اصحاب اخدود در زمانی حدود یک قرن پیش از ظهور اسلام، در شهر نجران، جایی در حوالی مرز عربستان و یمن زندگی می‌کرده‌اند و به دعوت پیامبری با نام «فیمون»، به دین مسیحیت روی می‌آوردند اما پس از آن‌که با تهدید پادشاه یهودی آن منطقه با نام «ذونواس» حاضر به روی گرداندن از دین خود نمی‌شوند، توسط وی در آتشی هولناک در دره اخدود سوزانده می‌شوند.

سازندگان «فهرست مقدس» در فیلمشان برای خلق شخصیت، دست به کاری هوشمندانه و نوآورانه زده و شخصیت‌های قصه فیلمشان را با توجه به خلق و خویشان، به شکل حیواناتی با آن خلیقات، تصویرسازی نموده‌اند.



فهرست مقدس



مدارس



گزارشی از مدارس و فعالیت های آنان

طی دوروز در مجلس قدیم:

حضور دانش آموزان نخبه بسیجی در کنگره ملی
همفکری بسیج دانش آموزی



در این کنگره دانش آموزان پسر با لباس های فرم سبز رنگ، جلیقه و شلوار و جفته بر گردن و دختران نیز با مقنعه ای به رنگ کرم خاکی و چادر، جلوه ای باشکوه داشتند. در اینجا برگه های نطق هر یک از دانش آموزان در دست هایشان بود که با جدیت آن را مرور می کردند تا نکند که مشکلی از مشکلات مدارس، ناگفته باقی بماند. همچنین بسیاری از دانش آموزان دومین سالی بود که حضور در کنگره ملی را تجربه می کردند و عده ای دیگر نیز برای اولین بار بود که پای در مجلس ملی می گذاشتند. در واقع آن ها از مجمع همفکری بسیج دانش آموزی شهرستان خود آغاز کرده و به عنوان رئیس و نایب رئیس و فعالان کارگروه های مجمع استانی و فعال اجتماعی، فرهنگی و صاحب نظر شناخته شده اند.

این دانش آموزان از سراسر کشور طی دوروز در مجلس بسیج دانش آموزی در روزهای ۲۸ و ۲۹ بهمن ماه حضور یافتند.



در سالی که گذشت، دانش آموزان فعال بسیجی فعالیت های بسیاری در عرصه های مختلف انجام دادند که ما بخشی از این فعالیت ها را به صورت مختصر معرفی می کنیم:

اقتصاد مقاومتی در شیبکوه استان فارس:

بسیج دانش آموزی منطقه شیبکوه در میانشهر در سال گذشته، شاهد برگزاری نشست علمی با چاشنی اقدام و عمل بود. این نشست به همت دو فرمانده واحد مقاومت، یعنی فرمانده واحد شهدای میانشهر و فرمانده واحد شهید وهاب تهمتن برگزار شد. در این نشست صمیمانه که با حضور اعضای بسیج این مدارس توأم بود، موضوع اقتصاد مقاومتی به بحث و بررسی گذاشته شد. در این جلسه مسائل مربوط به اقتصاد مقاومتی، راه حل های مبارزه با کالاهای غیر ایرانی و علل گرایش به کالاهای بیگانه و ضعف اقتصادی کشور، مورد بحث و بررسی قرار گرفت که این برنامه با استقبال بسیار دانش آموزان مواجه شد و مشارکت دانش آموزان بسیجی در این بحث، نشان از اهمیت و دغدغه مندی این موضوع برای آنان دارد.

نصب پیکر یادگوارین شهدای مدافع حرم فراموشید
به همت واحد مقاومت بسیج دانش آموزی دبیرستان
شهید مطهری.



عباز وی قیور شهدای دانش آموز توسط دانش
آموزان بسیجی دبیرستان شهید اسکندری استان فارس



در اینجا یکی پس از دیگری از ورودی ها عبور می کنند و یکدل و یک رنگ وارد راهروی مجلس می شوند، حال دیگر بال گشودن ها را آغاز کردند و هر یک برای نشستن بر روی کرسی قرمز رنگ مجلس - که زمانی شهدای ۷ تیر بر روی آن جلوس کرده بودند - پیشی می گرفتند.

در واقع ۳۲۰ نماینده دانش آموز از سراسر کشور در ساختمان شماره ۲ مجلس قدیم گرد هم آمدند تا سند ملی و راهبرد دانش آموزی را کامل و مصوب کنند.

مجلس بسیج دانش آموزی نیز با حضور مسئولان آغاز شد. حجت الاسلام پناهیان، با سخنان کوبنده دانش آموزان را سر ذوق آورد، آن چنان که هر یک از آنان دیگر خود را دانش آموز نمی دانستند و خود را یک دانشجوی حق جو و مطالبه گر خطاب می کردند.

سردار نقدی، رئیس سازمان بسیج مستضعفین نیز نطق یک ساعته خود را با کلام گوهریار رهبر معظم انقلاب در باب اقتصاد مقاومتی، انتخابات و جایگاه ملت آغاز کرده و گفتند که (۱) دانش آموزان باید پرچم دار اقتصاد مقاومتی در کشور باشند، (۲) لیستی که از سوی مفسد اقتصادی صادر شود، مورد تأیید نیست، (۳) امروزه نیازی نداریم تا یک کلمه از امام را سانسور کنیم و سپس مجلس را به دست خود دانش آموزان سپردند.

مجلس به ریاست زهره ضامن نماینده مازندران، فیروزی نائب رئیس و ذاکری منشی اداره می شود. در واقع کارگروه های ده گانه در طبقه دوم و سوم، در دو بخش خواهران و برادران تشکیل می شود و دانش آموزان گلستان نیز حضور پررنگی در اینجا دارند.

در زمان خروج سردار نقدی، دانش آموزان برای گرفتن سلفی یکی پس از دیگری خود را به وی رسانده و سردار نقدی نیز با روی گشاده با همه آنان عکس یادگاری می گرفتند.

روز اول با جلسات کارگروه ها و رأی گیری سه کرسی در هیئت رئیسه پس از حذف دانش آموز، به پایان می رسد و در دومین روز که قرار بود وزیر آموزش و پرورش مهمان ویژه کنگره باشد و بالاترین مقام آموزش و پرورش کشور حاصل نشست های کارگروه ها را شاهد باشد، متأسفانه با جلسه مهمی مواجه شده و نتوانستند در مجلس دانش آموزان حضور یابند و علی صابر ماهانی، رئیس سازمان بسیج دانش آموزی کشور، عهده دار سخنرانی روز دوم شدند.

صابر ماهانی در آخرین روز کنگره خطاب به دانش آموزان گفتند: یک دانش آموز بسیجی نه تنها در عرصه بسیج، بلکه در عرصه علمی نیز باید پیشرو باشد. زیرا شما سازندگان تمدن آینده هستید و لازمه رسیدن به آن، داشتن نیروی علم و ایمان است.

در ادامه نیز بر اساس رأی گیری روز گذشته، اعضای جدید هیئت رئیسه به دانش آموزان معرفی شدند. همچنین دبیران کارگروه های ده گانه به ارائه گزارش کارگروه و مصوبات نشست های روز گذشته پرداختند که دانش آموزان پس از استماع گزارش مصوبات، نظرات مخالف و موافق خود را بیان کردند و با انجام رأی گیری و تصویب گزارش ها، متن مصوبه تقدیم هیئت رئیسه شد که بعد از تصحیح و تکمیل مصوبات، به سند ملی اضافه خواهد شد.

راهروهای مجلس در زمان اعلام تنفس نیز صحنه بحث و تبادل نظر به سبک نمایندگان مجلس برای رسیدن به نظرات واحد بود. در واقع تمرین نماینده شدن را می شد از رست هایی که در زمان ایراد سخنرانی، چانه زنی ها و جدل در زمان تصویب مصوبات، مشاهده کرد که هر یک تمام تلاش خود را برای توجیه و قابل اجرا بودن طرح های خود ارائه می کردند.

بی شک، کنگره ملی همفکری آینده سازان انقلاب اسلامی، دانش آموزان طراز انقلاب اسلامی را تربیت و در آینده راهی مجلس شورای اسلامی خواهد کرد تا پایداری انقلاب اسلامی با نمایندگانی متعهد و متعهد تضمین شود. ■



انعکاس تجربیات موفق و قابل الگو گیری



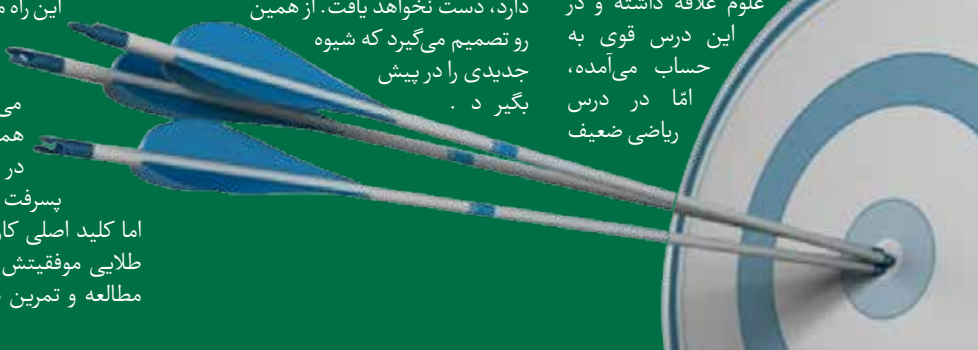
کلید طلایی

دانشجوی یکی از بهترین رشته‌های دانشگاهی است که این موفقیت را مرهون درصد بالایی ریاضی در کنکور می‌داند، اما زمانی که کمی از شرایط دوران تحصیل خود در دبیرستان را برایمان می‌گوید، متوجه می‌شویم که این تسلط بر ریاضی را به آسانی به دست نیاورده است. در واقع او از ابتدای تحصیل، به درس علوم علاقه داشته و در این درس قوی به حساب می‌آمده، اما در درس ریاضی ضعیف

بوده است. در سال اول دبیرستان، به دلیل علاقه و توانمندی او در درس علوم، رشته علوم تجربی را انتخاب می‌کند اما از همان ابتدا با درس ریاضی به مشکل برمی‌خورد. در هر حال به هر سختی و مشکلی که بوده است، ریاضی سال دوم را پشت سر می‌گذارد، اما روزی که از امتحان ریاضی ترم ۲ فارغ می‌شود، متوجه این امر می‌گردد که نسبت به بقیه همکلاسی‌هایش ضعف بسیار زیادی در این درس دارد و اگر قرار باشد به همین متوال پیش برود، به نتیجه‌ای که دوست دارد، دست نخواهد یافت. از همین رو تصمیم می‌گیرد که شیوه جدیدی را در پیش بگیرد.

به همین دلیل نیز بنده از ایشان خواستم تا برایمان توضیح دهد که چگونه به این موفقیت دست یافته است. ایشان گفتند که تابستان قبل از سال سوم، شروع به تمرین ریاضی سال دوم می‌کند تا به مهارت خوبی در این زمینه برسد. در این راه از دوستانش که در درس ریاضی قوی بودند نیز کمک می‌گیرد. او از ابتدای تابستان شروع به مطالعه درس ریاضی می‌کند و در هنگام برخورد با هر مشکلی توقف می‌کند تا با رفع ریشه‌ای و کامل مشکل خود پیش برود. او در این راه متوجه می‌شود که در برخی مباحث ریاضی که مربوط به ابتدائیات این درس می‌باشد، مشکلاتی دارد که همین‌ها مانع پیشرفت او را در ریاضی شده و حتی باعث پسرفت او نیز شده است. اما کلید اصلی کار او که خود او آن را کلید طلایی موفقیتش می‌داند، این است که او مطالعه و تمرین در این درس را به صورت

مستمر و روزانه پی می‌گیرد. به این صورت که روزانه ۳۰ دقیقه زمان برای این درس می‌گذارد و هیچ روزی حتی جمعه‌ها و یا در سفر نیز این تمرین را رها نمی‌کند. این تمرین ۳۰ دقیقه‌ای در روز تا پیش دانشگاهی همراه با او می‌ماند. البته خانم سمیعی این نکته را نیز می‌گوید که به دلیل کوتاه بودن زمان تمرین در روز، به یک باره به نتایج جدی و قوی در درس ریاضی نرسیده است و نتیجه کار او تقریباً پس از یک سال، به جایی رسیده که دیگران هم متوجه تلاشش شده‌اند. به همین دلیل صبوری را نیز چاشنی تلاش خود کرده است تا بتواند به خوبی به راهش ادامه دهد؛ بنابراین مطالعه مستمر، توقف در ضعف‌ها -که بعضاً منجر به رفع مشکلی ریشه‌ای در درس می‌شود- و صبوری، کلیدواژه‌های موفقیت او می‌باشند. چنان‌که سعدی سالیان درازی پیش از این، این چراغ راه را برای ما به یادگار گذاشته است: رهروان نیست که گه تند و گهی خسته رود رهروان است که آهسته و پیوسته رود



مدرسه در دست ما

مدرسه‌ای مطلوب

که از نظر ما دانش‌آموزان مطلوب است. به عنوان مثال اگر بنده معلم دینی بودم، چگونه درس می‌دادم و یا اگر مشاور مدرسه بودم، چه برخوردی داشتم؟

یک ناظم مطلوب

ناظم مدرسه در ذهن اکثر ما چهره‌ای بداخلاق، جدی، دارای صدایی محکم و بلند بوده و رفتارش با مهربانی همراه نیست و کلام او نیز رنگ و بوی محبت ندارد. قد بلند و هیكل درشت، اخم کردن‌های مداوم، فریاد زدن و عصبانی بودن نیز از دیگر نشانه‌های تصویر ذهنی ما است. حال اگر همین ناظم کمی مهربان‌تر برخورد کند، فریاد نزند و عصبانی نباشد، مطلوب‌تر به نظر می‌رسد. البته باید این نکته را نیز در نظر گرفت که حفظ نظم در مدرسه، کار چندان ساده‌ای نیست و دشواری‌هایی به همراه دارد که همین موضوع، کار ناظم را سخت‌تر می‌کند. به خصوص در مواقعی که دانش‌آموزانی در مدرسه هستند که در پی برهم زدن نظم مدرسه و ایجاد خلل در روند جاری مدرسه می‌باشند که بعید است این دسته از دانش‌آموزان با مهربانی و محبت، همراهی با مدرسه را بپذیرند؛ بنابراین ضروری است که جدیت و محکم بودن را از ویژگی‌های اصلی یک ناظم بشماریم.

«بنشین سر جای ت بچه...» می‌نشینم اما در دلم می‌گویم که من دیگر بچه نیستم. برای هر کدام از ما اتفاقاتی در مدرسه پیش آمده که موجب ناراحتی ما شده و به نوعی در دلمان ناراحتی به وجود آورده است که گاهی فکر می‌کنیم اگر این‌گونه بود، بهتر می‌شد، یا اگر به نوع دیگری گفته می‌شد، قابل پذیرش بود و یا اگر با این شیوه انجام می‌شد، احتمال موفقیت آن بیشتر بود. در این قسمت سعی می‌کنیم که مدرسه‌ای را به تصویر بکشیم



پس اگر مدرسه در دست ما باشد، ناظمی را می‌پسندیم که در عین جدیت و قاطعیت، ویژگی‌هایی نظیر مهربانی و شوخ‌طبعی را نیز چاشنی کلام و رفتار خود کرده و درمزمز مهربانی و قاطعیت گام بردارد. او در عین حفظ نظم در مدرسه کاری می‌کند که دانش‌آموزان، هم با او دوست باشند و هم از او حساب ببرند. این ناظم می‌تواند یک همراه خوب برای شنیدن دردها و مشکلات دانش‌آموزان و یک هم‌صحبت در گفت و گوهای دانش‌آموزی و یک مشاور برای راهنمایی شاگردانش در بزرگه‌های مهم زندگی‌شان باشد. زمانی که یک ناظم تا این حد از احوالات دانش‌آموزان خود مطلع باشد، ضمن کمک و همراهی به آن‌ها، دلیل بسیاری از رفتارهای متفاوت آنان نسبت به روزهای دیگر را متوجه خواهد شد و درک خوبی از حال شاگردان نیز خواهد داشت؛ بنابراین تصور بنده از یک ناظم مطلوب در مدرسه، فردی است دوست‌داشتنی، قابل اتکا و قاطع.

شما چه فکری می‌کنید؟



رفیق پایه‌ات کیه؟!

واژه «دوست» واژه بسیار زیبایی است. دوست کسی است که در کنار او احساس آرامش داریم و گاهی نیز حاضریم برای او جانمان را فدا کنیم.

پول داری رفیقتم»، در واقع این سخن برای چنین افرادی است. حال جای پول را هر چه که می‌خواهد، بگیرد.

به پدر و مادر خودتان که نگاه کنید، خواهید دید که آن‌ها دوستانی دارند که مثلاً از دوران دبیرستان و یا حتی قبل‌تر با آن‌ها دوست بوده و هنوز هم با آن‌ها در ارتباط هستند. هر چند که دیر به دیر نیز به هم تلفن می‌کنند، اما در این تماس هر چند کوتاه نیز می‌توان زیباترین رابطه میان دو نفر را که در دوستی خلاصه می‌شود، مشاهده کرد. حال اگر به خودمان و یا اطرافیانمان در مدرسه نگاه کنیم، کمتر شاهد این‌گونه دوستی‌ها خواهیم بود و حتی شاید با این اوصاف تا به حال دوستی نیز نداشته‌ایم.

حال باید ببینیم که دوستی‌مان را باید از کجا و با که درست کنیم که دیگر دوستی‌هایمان نیز درست شود و یا به قول معروف «خانه دوست کجاست؟». در جواب باید گفت که «یار در خانه و ما گرد جهان می‌گردیم». در واقع خوب که نگاه کنیم، خواهیم فهمید که دوست واقعی کیست و در حال حاضر نیز زمان آن است که دست‌هایمان را سمت آسمان گرفته و او را این‌گونه بخوانیم: «یا حبیب قلوب الصادقین و یا اله العالمین. ای دوست دل‌های راستگویان و ای خداوند جهانیان». ■



در روز اولی که وارد مدرسه شدیم، تقریباً هیچ کدام مان بقیه را نمی‌شناختیم. به ما گفتند که به داخل کلاس رفته و بنشینید و هر کس نیز برای خود در جایی نشست. در ابتدا همه سعی کردند که بر روی نیمکت‌های خالی بنشینند. اما در آخر همه نیمکت‌های خالی پر شد و بعضی‌ها نیز در کنار دیگران نشستند. در این حین ناخودآگاه صاحب یک کنار دستی شدیم که او را نمی‌شناختیم و ناخودآگاه صاحب یک دوست خوب شدیم، چرا که بدون هیچ منفعت و غرض خاصی این دوستی شکل گرفته بود و بسیاری از ما این دوستی را تا آخر دوران ابتدایی نیز ادامه دادیم. اما از زمانی که وارد مقطع راهنمایی و دبیرستان شدیم، دیگر خبری از نیمکت‌های دو نفره و بعضاً سه نفره نبود، در واقع هر نفر یک صندلی داشت که این صندلی‌های جدا از هم، موجب این شد که ما شروع به انتخاب کنیم. انتخابی که برای هر کس بر اساس یک اولییتی صورت می‌گرفت. یکی به خاطر درس و دیگری به خاطر هم مسیر بودن و... و حتی بعضی نیز کاملاً بدون دلیل با هم دوست می‌شدند. اما در این میان عده‌ای هم بودند که بر اساس منافعتشان تصمیم می‌گرفتند. این امر مانند این است که بگویید «تا

مه‌نامه



امان از دست رفاقت...

امروزه خطرات و آسیب‌های متعددی نوجوانان و جوانان را تهدید می‌کند. از اعتیاد به مواد مخدر گرفته تا بزهکاری و انحرافات جنسی و... . آنگونه که محققین گزارش می‌دهند، یکی از مهم‌ترین علل کشنده شدن نوجوانان و جوانان به این امور، دوست و رفیق نامناسب است.

انسان به صورت فطری به دنبال همدم و رفیق می‌گردد؛ وقتی رفیقی می‌یابد و این رفاقت ادامه پیدا می‌کند، به تدریج علاقه و وابستگی بین آن‌ها زیاد می‌شود؛ نقاط مشترکاتشان بیشتر شده و جدایی‌شان از یکدیگر سخت‌تر خواهد شد. لذا سعی می‌کنند کمتر همدیگر را ناراحت کنند و در شرایط و مشکلاتی که میانشان به وجود می‌آید، برای رضایت یکدیگر، حاضر هستند از عقاید و ارزش‌های خود کوتاه بیایند. خصوصاً اگر این دوستی یک‌طرفه باشد

گروه‌هایی که در آن رفت و آمد دارد، دقت و احتیاط کند.

مسجد یکی از مکان‌هایی است که انسان‌ها می‌توانند در آن، دوستانی صمیمی پیدا کنند. کسانی که مقید به رفت و آمد در مسجد هستند و نسبت به آن علاقه دارند، کسانی هستند که به تعبیر قرآن دوست دارند پاکیزه شوند (توبه/ ۱۰۸). مسجد محل اجتماع مؤمنین است و در تمامی سطوح سنی مخاطب دارد؛ لذا در مساجد نیاز

به دوست‌یابی به نحو شایسته‌ای برآورده می‌شود.

«حلقه‌های تربیتی صالحین»، یکی از مجموعه‌های تربیتی موفق است که در مساجد سراسر کشور گسترده شده، و مسجد را محور تمامی فعالیت‌های خود می‌داند. این حلقه‌های تربیتی سطوح سنی مختلفی را در خود جای داده است که به خوبی نیاز به رفیق و دوست شایسته و هم سن و سال را برآورده می‌کند.





مناسبت



معلم اندیشیدن نه اندیشه‌ها!

با شهید مطهری بیشتر آشنا شویم

ولادت و دوران کودکی

استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری در فریمان (یکی از شهرستان‌های نزدیک مشهد)، در ۱۳ بهمن ۱۲۹۸ به دنیا آمده است. اجداد ایشان اصالتاً اهل سیستان بوده و پدر بزرگشان نیز از روحانیون سیستان بوده است. شهید مطهری از همان دوران کودکی بسیار باهوش بوده و بازیگوشی‌های بچه‌ها را دوست نداشته و کمتر با هم‌سن و سال‌هایش بازی می‌کرده است. به همین دلیل نیز هم‌بازی‌های وی گلایه داشتند که چرا با آن‌ها بازی نمی‌کند. همین امر موجب نگرانی پدر و مادر ایشان نیز گشته بود، زیرا گمان می‌کردند که وی دچار برخی مشکلات روحی شده است.

«مرتضی» کوچک کتابخانه پدر را به هم

می‌ریزد، زیرا کتاب دوست دارد

استاد شهید مطهری از همان دوران کودکی علاقه خاصی به خواندن کتاب داشته است. برادر ایشان در این باره می‌گوید: مرتضی حدود پنج سال سن داشت که بسیار به کتاب علاقه‌مند بود و به کتابخانه پدر می‌رفت و کتاب‌های ایشان را برمی‌داشت. پدرم نیز کتاب‌های زیادی داشت و آن‌ها را با سلیقه بسیاری طبقه‌بندی کرده بود و اگر نظم آن‌ها به هم می‌خورد، بسیار ناراحت می‌شد. تا پدر از اتاق بیرون می‌رفتند، مرتضی به سراغ کتاب‌ها می‌رفت و چون اغلب کتاب‌ها بزرگ بودند و او نیز توانایی برداشتن آن‌ها را نداشت، بر روی زمین می‌افتادند که پدر عصبانی شده و می‌گفتند: جلوی این بچه را بگیرید. مادر نیز می‌گفت: خوب، بچه

به کتاب علاقه دارد، او را به مکتب بفرست. پدر در جواب می‌گفت: سن او به مکتب رفتن اقتضا نمی‌کند. اما در نهایت او را به مکتب فرستادند.

مادرم می‌گفت: تابستان بود، نیمه‌های ماه و هوا صاف و مهتابی. شب بیدار شده و دیدم که مرتضی در بستر نیست. نگران شده و فکر کردم که شاید به دستشویی رفته است، اما در آنجا هم نبود. به همین دلیل همه را بیدار کردم و همه‌جا را نیز جست‌وجو کردیم. اوایل صبح، دیدم یکی از کشاورزان روستا او را بغل کرده و به خانه می‌آورد. پرسیدم کجا بودی؟ آن مرد گفت: من در کوچه می‌رفتم که دیدم این بچه پشت در مکتب‌خانه چمباتمه زده و سرش را روی زانویش گذاشته و کتابش را نیز در بغل گرفته و خوابش برده است. پرسیدم که چرا رفتی؟ گفت: من بیدار شدم، دیدم هوا روشن است، فکر کردم صبح شده و باید به مکتب‌خانه بروم.

درس خواندن را دوست دارد، پس به مشهد

می‌رود

ایشان تا سن ۱۲ سالگی در مکتب‌خانه روستایشان و نیز در نزد پدر بزرگوارش درس می‌خواند. زمانی هم که درس‌های مکتب‌خانه تمام می‌شود، به دلیل ذوق و شوق فراوانی که به دروس دینی داشته است، راهی مشهد شده و مستقیم در یکی از مدارس علمیه مشهد مقدس مشغول به تحصیل علوم اسلامی می‌شود. ایشان در مدرسه علمیه خود، بسیار خوش درخشیده و دانش و پشتکار نیز او را محبوب هم‌مدرسه‌ای‌ها می‌کند.

مجبور می‌شود به فریمان برگردد

تنها دو سال از درس خواندن ایشان در مشهد گذشته است که متوجه می‌شود خانه پدرش را به دلیل عریض کردن خیابان، خراب کرده و تمام اسباب و اثاثیه منزلشان را بیرون ریخته‌اند و خانواده در وضعیت بسیار بدی به سر می‌برند. برای همین مجبور می‌شود تا در سال ۱۳۱۴ به فریمان بازگردد و به خانواده‌اش کمک کند. اما در این شرایط نیز دست از درس خواندن برنداشته و به سراغ کتاب‌های پدر می‌رود و آن‌ها را مطالعه می‌کند. او در این مدت بیشتر به مطالعه کتاب‌های تاریخی می‌پردازد.

سفر به قم

او که شیفته دروس دینی است، به این نتیجه می‌رسد که حوزه علمیه قم، برای پیشرفت او بهتر است اما متوجه این امر نیز می‌شود که حکومت آن زمان با سلطنت رضاخان، به روحانیون قم بسیار سخت می‌گیرد و آن‌ها را اذیت و آزار می‌کند. اما

او در نهایت سختی این راه را پذیرفته و با وجود مخالفت اطرافیان، در سن ۱۸ سالگی به قم می‌آید. زمانی هم که وارد قم می‌شود، تصور می‌کند که وارد باغی از علوم و معارف اسلامی شده است، پس بسیار جدی شروع به درس خواندن می‌کند. در سال‌های اول و دوم، ایشان حجره مناسبی پیدا نکرده و به ناگزیر در یک اتاق نامناسب، در ضلع شرقی مدرسه فیضیه ساکن می‌شود. به دلیل فقر و تنگدستی نیز نمی‌تواند غذای مناسبی برای خود تهیه کند، به همین دلیل نیز بعد از مدتی دچار سوءتغذیه شده و بیمار می‌شود که ایشان را جهت معالجه به بیمارستان نکویی قم می‌برند. پس از مدتی سلامتی خود را بازیافته و به تحصیلات خود ادامه می‌دهد.

استاد مطهری خود درباره تنگدستی و سختی زندگی‌اش در قم چنین می‌گوید: «زمانی که در قم تحصیل می‌کردیم، من هیچ‌گاه عبا یا نو بر دوش خود ندیدم و تمام عباهایم پاره بود. ایشان می‌گفتند که با چند نفر نشسته بودیم و صحبت از عبا و قیطان دوزی می‌کردیم که چطور قیطان را بر روی آستین‌ها و پایین عبا می‌دوزند. یک نفر گفت: مانند این و به عبا من نگاه کرد که دید تکه‌تکه است و اصلاً قیطان ندارد. گفت: آخر چطور این را پوشیده‌ای؟ آن روز من بسیار خجالت کشیدم».

با اشتیاقی که ایشان برای تحصیل و درس خواندن دارند و از آن طرف نیز استعداد و فراوانشان، پیشرفت بسیار زیادی کرده و آرام‌آرام «آیت‌الله مطهری» می‌شوند.

در این مدتی که آیت‌الله مطهری در قم است، تنها به درس و بحث مشغول نبوده بلکه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی نیز داشته است. اصلاً مگر می‌شود کسی در کنار امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی بزرگ شده باشد و مسائل اجتماعی و سیاسی روزگار برایش اهمیت نداشته باشد؟

مهاجرت به تهران

آیت‌الله مطهری بعد از حدود ۱۵ سال اقامت، تحصیل و تدریس در قم، به دلیل برخی مشکلات از جمله سختی زندگی و تنگدستی تصمیم می‌گیرد تا قم را ترک کرده و به تهران برود. برای همین نیز در سال ۱۳۳۱ -که تقریباً ۳۲ سالش بوده- به تهران می‌رود، در حالی که علمای قم امید زیادی برای آینده او در قم داشته‌اند. زمانی که ایشان به تهران می‌آید، به مدرسه علمیه مروی رفته و در آنجا مشغول به تدریس می‌شود و آرام‌آرام دست به قلم شده و کتاب می‌نویسد و از سوی دیگر در محافل علمی تهران دعوت می‌شود و سخنرانی‌های مذهبی و علمی می‌کند. به



تلاش‌ها و اقدامات استاد

مطهری برای انقلاب اسلامی بسیار زیاد بوده است، به گونه‌ای که زمانی که امام خمینی (ره) در پاریس بودند، استاد مطهری خدمت ایشان می‌روند و طی گفتگوهایی امام خمینی (ره)، او را مسئول تشکیل شورای انقلاب کرده و پس از مدتی نیز او را به یکی از اعضای هسته اولی شورای انقلاب منصوب می‌کند.

دلیل علم زیاد و سخنرانی‌های بسیار خوبی که ارائه می‌کرده و از همه مهم‌تر اخلاصی که داشته است، کم‌کم در تهران معروف می‌شود. ۳ سال بعد از ورودشان به تهران، با اعلام نیاز دانشکده الهیات دانشگاه تهران به اساتید خبره، برادر آیت‌الله مطهری به ایشان اصرار می‌کند تا خود را به این دانشگاه جهت تدریس معرفی کند. آیت‌الله مطهری نیز خود را به این دانشگاه معرفی می‌کند.

استاد دانشگاه تهران

طبق قوانین باید از افرادی که مدرک رسمی دانشگاهی نداشتند (طلاب حوزه‌های علمیه) امتحان کتبی و شفاهی به عمل می‌آمد. آیت‌الله مطهری پس طی کردن امتحان کتبی به امتحان شفاهی دعوت می‌شود که در آنجا اتفاق جالبی رخ می‌دهد. در جلسه امتحان شفاهی یکی از اساتید به نام حسینعلی راشد، صفحه‌ای از یکی از کتاب‌های فلسفی به نام «شرح منظومه» را می‌گشاید و از ایشان می‌خواهد تا آن قسمت را ترجمه کرده و توضیح دهد. مطهری نیز مباحث منظومه را با توجه به کتاب‌های فلسفی‌ای مانند اشارات و اسفار با تسلط کامل و به زیبایی تمام شرح می‌دهد. استاد راشد که از فضل او در حیرت می‌ماند، رو به وی کرده و می‌گوید: «کمی صبر کن زیرا ما از بیست بالاتر نداریم. این نمره بیست شما، حال مطلب را ادامه بده تا ما استفاده کنیم». پس از توضیحات مفصل، استاد راشد دوباره می‌گوید که واقعاً بهره بردم.

بدین ترتیب مطهری از تاریخ سوم مهر ۱۳۳۴ به عنوان معلم دانشکده علوم معقول و منقول مشغول به کار می‌شود.

ایشان در دانشگاه تهران مورد توجه زیادی قرار گرفته و جوانان زیادی نیز در اطرافشان جمع می‌شوند تا اینکه کم‌کم می‌شوند «استاد آیت‌الله مطهری». در آن دوران گروه‌های فکری متعددی وجود داشتند که مخالف اسلام بودند، مانند مارکسیست‌ها، کمونیست‌ها، حزب توده و ... که شهید مطهری پاسخ آن‌ها را داده و از اسلام دفاع می‌کرده‌اند. در مناظرات زیادی هم که با آن‌ها داشته شبهات و ایراداتشان را پاسخ می‌داده است.

استاد مطهری در سال ۱۳۵۶ به دلایل متعددی مانند اهانت برخی اساتید دانشگاه تهران به مقدسات اسلامی، مناسب نبودن فضای دانشگاه تهران در آن زمان و اشتیاق بیشتر به تدریس در حوزه علمیه از محیط دانشگاه خسته و زده می‌شود و او که علاوه بر استادی مدیریت گروه علوم معقول و منقول دانشکده الهیات را بر عهده دارد، از تمام

فعالیت‌های خود در دانشگاه استعفا داده و به حوزه علمیه تهران برمی‌گردد.

مبارزات اجتماعی و سیاسی

آن دوران در کل کشور اتفاقات بسیار بزرگی در حال رخ دادن بوده است. در واقع مردم ایران در حال برانداختن حکومت ظالم پهلوی بوده‌اند. امام خمینی (ره) رهبر مخالفین حکومت پهلوی شده و به صورت جدی در حال مبارزه با رژیم شاه بوده است. در این میان شهید مطهری در کنار کلاس درس، سخنرانی و تألیف کتاب، به صورتی جدی در مبارزات انقلابی در کنار امام خمینی (ره) می‌ایستد و به انقلاب کمک

می‌کند. ایشان در شکل گرفتن قیام‌هایی مانند قیام ۱۵ خرداد، تلاش بسیاری می‌کند و با سخنرانی‌های خود مردم را از ظلم شاه با خبر ساخته و آن‌ها را به قیام تشویق می‌کند. برای مثال در ساعت ۱ بعد از نیمه شب روز چهارشنبه پانزده خرداد ۱۳۴۲ به دنبال یک سخنرانی مهیج علیه شخص شاه، به وسیله پلیس دستگیر شده و به زندان موقت شهربانی منتقل می‌شود و به همراه تعدادی از روحانیون تهران زندانی می‌گردد. پس از ۴۳ روز به دنبال مهاجرت علمای شهرستان‌ها به تهران و فشار مردم، به همراه سایر روحانیون از زندان آزاد می‌شود.

استاد مطهری به ظلمی که صهیونیست‌ها به مردم فلسطین می‌کردند، بسیار حساس بود و در سخنرانی‌های خود به مسئله فلسطین توجه خاصی داشتند. ایشان در سال ۱۳۴۸ به همراه علامه طباطبایی و آیت‌الله حاج سید ابوالفضل مجتهد زنجانی، اعلامیه‌ای منتشر کردند که در آن از مردم خواسته بودند تا به مردم بی‌دفاع فلسطین کمک کنند. استاد مطهری در حسینییه ارشاد تهران یک سخنرانی محکمی علیه رژیم صهیونیستی کردند. حکومت پهلوی که با رژیم صهیونیستی بسیار دوست بود، از این اعلامیه و سخنرانی ناراحت شده و دوباره ایشان را دستگیر کرده و مدتی نیز در زندان تک‌سلولی حبس کردند. در واقع حکومت شاه نتوانست سخنرانی‌های استاد مطهری را تحمل کند، بنابراین حدود سال ۱۳۵۳ او را از منبر رفتن و سخنرانی کردن، منع کرد که این ممنوعیت تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت.

تلاش‌ها و اقدامات استاد مطهری برای انقلاب اسلامی بسیار زیاد بوده است، به گونه‌ای که زمانی که امام خمینی (ره) در پاریس بودند، استاد مطهری خدمت ایشان می‌روند و طی گفتگوهایی امام خمینی (ره)، او را مسئول تشکیل شورای انقلاب کرده و پس از مدتی نیز او را به یکی از اعضای هسته اولی شورای انقلاب منصوب می‌کند.

در نهایت زحمات مردم و تلاش‌های بزرگانی چون شهید مطهری به ثمر رسیده و انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ پیروز می‌شود.



شهادت

با پیروزی انقلاب اسلامی مبارزه و جنگ فکری و اعتقادی شهید مطهری با مخالفین اسلام تمام نشد، بلکه شدت بیشتری نیز گرفت. مخالفین اسلام و انقلاب دائماً کتاب می‌نوشتند، مقاله منتشر کرده و سخنرانی نیز می‌کردند و به اسلام و اعتقادات اسلامی حمله می‌کردند. در واقع بیشتر آن‌ها قصد داشتند که با این حملات و اشکالات، تفکر اسلامی را از بین ببرند تا به این وسیله به انقلاب اسلامی ضربه بزنند. استاد مطهری

در مقابل این حملات، جانانه از اسلام و انقلاب اسلامی دفاع می‌کرد و ریشه‌های فکری مخالفین اسلام را با سخنان خود می‌خشکاند و پوچی افکارشان را به مردم نشان می‌داد.

گروه‌های مخالف اسلام و انقلاب، از سخنان استاد مطهری بسیار عصبانی شده بودند تا اینکه به این نتیجه می‌رسند که نمی‌توانند در مقابل کلام محکم و قاطع ایشان بایستند. به همین دلیل نیز یکی از این گروه‌ها به نام «گروه فرقان»، تصمیم به کشتن استاد مطهری می‌گیرد. پس از حدود ۲۷ سال مبارزه علمی و فکری در تهران، زمانی

که از خانه یکی از دوستانش بیرون می‌آید، با شلیک گلوله از پای می‌افتد. اگرچه سریعاً او را به بیمارستان می‌برند، اما بالاخره در روز ۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۵۸ ایشان «استاد شهید آیت‌الله مطهری» می‌شوند.

اساتید

ایشان زمانی که در قم بوده‌اند، در دروس مختلف اساتید بزرگی نیز داشته‌اند. به عنوان مثال، استاد فقه و اصول ایشان، آیت‌الله العظمی بروجردی بوده است. ۱۲ سال نیز نزد امام خمینی (ره) دروس فلسفی، اخلاقی و عرفانی را خوانده و چندین سال نیز خدمت علامه طباطبایی بوده و دروس فلسفی و عرفانی را نزد ایشان فرا گرفته است. استاد‌های بزرگ دیگری نیز مانند آیت‌الله حاج میرزا علی آقا شیرازی، آیت‌الله سید محمد محقق داماد، آیت‌الله سید محمد حجت، آیت‌الله سید صدرالدین صدر، آیت‌الله محمدتقی خوانساری، آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله احمد خوانساری و آیت‌الله نجفی مرعشی داشته است که کمتر معروف هستند.

شهید مطهری از نگاه شخصیت‌های بزرگ

امام خمینی (ره) درباره شهید مطهری می‌فرماید: «مطهری در اسلام‌شناسی و فنون مختلف اسلام و قرآن کریم بی‌نظیر بود. آنچه از این استاد شهید باقی مانده با محتوای غنی خود مربی و معلم است و آثار قلم و زبان او بی استثناء آموزنده و روان بخش است. من به دانشجویان و طبقه روشنفکر متعهد توصیه



آثار و ابعاد شخصیتی و فکری شهید مطهری

استاد شهید مطهری یک شخصیت همه‌جانبه بوده است، یعنی او از یک طرف یک عالم و استاد واقعی بوده و از طرف دیگر نیز یک مبارز سیاسی و همچنین یک عارف حقیقی بوده است. او در علم و دانش نیز در رشته‌های متعددی مانند، تفسیر قرآن، فلسفه اسلامی، فلسفه غرب، کلام اسلامی، اخلاق، عرفان، فقه و اصول، کلام، جامعه‌شناسی و ادبیات فارسی تخصص داشته است. نشانه تبحر و تخصص او در این علوم، این است که او در همه این زمینه‌ها سخنرانی‌های زیادی داشته و مقالات و کتب متعددی نیز نگاشته است.

برخی از کتب ایشان عبارت‌اند از: «آزادی معنوی»، «جامعه و تاریخ»، «اصول فلسفه و روش رئالیسم»، «حماسه حسینی» و «فطرت»، «انسان در قرآن»، «مسئله حجاب»، «عدل الهی»، «عرفان حافظ»، «نظام حقوق زن در اسلام»، «نظری به نظام اقتصادی اسلام» و ...

بیش از شصت اثر جاودان از استاد شهید مطهری به جای مانده است. استاد قبل از نگارش این کتاب‌ها و مقالات، این‌گونه بیان می‌کند: «بنده از حدود بیست سال پیش که قلم به دست گرفته و مقاله یا کتاب نوشته‌ام، تنها چیزی که در همه نوشته‌هایم آن را هدف قرار داده‌ام، حل مشکلات و پاسخگویی به سؤالاتی است که در زمینه مسائل اسلامی در عصر ما مطرح است».





پرونده ویژه

دشمنی همیشگی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن سال ۱۳۵۷، کشورهای که از این حرکت بزرگ مردمی ناراحت و دچار زیان شده بودند، تمام تلاش خود را برای از بین بردن این انقلاب مردمی انجام دادند. ۸ سال جنگ و خرابی و آوارگی مردم، استفاده از وسایل و تجهیزات و ابزارهایی که باور و اعتقاد جوان و نوجوان را به اسلام ضعیف کند (همان جنگ فرهنگی)، انواع ترور شخصیت‌های مؤثر کشور از دانشگاهی و غیردانشگاهی، براندازی نظام در جریان فتنه ۸۸، با استفاده از نفوذ عده‌ای از سران و بیگانگان و صدها کار دیگر که همه و همه یک هدف را دنبال می‌کرد و آن هدف نیز این بود که «از انقلاب اسلامی و مردمی خود دست بردارید». پیام این جمله یک چیز بیشتر نبود و آن اینکه شما نباید بر روی پای خودتان ایستادگی کنید، بلکه شما باید برای همیشه و همه چیز به ما وابسته شوید. اما در این میان غیرت مردم و فرماندهی رهبران ایران در این سال‌ها، اجازه نداد تا در هیچ‌کدام از جنگ‌ها شکست بخورند و ایستادگی نیز کردند؛ چه در جنگ نظامی و چه در جنگ فرهنگی.

جنگ جدید

اما دشمن هرگز از تلاش‌های خود دست بردار نیست، زیرا منافع خود را در خطر می‌بیند. برای همین امر نیز از راه دیگری برای ضربه زدن به مردم ایران دست به کار شد که این راه، راه «فشار اقتصادی» بود. طراحان سیاست‌های کشورهای غربی (دولت‌های کشورهای غربی مانند آمریکا، رژیم سیهونیستی و انگلیس) به این نتیجه رسیدند که بهترین راه برای از بین بردن کشور ایران، حمله نظامی و موشکی نیست، بلکه فشار است. نتیجه این فکر نیز این شد که کشور ایران را در همه زمینه‌ها تحریم کنند. معنای تحریم نیز این است که همه آنچه را که یک کشور برای رشد و پیشرفت و زندگی مناسب اقتصادی نیاز دارد، از او بگیرند تا اینکه

اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصادی

که در شرایط تحریم، سختی و دشمنی دشمنان و با تکیه بر توان‌های طبیعی و انسانی کشور می‌تواند خود را از درون بسازد و به اهداف مطلوب دست پیدا کند.

اقدام و عمل در سال جدید

اقتصاد را بیاموزیم

مهم‌ترین اقدام در سال جدید برای دانش آموزان

محمود کریمی بیرانوند

مقاومتی توسط رهبر معظم انقلاب مطرح شد و مهم‌ترین ویژگی اقتصاد مقاومتی این است که «ما می‌توانیم». وجود حدود ۴ میلیون نفر دانشجو، ذخایر عظیم نفت و گاز، رشد علمی بالا، منابع طبیعی فراوان در کشور، شرایط جغرافیایی مناسب برای پیشرفت کشاورزی، دانشمندان مختلف جوان و نخبه، تمدن بزرگ و کهن، فرهنگ ناب ایرانی - اسلامی و مزایای دیگر، به ما نشان می‌دهد که کشور می‌تواند با تکیه بر توان داخلی در این جنگ اقتصادی نیز پیروز شود. علت اینکه در سال‌های اخیر رهبر معظم انقلاب اسامی سال را در حوزه‌های مرتبط با اقتصاد انتخاب می‌کنند نیز همین موضوع است که توجه مسئولین و مردم به این سمت برود تا مشکلات اقتصادی خود را حل کنیم. عدم توجه به حل مسائل اقتصادی می‌تواند تمامی زحمات حدود ۴۰ ساله انقلاب را برباد دهد و ما را شرمند خون هزاران شهیدی کند که جان و مال خود را برای آن فدا کردند.

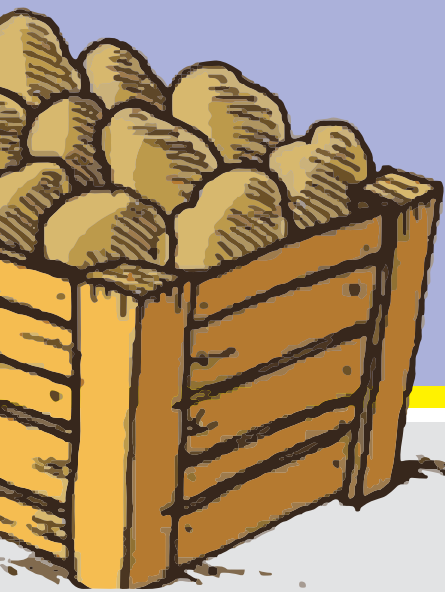
ما می‌توانیم

برای اینکه بتوانیم در مسیر حل مشکلات اقتصادی کشور گام برداریم (در راه اقتصاد مقاومتی باشیم)، باید مشکلات مسیر و لوازم حرکت در آن را با خود به همراه داشته باشیم. مهم‌ترین مشکل ما در این مسیر، به اعتقاد بنده نبود باور برای حل مشکلات اقتصادی کشور است؛ زیرا مسائل اقتصادی به حدی برای ما بزرگ جلوه داده شده است که فکر می‌کنیم برای حل آن حتماً باید دست خود را به سوی دیگران دراز کنیم. البته بخشی از حل مشکلات اقتصادی نیز در گرو ارتباط با دیگر کشورها است، در صورتی که کشورهای دیگر صرفاً غرب نیستند. بازار گسترده کشورهای هم‌جوار با ایران، کشورهای مسلمان، کشورهای آفریقایی نیازمند و غیره از جمله مواردی هستند که ما می‌توانیم بر روی آن‌ها حساب باز کنیم. در واقع ظرفیت‌های اقتصادی کشور همچون منابع عظیم نفت و گاز، جمعیت جوان و باسواد،

نخبگان دانشگاهی فراوان، سرعت بالای رشد علمی در کشور، منابع طبیعی فراوان و متنوع، آب و هوای چهار فصل، زمین‌های کشاورزی و باغات متنوع و غیره از ظرفیت‌های وسیع کشورهای ما است که تا الآن نیز از آن‌ها استفاده لازم را نبرده‌ایم.

باید اقتصاد را بیاموزیم.

باور به تأثیرگذاری در اقتصاد، مهم‌ترین گام برای مفید بودن در جامعه است. دولت، مجلس، قوه قضائیه و سایر نهادهای کشور نیز باید کار خود را به درستی انجام دهند، اما ما نیز وظیفه‌ای داریم. در واقع کارهای فردی‌ای که می‌توانیم انجام دهیم عبارت‌اند از: کنترل مصارف روزانه در همه حوزه‌ها مانند آب، برق، گاز، خوراک، پوشاک و غیره. البته نه به این معنی که چیزی نخوریم یا نپوشیم، بلکه باید بیشتر مراقبت کنیم تا بیشتر از حد نیاز خود مصرف نکنیم. به عنوان مثال، متوسط مصرف آب و گاز در ایران از متوسط جهانی بالاتر است که نشان می‌دهد که ما ملت مسرفی هستیم (بیش از حد نیاز مصرف می‌کنیم). از دیگر فعالیت‌هایی که می‌توانیم انجام دهیم، افزایش سطح توانایی‌های عملی و کاربردی است که می‌تواند در آینده برای خودمان منجر به درآمدزایی شود. استفاده از اوقات فراغت بهترین فرصت برای یادگیری کارهایی است که می‌تواند برای ما در آینده مفید باشد؛ اما فراموش نشود که مهم‌ترین کار در جهت اقدام عملی در اقتصاد، «یادگیری» اقتصاد است. در واقع ما باید اقتصاد را یاد بگیریم تا بتوانیم نقش مؤثری در حل مسائل اقتصاد کشور داشته باشیم. پس باید از همین امروز شروع به یادگیری اقتصاد کنیم، کتاب‌های آموزش اقتصاد را بخوانیم و از همه مهم‌تر از خانواده و مسئولین مدرسه خود یک چیز را مطالبه کنیم: «برای ما شرایطی را فراهم کنید تا اقتصاد را بیاموزیم». در واقع این مهم‌ترین و اولین کاری است که در کنار سایر کارهایی که گفته شد، باید انجام دهیم. اگر اقتصاد را بیاموزیم به خود و دیگران اجازه نمی‌دهیم که مصرف بی‌رویه داشته باشیم. در واقع وقت را تلف نمی‌کنیم و می‌آموزیم که بهره‌وری (انجام کار درست به درستی) را بیشتر کرده و به دیگران نیز یاد می‌دادیم که چگونه اقتصادی عمل کنند و قدر پس‌اندازهای خود را می‌دانستیم که در این صورت در آینده به لحاظ اقتصادی موفق‌تر شده و بسیاری از کارهای دیگر را نیز انجام می‌دادیم. پس بیایید اقتصاد را بیاموزیم. ■



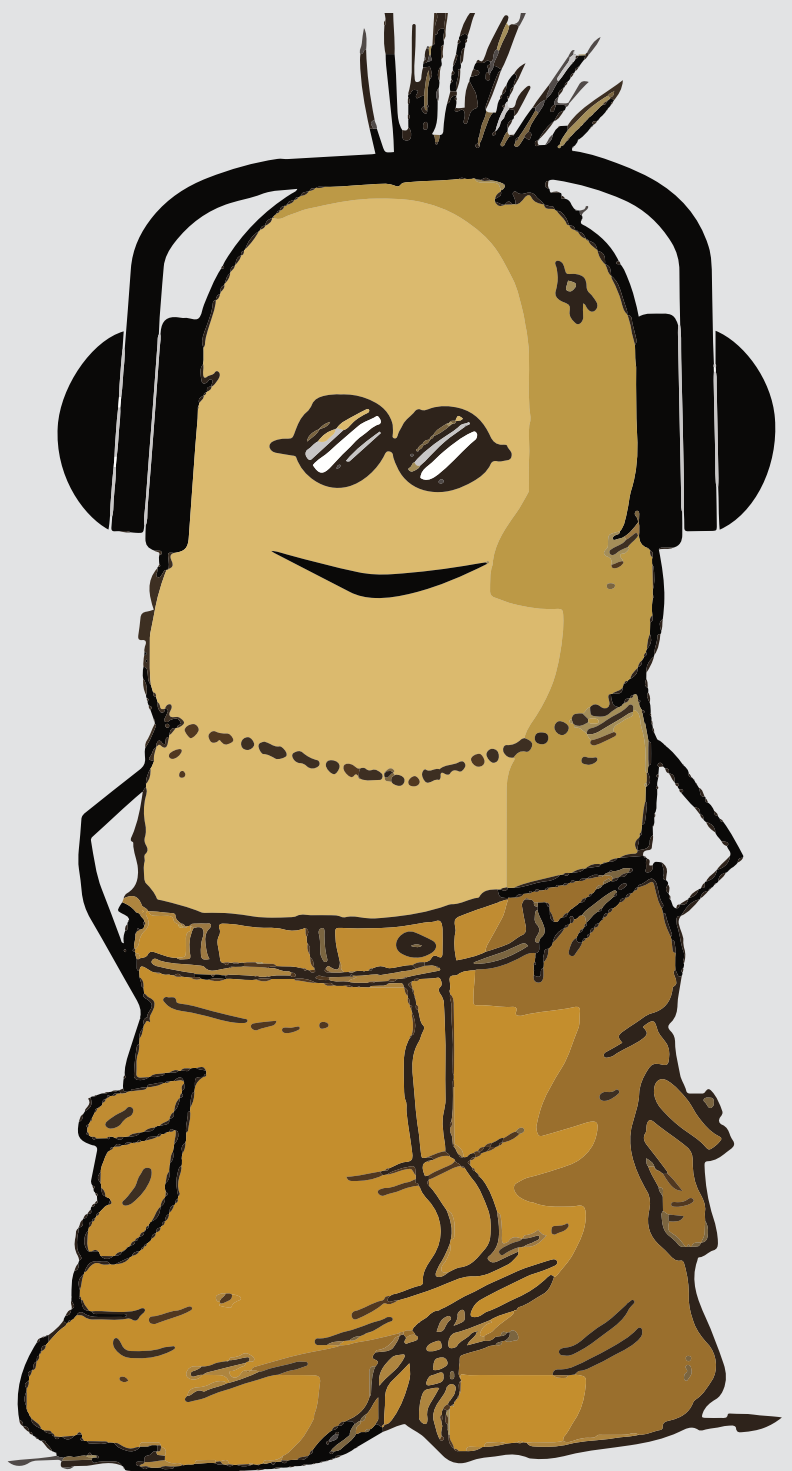
من سیبزمینی نیستم!

تشریح یک اقدام مؤثر در جهت تقویت اقتصاد کشور

حسن عباسی متقیان

وضعیت اقتصاد کشور

حدود سه سال است که اقتصاد کشور ما در وضعیت رکود است و هر روز آمارهایی عینی از معنای رکود اقتصادی منتشر می‌شود. بیش از ۶۰ درصد از ظرفیت تولیدی کارخانه‌ها و کارگاه‌ها تعطیل است و تعداد زیادی از شاغلین در این کارخانه‌ها از کار بیکار شده‌اند، به‌طوری که آمار رسمی از نرخ بیکاری کشور افزایش تعداد بیکاران به بیش از ۲ میلیون و مقتصد هزار نفر را نشان می‌دهد. بیکار شدن به معنای کاهش درآمد و کاهش قدرت خرید مردم و تقاضای مؤثر برای خرید کالا است و این کاهش تقاضا به معنای فروش نرفتن تولیدات و تعطیلی کارخانه‌ها، تشدید رکود و افزایش بیکاری است و این چرخه همچنان تداوم خواهد یافت. تداوم رکود و افزایش بیکاری به معنای فقیرتر شدن قشر کارگر و حقوق‌بگیر و فشار بر طبقه کم درآمد است. بعلاوه در سطح بین‌المللی تداوم رکود اقتصادی موجب تضعیف اقتصاد کشور، وابسته شدن اقتصاد ما به سایر کشورها و افزایش آسیب‌پذیری اقتصاد است.



من سیبزمینی نیستم!

اگر سطرهای فوق را خواندی و به این نتیجه رسیدی که باید کاری کرد، می‌توانی به خودت امیدوار باشی که سیبزمینی نیستی! چرا که معنای بیکار شدن یک کارگر هم‌وطن خود را درک می‌کنی. درک می‌کنی که کارگری که چند ماهی است که از کار بیکار شده و پس‌اندازش تمام شده است، چگونه شب عید امسال را گذرانده است، در حالی که دیگر درآمدی برای خرید پوشاک نو برای همسر و فرزندانش ندارد. از سویی هزینه‌ای برای مسافرت نوروزی ندارد و از سوی دیگر از آمدن میهمان به خانه‌اش نگران است. شاید چند ماهی است که توان پرداخت اجاره خانه‌اش را ندارد و نگران نقل مکان در فصل تابستان است و ... اگر فقط قدری به اطراف خود نگاه کنیم احتمالاً در فامیل یا خانواده دوستانمان هستند کسانی که مشکل بیکاری دارند و ما نسبت به وضعیت آن‌ها بی‌تفاوت نیستیم.

نقش من چیست؟

اگر نسبت به وضعیت اقتصادی کشور و هم‌وطنان دغدغه داری، احتمالاً می‌پرسی که نقش من چیست؟ من چگونه می‌توانم به رونق اقتصادی کشور و چرخش چرخ کارخانه‌ها و کارگاه‌ها کمک کنم و از بیکار شدن کارگران کشورم جلوگیری کنم؟ پاسخ صریح و روشن این سؤال، سه کلمه است:

حمایت از تولیدات داخلی. حمایت از تولیدات داخلی همان نقشی است که رهبر معظم انقلاب در تحقق اقتصاد مقاومتی از ما خواستند و فرمودند: «مردم متعصبانه کالای خارجی دارای مشابه داخلی را مصرف نکنند». نقشی که ما به‌عنوان یک دانش‌آموز می‌توانیم ایفا کنیم این است که نسبت به عدم مصرف کالای خارجی تعصب داشته باشیم و نتیجه این تعصب این خواهد بود که نه تنها خودمان از مصرف کالای خارجی خودداری می‌کنیم بلکه نسبت به مصرف خانواده و دوستانمان نیز حساس هستیم و آن‌ها را به مصرف کالای داخلی تشویق می‌کنیم؛ چرا که ثمره مصرف کالای داخلی رونق کارخانه‌ها و کارگاه‌های داخلی و اشتغال کارگران ما خواهد بود و در عرصه بین‌المللی نیز موجب تقویت اقتصاد کشور و استقلال اقتصادی ما خواهد شد.

شب عید کارگران چینی و ترکیه‌ای

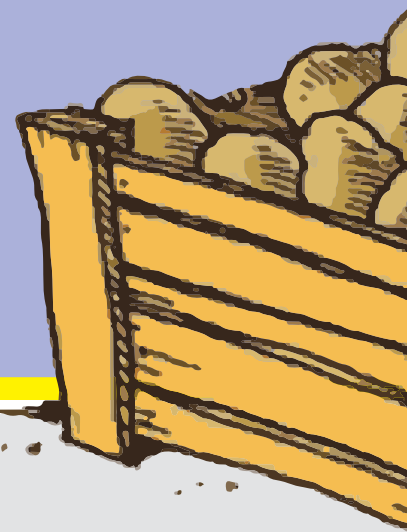
لا بد از خود می‌پرسی که تعصب داشتن که معمولاً چیز خوبی نیست! من چرا باید نسبت به عدم مصرف کالای خارجی تعصب داشته باشم؟ پاسخ این است که اگر از وضعیت اقتصادی کشور و بیکاری هم‌میهنان خود ناراحت هستی و اگر دوست داری که کشورت هم مانند سایر کشورهای پیشرفته باشد، باید نسبت به تعصب داشتن که غیرت و تعصب داشته

از ماست که بر ماست...



یادم به مطلب یکی از خبرگزاری‌ها افتاد که: «در چهار سال گذشته نزدیک به هشتاد درصد کارگاه‌های تولیدی کفش دست‌دوز داخلی تعطیل شده‌اند و تنها بیست درصد از این واحدهای تولیدی فعال هستند» و قصه قدیمی آن عقاب تیرخورده که گفت: «از ماست که بر ماست...»

از پشت ویتترین مغازه‌اش که رد می‌شدی، برق کفش‌های قهوه‌ای چشم‌هایت را می‌گرفت. گوشه ویتترین نوشته بود: «فروشگاه کفش دست‌دوز و چرم مشهد» چند ماه که گذشت، از پشت ویتترین مغازه‌اش که رد می‌شدی کفش‌های اسپرت رنگ و وارنگش چشم را می‌زد. روی ویتترین نوشته بود: مارک‌های Nike، adidas، supra، کفش‌های به قول خودش اصل. می‌گفت: «قیمت خیلی از کفش‌های چرم اصل، از قیمت کفش‌های مارک کمتر است، اما خب امروز همه طالب کفش‌های مارک‌اند».



نهضت فروش کالای ایرانی!

یکی از رفقایم می‌گفت: رفتم مغازه، می‌گویم آقا من خمیردندان ایرانی می‌خواهم. می‌گوید خمیردندان فلان مارک خارجی بدهم؟ گفتم: نه آقا! من خمیردندان ایرانی می‌خواهم. گفت: فلان مارک خارجی را هم داریم؛ آن را نمی‌خواهی؟ گفتم: آقا وقت مرا نگیر دیگر. من خمیردندان ایرانی می‌خواهم اگر داری بده و گرنه بروم جای دیگر! گفت: آقا خب خارجی بخر دیگر؛ خارجی بهتر است.

گفتم: آقا چه اصراری داری که خارجی بخرم؟ گفت: چون سر جنس خارجی بیشتر سود می‌کنم. سود خمیردندان خارجی برای من چند برابر بیشتر از سود فروش خمیردندان ایرانی است!!

بعد از این خاطره دوستم، با خودم فکر می‌کنم به جای راه انداختن نهضت برای «خرید» کالای ایرانی، باید یک نهضت راه انداخت برای «فروش» کالای ایرانی. بیچاره کالای مظلوم ایرانی!



الله بَندَسی...

سبک زندگی اقتصادی در جبهه

محل استقرار بهداری و درمانگاه لشکر در سمت راست ورودی پادگان، نزدیک چادر فرماندهی بود. در چادر بودم که از بیرون چادر کسی مرا به اسم صدا کرد. بیرون که آمدم آقامهدی را جلوی چادر تدارکات بهداری دیدم. سرگونی را با یک دست گرفته بود و با دست دیگری لای نان خورده‌ها را می‌گشت. تا آخر قضیه را خواندم... سلام کردم، جواب سلام را داد و تکه نانی را از گونی بیرون آورد و به من نشان داد و گفت: برادر رحمان! این نان را می‌شود خورد؟! بله آقامهدی می‌شود.

باشی و اصولاً تفاوت سبب‌زمینی بودن و سبب‌زمینی نبودن در بی‌رگ نبودن و تعصب داشتن است! باید برای تو اهمیت داشته باشد که شب عیدی که چند سالی است که کارگران ما عید ندارند بلکه شب عید، شب اندوه و ناراحتی و نگرانی آن‌هاست و اگر سری به بازارهای شب عید زده باشی و یا به خریدهای خانواده‌ها نگاه کنی و فراوانی لباس‌های ترکیه‌ای و چینی را در آن ببینی آن وقت می‌توانی تصور کنی که چند سالی است که به جای کارگران ایرانی، شب عید کارگران چینی و ترکیه‌ای است. این تعصب همان تعصبی است که همه کشورهایی که پا در مسیر استقلال اقتصادی و پیشرفت گذاشته‌اند، بر مبنای آن مصرف کالای خارجی را تحریم کرده‌اند. ذکر خاطره‌ای از اهمیت تعصب و بی‌تفاوت نبودن نسبت به وضعیت اقتصادی کشور و ضرورت مصرف کالای داخلی، خاتمه این نوشتار خواهد بود.

خائن به میهن!

به نقل از کتاب «نیکوکاران بدکار»، نوشته آقای چانگ، استاد اقتصاد توسعه دانشگاه کمبریج انگلستان. آقای چانگ خودش کره‌ای الاصل است. این کتاب بسیار خواندنی است. او می‌گوید: ما در سال ۱۹۶۰ دانش‌آموز راهنمایی بودیم، کره در ابتدای پیشرفت خود بود، زمانی که شرکت سامسونگ تنها یک شرکت کوچک خرید و فروش الیاف بود. می‌گوید در مدارس به ما گفتند دولت ارز کم دارد و ارز باید برای انتقال تکنولوژی‌های پیشرفته در کشور نگهداری شود. به ما در مدارس راهنمایی گفتند هر جا در خانه فامیلتان رفتید و دیدید که حتی یک شکلات خارجی دارند، بدانید این خائن به میهن است. بباید و اسم او را به عنوان خائن در تابلو مدرسه بزنید! می‌گفت من البته یاد نمی‌آید که اسم کسی را به تابلو مدرسه زده باشم، اما بارها می‌رفتم به خانه فامیل و اگر می‌دیدم که شکلات خارجی دارند، آرام در دلم می‌گفتم: خائن به میهن! خائن به میهن! ■

عادت‌ی به نام منفی‌بافی

با خودم می‌گویم در جامعه امروز ما، منفی‌بافی‌ها زیاد شده است و یک طرف از منفی‌بافی‌هایی که وجود دارد این است. مردم اکثراً عادت کرده‌اند: چیزهای منفی را بگویند؛ هیچ‌کسی نمی‌آید بگوید که مثلاً فلان کالای ایرانی که خریدم خوب است، یا کمتر کسی است که از داشته‌ها و امکانات اقتصادی خود (مثل کار و شغل، تحصیلات، خانه، ماشین و...) اعلام رضایت کند. حتی گاهی اوقات این کار رنگ و بوی مذهبی هم به خودش می‌گیرد. مثلاً گاهی وقت‌ها مذهبی‌اش این است که اگر از داشته‌های اقتصادی‌ام تعریف کنم، چشم می‌خورد!



دوستی می‌گفت: برای جلسه‌ای مهم تاکسی گرفتم. راننده تاکسی گفت: مصرف ماشین‌های ایرانی بالاست! دائم بنزین راقورت می‌دهند. گفتم: بله متأسفانه مصرف در ایران خیلی بالاست! البته در بین ماشین‌های ایرانی ماشین خوب هم درمی‌آید، مثلاً خود من ماشینم ۷ لیتر در ۱۰۰ کیلومتر مصرف می‌کند. پژو پارس هم هست. گفتم: خوب شانشان زیاد است. وقتی داشتم از ماشین پیاده می‌شدم، گفت: جای دیگری نگویی که ماشین من ۷ لیتر مصرف می‌کند! گفتم چرا؟! گفت: چشمش می‌زنند! راستش ماشین من هم ۹ لیتر مصرف می‌کند اما همه‌جا می‌گویم ۱۲ تا!!!



می شد سیاستمداران را به مرخصی فرستاد و جهان را به هنرمندان سپرد.

همه و همه... من که ترغیب شدم بخشی از درآمد را به سفر اختصاص دهم شما را دیگر نمی دانم...

گرافیک عالی کتاب. موجز نویسی ضابطیان و عکس های بسیار خویش این کتاب را به گزینه مناسب برای هدیه دادن تبدیل کرده. راستی وقتی قدم زدن و تماشای این دنیای ساخت بشر این قدر جالب و لذت بخش است سفر به عالم معنا و جولان عقل و قلب چه مزه ای می تواند داشته باشد... انم بچشان ای ساقی.

مارک دوپلو

مجموعه ای از عکس ها و سفرنامه ها

منصور ضابطیان

طراح گرافیک، فرستاد رستمی

نشر نلث

چاپ هفتم، بهار ۱۳۹۳

صد و هفتاد و شش صفحه



چیزی تقلبی را به اسم زندگی به ما قالب کرده باشند. سعی می کنند به این جیره مختصر چاشنی های دیگری اضافه کنند. زندگی آن نیست که هر روز صبح مثل دوی سرما خوردگی یک قاشقش را سربکشی. سفر برای فهمیدن این که فرزندان آن ننه بابای مشترک الآن چه چیزهایشان به هم شبیه مانده است. سفر برای دانستن این که آن جهان بینی هایی که در کتاب ها خوانده ایم در صفحه مرادفات و روابط آدم ها چگونه ظاهر می شود.

سفر احترام به زندگی است...»

این کتاب لباس چهل تکه است؛ تکه هایی که هر کدام از گوشه ای ازین خانه بزرگ و شاید خیلی کوچک جمع شده و به همت منصور ضابطیان به هم دوخته شده است. همو که شب هایمان را از افسون خواب نجات می داد و می بردمان به افسون دیگری؛ افسون رؤیا و

«سفر... آدم ها مرده کشف اند. بعضی اما آن قدر یک مسیر را، یک خط را، می روند که تصور خط های دیگر برایشان سخت است ولی هستند کسانی که سرزمین ها را با قدم هایشان به هم می دوزند. هاج و واج اند که جای دیگر چه خبر است. نکند اینجا

یکی بشود و در پایان جنازه گاز گرفته اش را از هتلی خارج کنند اما نشان داد رسیدن به روح زندگی، به صد بسیار مهم تر از نوشتن برای نوبل است.

ابن مشغله با کله شقی هایش - که ملاکش برای تشخیص خوب و بد آدم ها همین کله شقی است - در عرض شانزده سال بیست و هفت شغل عوض می کند؛ که در هیچ کدام هم البته لذت ترفیع را نمی چشد. کتاب پراز دستورالعمل ها و جملات قشنگ است که اگر هم نخواستید بعضی را روی کاغذ بنویسید و گه گداری به آن نگاه کنید و راه را ادامه دهید، دست کم ارزش فکر کردن دارند. هر چه باشد این جملات عسل همان مکیدن لحظات است... ما زائر دل شکسته این خاکیم اگر امید را دمی رها نکردیم، نه بدان دلیل بود که آن را در خود داشتیم؛ بل بدان سبب بود که امید را چون ودیعه ای به دست ما سپرده بودند تا به دست دیگران بسپاریم.

ابن مشغله

نادر ابراهیمی

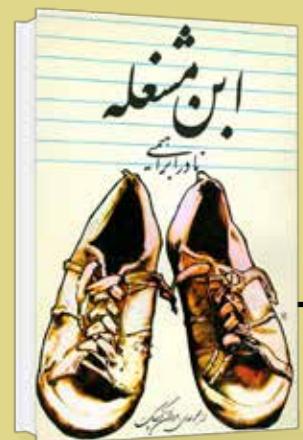
نشر روزبهان

چاپ ششم، سال ۱۳۷۶

صد و بیست و نه صفحه

است. باز آفرینی زنده ای از قصه آن پادشاه شکست خورده که با دیدن جان کندن موری برای به مقصد رساندن دانه، امید گرفت. اما این بار حکایت پادشاه نیست قصه از زبان موریست که برای تا صد شمردن جان می کند. هدفش شمردن تا صد است اما نه با هر کسی... بل با کسانی که مانند خودش صدایی رسا و بی خش داشته باشند و نشان می دهد که اگر زمانه یاری اش نکرد یا بد صدایان گلویش را فشرده اند ۵ بار تا ۲۰ بشمارد و اگر یاری آن هم نبود ۱۰۰ بار یک را فریاد بزند و اگر آن هم نشد «یک» را خودش بگوید و دنبال ۹۹ نفر بگردد تا همه با هم «یک» را فریاد بزنند. شرط اصلی و ثابت ما فقط این باید باشد که به هیچ دلیلی چشم از «صد» نپوشیم و کوتاه نیاییم. «صد» سلاح ماست برای خوب و خوبتر زندگی کردن... چرا صد؟ چون صد عامل یا انگیزه ای است که می تواند تکان بدهد، تغییر ایجاد کند و در جهت مطلوب به حرکت درآورد.

نادرخان با این که زندگی را نوعی مبارزه می داند اما شوالیه مضحکی نیست که فقط برای جلورفتن و فتح کردن کوک شده باشد. سرش به سنگ هم می خورد، از کارش بر کنار می شود و با گریه خبر بیکاری اش را به زنش می گوید. اما بعد پا می شود لباسش



شیره لحظات

«بسیار سعی کرده ام و بسی کوشیده ام تا شیره هر لحظه را مکیده، آن را به زمان فنا شده بسپار...»

سال ۹۱ بود و اولین سال ورودم به دانشگاه. ۱۹ سالگی. سالی که مشقت «من که ام؟» ها یقه ام را گرفت و دیگر ول نکرد. نمی دانم چه شد که این کتاب را برداشتم شاید انتظار داشتم که بفهماندم کجا هستم! دریا که تو او را به کاغذ جویی کی یابی؟ ابن مشغله، تکرار همان حکایت مور و تیمور



پرسش اندیش

مدیریت نشو!

آیا دین با امکانات جدید مخالف است؟

امروزه وسایل و امکانات پیشرفته زیادی وجود دارد که شاید برخی معتقد باشند که استفاده از این تجهیزات و وسایل، مخالف با دین داری بوده و دین اجازه استفاده از آن‌ها را به ما نمی‌دهد. اما آیا واقعیت نیز چنین است؟ غالباً (به طور مطلق) خیر. معمولاً هر وسیله برای استفاده خاصی ساخته شده است؛ به عنوان مثال، ماشین برای حمل و نقل، مبل برای نشستن، موبایل برای فراهم کردن امکان ارتباط غیرحضوری با دیگران و ... قبل از ساخت و یا گرفتن امکانات و تجهیزات مدرن، بهتر است به چند سؤال پاسخ دهیم: اینکه چه کسی می‌خواهد از آن استفاده کند و علت استفاده از آن چیست؟ شکل (قالب) در نظر گرفته شده برای آن مناسب است؟ در تهیه آن، چه ماده یا موادی به کار رفته است؟ بایک مثال ادامه می‌دهیم. به عنوان مثال، پیش از خرید آخرین مدل موبایل موجود در بازار، باید پاسخ این سؤالات را مشخص کنیم که این موبایل توسط چه کسی استفاده خواهد شد؟ موبایل برای انجام چه کارهایی است؟ آیا ظاهراً و شکل موبایل، خوب است؟ و همچنین موبایل از چه چیزی ساخته شده است؟ در صورتی که پاسخ این سؤالات با هیچ اشکال شرعی و قانونی روبه‌رو نباشد، استفاده از آن می‌تواند بدون مشکل باشد.

گاهی مشاهده شده که یک نفر آن قدر در موبایل خود غرق شده که از همه اطراف خود غافل گشته است. زمانی که خوب دقت کنیم، در ابتدا متوجه خواهیم شد که موبایل مورد نظر برای سن او مناسب نیست (عجیب است که در همه جا و همه زمان، معمولاً سن را مهم می‌دانیم به جز اینجا) و استفاده صحیح از آن را نیز ندارد؛ یعنی همه کاری با موبایل انجام می‌دهد، به جز کارکرد اصلی آن است. همچنین ظاهر موبایل نه تنها زیبا نیست، بلکه بیشتر به چیزهای بدی شباهت دارد و در نهایت نیز این موبایل با مشخصات مخصوص به خود از مواد مضر و بدی ساخته شده است.

خوب است که همیشه توجه داشته باشیم که وسایل، تجهیزات، امکانات، ابزارآلات و ... برای «انسان» ساخته شده‌اند نه برعکس آن؛ به عبارت دیگر، این وسیله‌ها هستند که باید در اختیار انسان باشند، نه اینکه انسان در اختیار وسایل قرار بگیرد؛ بنابراین در هر جایی احساس کردیم که وسایل، از اختیار ما خارج شده و آن‌ها به کنترل و مدیریت ما مشغول شده‌اند، حتماً باید احتمال داد که یک جایی از کار مشکل دارد. ■

برطرف کردن این نیاز در میان جوان امروز و گذشته، نیازی نیست به سال‌های بسیار دوری بازگردیم، بلکه اگر به همین بیست سال گذشته نیز نگاه کنیم، به وضوح تغییر را احساس خواهیم کرد. در واقع سؤال این است که جوان بیست سال پیش به چه چیزی افتخار می‌کرد؟ به درس، نمره، سطح اطلاعات و یا حرفه‌ای که بلد بود. اما جوان امروز چه چیزی را مایه دیده و مطرح شدن خود می‌داند؟ در واقع در زمانی بسیار کوتاهی جوانان برای رفع این نیاز خود به چیزهای غیرواقعی بسنده کرده‌اند؛ واقعیاتی دروغین به نام «مد». این که «چه چیزی پوشم تا زیباتر شوم»، تنها یک دروغ بسیار جالب است که یک فرد وقتی می‌خواهد لباس‌هایش را انتخاب کند، از خود می‌پرسد. حال باید ببینیم که چرا یک جوان، فردی که باید سراسر شور و اشتیاق و خلاقیت باشد، باید همه زندگی خود را از چیزی تقلید کند که به او می‌خوراند و خود در ساخت و پردازش آن نیز هیچ نقشی ندارد؟ در اینجا است که نقش بزرگ‌ترها پررنگ‌تر می‌شود. در واقع زمانی که بزرگ‌ترها به بهانه درس، فرزندان خود را از تجربه بازداشته و اجازه نمی‌دهند که تحت نظر والدین، تجربه‌های درستی را کسب کنند، حاصل آن این می‌شود که جوان و نوجوان بدون نظارت والدین، تجربه‌های اشتباهی را مرتکب می‌شوند که این تجربه‌ها موجب شکست شخصیت آن‌ها می‌شود و در نهایت نیز فردی که یک شخصیت خرد شده را به دوش می‌کشد، به دنبال یافتن خود به سمت چیزی که در جامعه و مدرسه انتظار او را می‌کشد، می‌رود.

اما آیا تا به حال دقت کرده‌اید که افرادی که در مدرسه از نظر توانایی‌ها از بقیه بالاتر هستند، کمتر درگیر مدرک‌گرایی می‌شوند؟ آیا اگر آن شخصیت واقعی به جوانان امروز ما برگردد، باز هم شاهد این آشفتگی‌ها در جامعه خواهیم بود؟ ■

پنرنامه

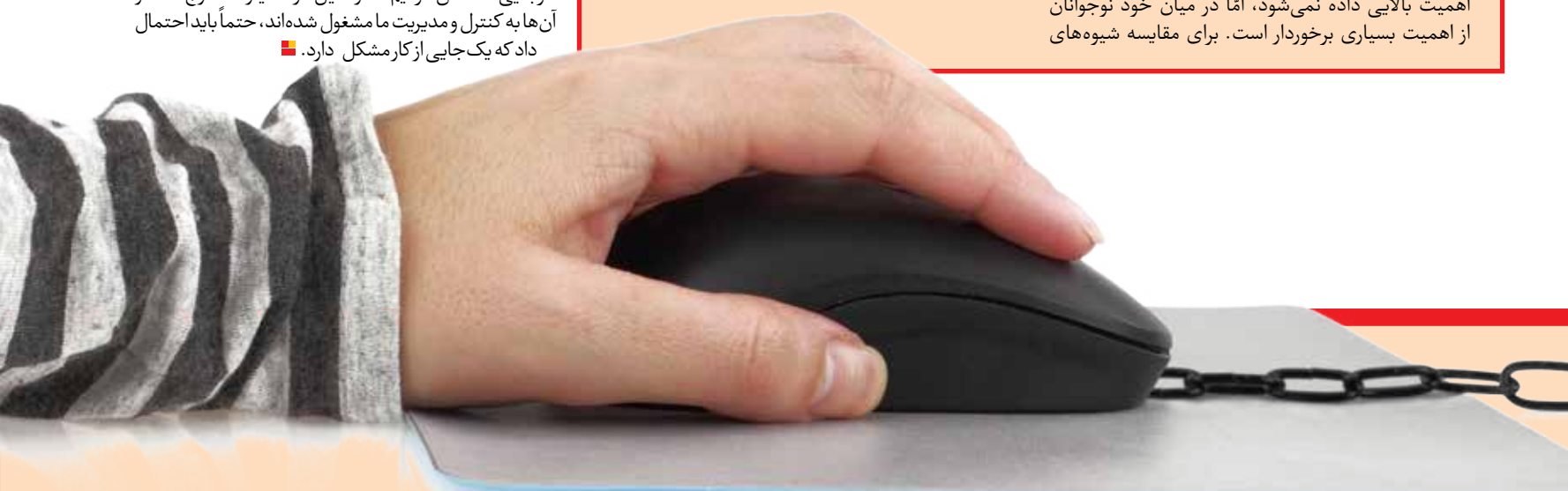
«تغییر»

رو به کدام قبله؟!

بررسی پدیده تحول خواهی در نوجوانی

اگر شما در میان جمعی از جوانان بنشینید، متوجه خواهید شد که آن‌ها در بیشتر گفتگوهایشان، حرف از تغییر می‌زنند، اما نه تغییرهایی که هر روز در اخبار اعلام می‌شود. در واقع تغییر در شاخص بورس و تغییر در نظامات سیاسی جهان، موضوع بحث‌های روزمره آنان نیست، بلکه موضوع اصلی تغییر در اطرافشان است؛ تغییر در نوع لباس، تلفن همراه، لپ‌تاپ و هزاران چیز دیگر. در واقع جوانان آن چنان در مورد این مسائل بحث می‌کنند و به آن اهمیت می‌دهند که مانند این است که جزء اصلی زندگی آن‌ها همین‌ها هستند.

البته در واقعیت نیز همین است زیرا جوانی و نوجوانی زمان بروز علایق زودگذر، نیازهای غیرواقعی و بسیاری خواب‌ها و خیال‌های دیگر است؛ اما یکی از نیازهای واقعی در این دوره، نیاز به دیده شدن است؛ نیازی که از سوی بزرگ‌ترها به آن اهمیت بالایی داده نمی‌شود، اما در میان خود نوجوانان از اهمیت بسیاری برخوردار است. برای مقایسه شیوه‌های



هدیه‌ای برای خدا

بیان احکام نماز



خواندن نماز به دنبال دلیل و بهانه نیست؛ هرچند که هزار دلیل برای این کار وجود دارد. در واقع چنین انسانی همه تلاش خود را به کار می‌گیرد تا نماز را -که خالق مهربانش می‌پسندد- به همان شکلی انجام دهد که او دوست دارد و موجب رضایت بیشترش می‌شود. شما با خواندن نماز، هم خداوند را از خود راضی می‌کنید و هم خود از آثار و برکات فراوان آن بهره‌مند می‌شوید. در واقع هر انسان بالغی باید با نمازهای واجب آشنا باشد و هر یک از آن‌ها را در زمان لازم خود بخواند. به طور کلی چند نوع نماز واجب وجود دارد: نمازهای یومیه (روزانه)، نماز آیات، نماز واجب شده به واسطه نذر و مانند آن، نماز طواف واجب کعبه، نماز میت (مرده) و ... پس باید توجه داشت که هر یک از این نمازها در زمان مشخصی تعیین شده و باید به صورت مشخص شده خود خوانده شود. نمازهای یومیه باید در هر شبانه‌روز خوانده شود که در مجموع ۱۷ رکعت است: ۲ رکعت نماز صبح، ۴ رکعت نماز ظهر، ۴ رکعت نماز عصر، ۳ رکعت نماز مغرب و ۴ رکعت نماز عشاء. ■

حتماً تا به حال به دوست صمیمی خود هدیه‌ای داده‌اید. در واقع زمانی که می‌خواهید این کار را انجام دهید، به چند چیز بیشتر دقت می‌کنید: ابتدا اینکه هدیه‌ای را می‌خرید که احتمال می‌دهید او دوست داشته باشد، همچنین هدیه را در جعبه یا یک کادوی زیبا به او تقدیم می‌کنید و بهترین زمان و مکان را نیز برای دادن هدیه در نظر می‌گیرید و ... یعنی در تمام مراحل سعی می‌کنید که انتخاب شما به بهترین شکل باشد تا دوست شما بیشتر خوشحال شود و سریع‌تر هدیه را بپذیرد.

با این مثال، قطعاً شما نیز قبول کرده‌اید که زمانی که کسی را خیلی دوست داریم و برای ما عزیز است، سعی می‌کنیم آن‌گونه که او دوست دارد یا وی در ارتباط باشیم و بهترین رفتار مورد رضایت او را انجام دهیم. حال اندکی تأمل کنید که آیا مهربان‌تر از خداوند متعال و عزیزتر از او برای شما وجود دارد؟ هرگز.

یکی از رفتارهایی که خداوند حکیم از انسان خواسته، نماز خواندن است. کسی که خداوند متعال را دوست دارد، برای

کدام محرم، کدام نامحرم؟!

احکام معاشرت با نامحرم

امنیت، آسایش و آرامش ما تا حدود زیادی به نوع روابطمان با دیگران بستگی دارد. خداوند متعال برای حفظ حریم و حدود هر فرد با دیگران، احکام و قواعدی درباره نحوه پوشش او یا سایرین قرار داده است. براساس این احکام، برخی افراد نسبت به انسان -اصطلاحاً- «محرم» به حساب می‌آیند و برخی دیگر نیز «نامحرم» محسوب می‌شوند. در واقع پوشش ما در برابر محرم و نامحرم معمولاً متفاوت است که باید به آن توجه کنیم. علاوه بر اهمیت پوشش، دقت در نحوه برقراری ارتباط کلامی و رفتاری با هر دو گروه محرم و نامحرم، ضروری است و باید توجه کافی به آن صورت گیرد؛ بنابراین لازم است که اولاً کسانی را که نسبت به ما نامحرم هستند، بشناسیم، ثانیاً در هنگام روبه‌رو شدن با آن‌ها (چه به صورت حضوری و چه در فضای مجازی)، مراقب باشیم که کاملاً شایسته سخن بگوییم و همچنین رفتار صحیح و حلال با آن‌ها داشته باشیم.

حتماً می‌دانید که پدر و مادر، برادرها، خواهرها، پدربزرگ و مادربزرگ، عموها، عمه‌ها، خاله‌ها و دایی‌های انسان نسبت به او محرم هستند و همچنین پسرخاله‌ها، پسرعمه‌ها، پسرعموها، پسردایی‌ها نسبت به دخترخاله‌ها، دخترعمه‌ها، دخترعموها و دختردایی‌ها نامحرم هستند. پس برای شناخت کامل کسانی که نسبت به شما محرم یا نامحرم هستند و نحوه ارتباط صحیح با آن‌ها، حتماً به رساله مرجع تقلید خود مراجعه کرده و یا به یک کارشناس سر بزنید. ■





عبرت نامه

درس ما از زندگی روزمره

دانش آموزان در مدرسه و یاد مکان های دیگر با کتاب های درسی متفاوتی آشنا شده و درس های مختلفی نیز درباره موضوعات متفاوت فرامی گیرند؛ علوم تجربی، ادبیات فارسی، ریاضیات و ... یکی از بهترین کتاب ها برای درس آموزی درباره زندگی انسان و موضوعات متعدد دیگر، قرآن کریم است. در واقع در این کتاب، انسان به درس آموزی از حوادث و وقایع گذشته، حال و آینده دعوت شده است و به لزوم عبرت گرفتن از آن ها نیز توصیه می شود.

قرآن کریم با عبارات و تعبیر متفاوتی به موضوع عبرت گرفتن اشاره کرده است. به عنوان مثال، خداوند متعال در آیه ۱۱ سوره انعام می فرماید: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»، در زمین بگردید، سپس بنگرید که سرنوشت تکذیب کنندگان چگونه شد؟

پس انسان، هم باید از وقایع خوب عبرت بگیرد و هم از وقایع بد. عبرت از وقایع خوب مانند رفتار اصحاب کهف، موجب آن می شود که کارهای خوب را در موقعیت های مشابه انجام دهیم. همچنین درس آموزی از اتفاقات بد مانند لجاجت های نابجای گذشتگان، عاقبت شوم کفار و ... زمینه گرفتار نشدن مجدد ما در آن ها را فراهم می سازد.

در واقع همه مسائل و اتفاقات مختلفی که در زندگی ما به وجود می آید و ما با آن ها روبه رو و یادگیر می شویم، دربردارنده درس ها و نکات مهم مختلفی هستند. برای این کار، در پایان هر روز می توان با تفکر و دقت در آنچه پیش آمده است، عبرت های لازم را از آن ها فراگرفت. در صورتی که شما به عبرت گرفتن اهمیت ندهید، از انجام کارهای خوب گذشته، غافل و محروم می مانند و در این صورت، مرتکب اشتباهات تکراری خواهید شد. ■

بیشتر می خواهید؟! بیشتر شکر کن

امیرحسین صمدی

چقدر خوشبختیم

همه ما در دنیا نعمت های بسیاری داریم؛ نعمت هایی مانند دین اسلام، پدر، مادر، خانواده، سلامتی، امنیت، دوست خوب و ... که کافی است یک بار بنشینیم و نام نعمت هایی را که خداوند به ما داده است، یادداشت کنیم. حتماً شما نیز بعد از کمی نوشتن متوجه خواهید شد که نعمت های اطراف ما آن قدر زیاد است که نمی توان نام همه آن ها را نوشت. حال بیشتر دقت کنید که آیا تمام نعمت های جهان را می توان شمرد؟ حتماً شما نیز خواهید گفت که هرگز!

از دست و زبان که برآید
کز عهده شکرش به درآید

هر کسی که نعمتی دارد باید حق آن را به جا بیاورد و حداقل باید دو کار را نیز انجام دهد؛ اول، توجه به نعمت دهنده؛ زیرا همه نعمت های جهان متعلق به خداوند بوده و او نیز با لطف و بخشش خود، آن ها را از طریق اسباب و وسایل متفاوت، در

اختیار ما قرار داده است. پس بنده تصمیم دارم که از این لحظه به بعد، هرگاه نعمتی به دستم رسید، ابتدا با زبان خود از خداوند تشکر کنم و بگویم: «الحمد لله»، سپس به فرد یا افرادی که آن نعمت را به من رسانده اند، رو کرده و با مهربانی تشکر نمایم.

شکر نعمت، نعمت افزون کند

کفر نعمت، از کفت بیرون کند

در مواجهه با هر نعمت، علاوه بر تشکر از خداوند و مردم، خوب است که بهترین نحوه استفاده از آن را نیز انتخاب کنیم. زمانی که نعمتی به شما می رسد، به قدر کافی باید درباره چگونگی بهره مندی از آن فکر کرده و در نهایت، به برترین روش نیز عمل کنید.

برای انجام این کار نیز چند پیشنهاد به شما تقدیم می شود:

- از هر نعمتی، به مقدار یا میزان لازم استفاده شود.
- از نعمت ها در جایگاه مناسب خود استفاده کنیم.
- قدر نعمت های موجود را دانسته و مراقبت های لازم را برای حفظ آن ها داشته باشیم.
- به کسانی که نعمت های کمتری در اختیار آن ها است، کمک کنیم. ■

زندگی کن اما با یاد قیامت

تفسیر قرآن: توجه به آخرت

می شوند، از یاد آخرت غافل شده و زندگی آن ها پس از مدتی تکراری می شود و جذابیت خاصی نیز ندارد. شاید این انسان ها ظاهراً در دنیا از امکانات، وسایل رفاهی و پیشرفته نیز برخوردار باشند، اما با وجود داشتن آن ها، باز هم احساس خوب و شادابی ندارند.

راز و رمز این مسئله را باید در قرآن کریم جستجو کنیم. خداوند حکیم می فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى، وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى، بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا، وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَ أَتَقَى؛» بی تردید کسی که خود را [از زشتی های باطن و ظاهراً پاک کرد، رستگار شد؛ و نام پروردگارش را یاد کرد، پس نماز خواند. [ولی شما منکران لجوج به سوی راه رستگاری نمی روید] بلکه زندگی دنیا را [بر آن] ترجیح می دهید؛ در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است. اُعلی/ ۱۷-۱۴ اگر ما می خواهیم که رستگار شویم و زندگی مان در دنیا خلاصه نشود، باید به قیامت توجه داشته باشیم و با تزکیه، زندگی خوش و خرمی برای خود و دیگران رقم بزنیم. یادمان باشد که عمر ما در دنیا هر اندازه ای هم که زیاد باشد در نهایت به پایان می رسد و آنچه باقی می ماند تفکرات، گفتارها و رفتارهای ما است که در قیامت از ما درباره آن ها سؤال می شود و وضعیت و جایگاهمان را نیز در آخرت مشخص می کند. ■

بنده یک دانش آموز هستم و از صبح -که از خواب بیدار می شوم- تا شب -که به رختخواب می روم- کارهای مختلفی را انجام می دهم. من معمولاً صبح زود بیدار می شوم و پس از خواندن نماز صبح و خوردن صبحانه، برای رفتن به مدرسه آماده می شوم و پس از طی مسافت منزل تا مدرسه، با نشاط خوبی در کلاس حاضر شده و پس از گذراندن چند کلاس، به خانه برمی گردم. در خانه نیز ضمن انجام تکالیف درسی، در امور خانه به خانواده خود نیز کمک می کنم. گاهی نیز برای دیدن اقوام به خانه آن ها رفته و گاهی هم برای تفریح، به پارک می روم. ورزش کردن و رفتن به مسجد را نیز هرگز فراموش نمی کنم. به طور کلی من در ایام هفته، کارهای مختلفی انجام داده و درباره موضوعات گوناگونی نیز فکر می کنم.

من و همه انسان های شبیه من، باید سعی کنیم که در همه تفکرات و رفتارهای خود به یاد قیامت و آخرت باشیم و همچنین در دنیا و ظواهر آن غرق نشویم. انسان هایی که در دنیا غرق



هویت (۱۳۶۵)

فیلمی با موضوع جریان‌های سیاسی پر تب و تاب سال‌های ابتدایی انقلاب که اگرچه با ضعف‌هایی همراه بود، اما نشان از ظهور کارگردانی صاحب‌فکر میداد.



دیده بان (۱۳۶۷)

روایت تلاش دیده‌بانی در جنگ تحمیلی و هم‌زمان تحول درونی او.



کارنامه حاتمی کیا

پلاگ، مجموعه‌ای است از فیلم‌های کوتاه و بلند حاتمی کیا به همراه مصاحبه و پشت‌صحنه آن‌ها که به همت موسسه رسانه‌های تصویری گردآوری شده است. روزنامه تماشا گلچین جالبی از این مصاحبه‌ها ارائه کرده و ما نیز چند برش کوتاه از کودکی و جوانی آقای کارگردان برای شما می‌آوریم تا ببینیم که آقای حاتمی کیا چگونه حاتمی کیا شدند.

بچه پامنار

۶ خواهر داشتم و خود تنها پسر خانواده بودم. خانه ما در محله پامنار در مرکز شهر بود. خانه‌ای تقریباً سیصد متری که به قول معروف حالت قمر خانمی داشت که عمو و خانواده ایشان نیز آن طرف حیاط زندگی می‌کردند. این خانه، حیاط و زیرزمین‌های بزرگ داشت. بنده خلوت‌های خود را در همین زیرزمین‌ها می‌گذراندم، با حرف زدن، آواز خواندن و نقش بازی کردن.

کاری از ابراهیم حاتمی کیا

پسرعموی بنده در زیرزمین دستگاه‌های تریکوبافی گذاشتند و من نیز به عنوان کارگر در آنجا کار می‌کردم. از این راه پولی به دست آورده و دوربینی خریدم؛ یک دوربین سوپر ۸ دست دوم. در حالی که اصلاً قواعد اینکه باید با این دوربین چه کرد را نیز نمی‌دانستم. در آن زمان ۱۳، ۱۴ ساله بودم. شاید بتوانم بگویم نقطه عطف ورود به سینما برای بنده روزی بود که بر روی این دوربین یکسری درجاتی مشاهده کردم. این دوربین بنده نیز سه درجه داشت؛ ۱۸ فریم، ۲۴ فریم و ۱ فریم.

بنده درجه دوربین خود را بر روی ۱ گذاشته بودم و سپس نیز متوجه شدم این تق، تق کردن یعنی اینکه دوربین فریم به فریم عکس می‌گیرد. در همین راستا بنده عروسک خواهر خود را برداشته و یک تخته



ماجرای مسابقه مرگبار

آن زمان‌ها بنده به کتابخانه کانون پرورش فکری در خیابان فخرآباد می‌رفتم و یک پای ثابت آنجا بودم. داستان‌ها و کتاب‌های مختلفی می‌خواندم و این داستان خوانی و مصور خواندن برایم بسیار جذاب بود. بنده در آنجا یکسری از کتاب‌های هنر عکاسی را نیز مطالعه می‌کردم. در واقع مطالعه بنده درباره عکاسی و سینما تنها در همین اندازه بود، زیرا فضای خانواده بنده اصلاً فضایی نبود که کسی بتواند با من همراهی کند. در این حوزه نیز طبعاً فقط فردیت و تنهایی خود را داشتم. در آن زمان رفتن به سینما برایم تابو بود و بنده تنها یک منفذ ورود به سینما داشتم که آن هم پسرعمویم بود. او به سینما می‌رفت و زمانی که فیلمی را می‌دید که حال به نظر خود او برای سن بنده مجاز بود، بار دیگر مرا نیز با خود می‌برد. یک‌بار اتفاق بدی افتاد، آن‌هم این بود که سینماها فیلم «مسابقه مرگبار» را گذاشته بودند (از این فیلم‌های مسابقه‌ای که بعدها هم نسخه جدیدتر آن را ساختند)، حواس پسرعموی بنده نیز نبود، زیرا که این فیلم یک صحنه‌ای داشت و زمانی که این صحنه شروع شد، پسرعمویم چشم‌های مرا محکم گرفت که تکان نخورم. در واقع او بیشتر می‌ترسید که من در خانه بگویم که یک چنین اتفاقی افتاده است.

با این اوصاف اگر جمع بزنیم، کل فیلم‌های سینمایی‌ای که بنده قبل از انقلاب دیده‌ام، شاید به ۱۰-۱۲ فیلم برسد، اما عشق به سینما رفتن را همیشه با خود داشتم. البته هیچ‌گاه فکر نمی‌کردم که قرار است روزی خود نیز وارد عرصه سینما شوم.

مدیون عمویم هستم

نزدیکی‌های انقلاب بود که بنده ناگهان از آن مدرسه‌ای که نزدیک خانه‌مان بود، به مدرسه‌ای در خیابان شهباز سابق یا همان هفده شهریور فعلی رفتم. البته قرار بود که به

هنرستان رفته و در آنجا رشته فنی بخوانم، اما چند نمره کم آورده و مجبور شدم که علوم تجربی بخوانم. در واقع از این رشته نیز متنفر بودم و از کلاس‌ها فرار می‌کردم و به سینماهای میدان ژاله سابق می‌رفتم؛ یعنی از این زمان راه بنده به آنجا باز شد. جای شمانیز خالی بنده دو سال پشت سرهم رد شدم. در حالی که بیشتر از آن حتی تجدید نیز نمی‌آوردم. باز شدن پای من به سینما و فرار از درس -که بسیار هم از آن بدم می‌آمد- به جایی رساندم که پدرم را راضی کردم که مدرسه نروم و به نزد ایشان رفته و در مغازه کار کنم. در واقع از این به بعد به مغازه پدر رفته و در آنجا مشغول به کار شدم، به نحوی که به نظر می‌رسید از این به بعد این همان زندگی عادی من است. اما در این میان یک اتفاقی افتاد که بنده هنوز هم خود را به خاطر آن، مرهون عمومیت می‌دانم. دوم یا سوم مهر بود که یک روز عمومی بنده به مغازه آمد و در آستانه در ایستاد و گفت: «مدراس باز شده پس تو اینجا چه کار می‌کنی؟» در همین حین عمومی بنده، مرا به زور از مغازه بیرون آورد و دستم را گرفت و به یک دبیرستانی برد که در آنجا رشته خدمات می‌خواندم. دقیقاً به یاد ندارم که خدمات چه بود. در آنجا دروسی مانند، تزئینات داخلی و گرافیک می‌خواندیم که من ناگهان گمشده خودم را یافتم و به درس خواندن چسبیدم.

به خانم خود گفتم که در کار ما تهمت زیاد است

سیطره جریان جنگ تا حدی برای بنده قوی بود که می‌گفتم رزمنده فیلم‌بردار تا بگویم فیلم‌بردار رزمنده. در واقع از اینکه بگویم فیلم‌ساز هستم، خجالت می‌کشیدم. البته زمانی که قصد ازدواج داشتم، این امر را به همسرم گفتم. در سال ۶۲ بود که «تریت» را ساخته بودم، در همان زمان به خواستگاری رفته و گفتم: «درست است که بنده پاسدارم اما فیلم‌ساز نیز هستم». ایشان نیز گفتند: «یعنی چه؟» گفتم: «در کار ما تهمت زیاد است». این امر در سالی بود که یکی از بچه‌های ما (همین آقای حاج میری)، فیلمی به نام «حلولو برای زنده‌ها» ساخته بودند که براساس داستانی از آقای دولت‌آبادی بود. بعدها به او تهمت زده بودند که ایشان مارکسیست و توده‌ای است. در صورتی که ایشان یک فرد خط امامی بود و سفارت آمریکا را نیز گرفته بودند. در واقع ما همه مانده بودیم که این امر را به چه صورتی ثابت کنیم. بنده کاملاً می‌دانستم که این پیچیدگی‌ها در این عرصه وجود دارد.



روزان قم (۱۳۷۲)



آژانس شیشه‌ای (۱۳۷۶)
دیالوگ‌هایی ماندگار: «دههات گذشته مربی... مو سرزمین بودم با تراکتور. بعد جنگم رفتم سر همو زمین، بی تراکتور».



بوی پیر (۱۳۷۳)

بوی پیر ابراهیم یوسف

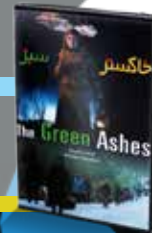
(۱۳۷۳)

هم داستان فیلم و هم آهنگ آن جزء به یادماندنی‌ها شدند.



خاکستر سبز (۱۳۷۲)

حکایتی از جهان وطنی کارگردان در قالب عشق میان خبرنگار ایرانی با دختری بوشنیایی.





از کرخه تا راین (۱۳۷۱)

بسیاری از ما با تماشای آن گریسته ایم که با بازی فوق العاده علی دهکردی و مرحوم هما روستا بود.



وصل نیکان (۱۳۷۰)

سید مرتضی آوینی در نقد فیلم وصل نیکان نکته‌ای را می‌گوید که می‌توان آن را در تمام فیلم‌های حاتمی‌کیا مشاهده کرد. ایشان می‌فرمایند: «من هیچکس دیگر را نمی‌شناسم که همچون حاتمی‌کیا فیلم بسازد. فیلم‌های حاتمی‌کیا ثمره زندگی او نیستند، بلکه او در فیلم‌هایش زندگی می‌کند و آهنگ تحول فیلم‌ها، آهنگ تحول خود او است».



مهاجر (۱۳۶۸)



بادیگارد (۱۳۹۴)



ج (۱۳۹۱)

ادای دینی به شهید چمران.

اطلاعات فیلم بادیگارد

نویسنده و کارگردان: ابراهیم حاتمی‌کیا
بازیگران: پرویز پرستویی، بابک حمیدیان، مریلا زارعی، امیر آقایی، شیلا خداداد و ...
مدیر فیلم برداری: محمود کلاری
موسیقی: کارن همایون فر
تدوین: مهدی حسینی وند
جوایز در جشنواره فیلم فجر: بهترین بازیگر نقش اول مرد (پرویز پرستویی) و بهترین جلوه‌های ویژه (هادی اسلامی)

خلاصه داستان

حاج حیدر محافظی با سابقه است. در یکی از مأموریت‌ها حادثه‌ای پیش می‌آید که ایشان با وجود رشادت و هوشیاری نمی‌تواند وظیفه خود را در محافظت از یکی از مسئولان بلند پایه، به طور کامل انجام دهد. این اتفاق مسائلی را برای حاج حیدر پدید می‌آورد. بعد هم حاج حیدر مأمور محافظت از جوانی می‌شود که یکی از چهره‌های هسته‌ای کشور است، اما جوان نیازی به محافظت نمی‌بیند.

مضمون در قحطی

یکی از ویژگی‌های فیلم‌های حاتمی‌کیا این است که جدای از مسائل فنی و تکنیکی، می‌توان درباره مضمون آن‌ها نیز صحبت کرد و از نمادها و دیالوگ‌ها تحلیل ارائه داد و موافق یا مخالف آن بود؛ یعنی اگر با دوستان یا خانواده بادیگارد را تماشا کنید، در راه برگشت حتماً موضوعی برای صحبت دارید. اتفاقی که درباره سایر فیلم‌های سال‌های اخیر، کمتر رخ می‌دهد.

مورد عجیب شعار

شعار می‌دهد، اما به نحو عجیبی شعارها از فیلم بیرون نمی‌زند که شاید به این دلیل باشد که این شعارها باز زندگی شخصیت‌های قصه عجین شده‌اند.

ورود تکان دهنده به فیلم و خروج نفس گیر

از آن دو سکانس اکشن در ابتدا و انتهای فیلم، نفس شما را در سینه حبس خواهد کرد. (بیشتر از این نمی‌گویم تا از لذت تجربه آن نگاهم).

بازی خوب پرستویی و حمیدیان

در واقع حاتمی‌کیا بازیگران خود را پیدا کرده است. پس از چند سال وقفه در همکاری با پرستویی، حال حمیدیان نیز پس از «ج» بار دیگر جلوی دوربین حاتمی‌کیا رفته است. در واقع می‌توان گفت که پرستویی برای حاتمی‌کیا مانند دنیرو برای اسکورسیزی است و شاید تا چند سال دیگر نیز بتوان گفت که حمیدیان در فیلم‌های حاتمی‌کیا، دی‌کاپریو است در فیلم‌های اخیر اسکورسیزی.

ایده بادیگارد از زبان حاتمی‌کیا

سؤال بنده این بود که تفاوت میان محافظ‌های ما با محافظ‌های آن‌ها در چیست؟ می‌گفتند که آن‌ها بادیگارد حرفه‌ای هستند و انتخاب می‌شوند و تمام تلاش خود را نیز می‌کردند تا از آن چیزی که وظیفه دارند، پاسداری کنند. لزوماً نیز اعتقادی به آن چیزی که از آن دفاع

می‌کنند، نداشتند، اما کاری که ما می‌کنیم این نیست و در واقع اعتقاد به دفاع و پاسداری است که از آن شخصیت دفاع می‌کنیم و بابت چیزی باید کشته شویم که به آن اعتقاد داریم. اگر این نسبت ایجاد نشود، دچار گیجی می‌شویم. از همین جابود که بنده حرف را گرفته و گفتم: پس شما بادیگارد نیستید؟ که آن‌ها گفتند «خیر، ما بادیگارد نیستیم، ما محافظیم».

پرویز پرستویی در اسفندماه و در مراسم تقدیر از خانواده شهدای مدافع حرم گفتند که ما در حال حاضر یک ماه است که تلاش می‌کنیم که به یک عده جماعت منتقد نما بفهمانیم که فیلم بادیگارد برای جشنواره و جایزه ساخته نشده است، در واقع این فیلم برای خود یک رسالتی دارد که این رسالت را محافظین امروز ما و تازه نفس‌ها به دوش می‌کشند. فیلم بادیگارد برای این فضا ساخته شده است که ما هنوز مدافع و هنوز محافظیم و هنوز هم جنگ تمام نشده است، در غیر این صورت، سردار قاسم سلیمانی و یارانش در حال حاضر در خانه نشسته بودند. ■



گزارش یک جشن (۱۳۸۹)



صوت (۱۳۸۱)



به نام پدر (۱۳۸۳)



به رنگ آغوان (۱۳۸۳)



ارتقا پست (۱۳۸۰)



موج (۱۳۸۱)



معرفی سایر فیلمها

تلخی در امتداد ابد

ابد و یک روز

فیلمی که توانسته است سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی و بهترین بازیگر نقش اول زن را برای سعید روستایی و پریناز ایزدیار به همراه داشته باشد. هرچند که تلخی فراوان آن و جمع شدن همه این مصائب برای یک خانواده موجب نظرات مختلفی میان منتقدان شده است. روایت زندگی خانواده‌ای در جنوب شهر، با پدری که فوت شده و مادری که توانی ندارد و برادری که معتاد است و ...



پنج‌جاده تا بازیگر

پنج‌جاده کیلو آب‌آلو

سهیلی، هستی مهدوی، پژمان جمشیدی، علی صادقی، مهران غفوریان، افسانه بایگان، فرهاد آبیض، بهنوش بختیاری، سیامک انصاری، ویشکا آسایش و ...

البته نه انتظار یک فیلم کمدی خنده دار از آن داشته باشید و نه یک فیلم جذاب! به قول کارگردان و نویسنده، «این فیلم با بقیه آثارم متفاوت است». از نظر محتوی و مضمون هم جای انتقاد بسیار است. انتخاب با خودتان.

در میانه عروسی مرجان، مأموران برای دستگیری داماد خلاف‌کار وارد می‌شوند، در این میان ریختن آب آلبالو بر روی پیراهن داوود، موجب آشنایی او و آیدا می‌شود. اگر شما هیچ چیزی هم از خلاصه فیلم ندانید، تنها با شنیدن نام بازیگران آن خواهید فهمید که با یک کمدی پر بازیگر طرف هستید که از جمله این بازیگران: ساعد



معرفی تارنما: مسجدنما

«وقتی توجه مان به ظرفیت در و دیوار مسجد به ویژه تابلوی اعلانات جلب شد، «مسجدنما» متولد شد.

ایده اولیه این بود: نمای مسجد باید معرفت زا باشد. موضوع هم شد: طرح های گرافیکی برای مسجد. کار از یک وب نوشت ساده شروع شد. از ابتدای ۱۳۹۳ رویکرد جدیدی انتخاب کردیم: انتشار هفتگی مطالب. جذب مخاطب ثابت و اثرگذاری جدی نیازمند روزآمدسازی های منظم بود. خدا کمک کرد و هر هفته ادامه دادیم. هر هفته یک بسته شامل چند طرح محتوایی و طرح گرافیکی آماده می شد و به



منظور استفاده فعالان مسجدی در تارنما بارگذاری می شد. به تدریج جنبه محتوایی کار هم بیش تر شد. این جملات یکی از دست اندکاران سایت، گویای فعالیت های این پایگاه است. خلاصه خلاصه اینکه اگر در مسجدی مشغول فعالیت هستید و نیاز به ایده ها و مطالب جذاب برای عرضه در مسجد و بخصوص تابلو اعلانات آن دارید، مسجدنما به شما کمک خواهد کرد. مطالب ارائه شده، عموماً کوتاه و همراه با خلاقیت و طراحی گرافیکی خوبی هستند. ضمن اینکه مناسبت های پیش رو هم در مطالب ارائه شده هفتگی دیده شده اند. از طرف دیگر اگر ایده جالبی به ذهنتان رسید یا در مسجد محله تان فعالیت خلاقانه ای انجام می دهید، می توانید با استفاده از این پایگاه تجربیات خود را در اختیار بقیه فعالان مسجدی قرار دهید.

مطالب به خوبی در این تصویر منعکس شده است:

تلگرام

اگر شما هم از عضو شدن ناخواسته در گروه ها و کانال های تلگرام به ستوه آمده اید، آخرین نسخه این نرم افزار راه حلی را برای این مشکل پدید آورده است. در تنظیمات گزینه privacy and security را انتخاب کنید. حالا در قسمت privacy با انتخاب گزینه groups دو گزینه my contacts و every body را مشاهده می کنید. اما اگر از بین مخاطبان خود هم افرادی را شناسایی کرده اید که دائم در حال اضافه کردن شما به گروه ها هستند، یا اگر اساساً می خواهید از بین مخاطبانتان هم فقط تعداد معدودی حق اضافه کردن شما را به گروه ها داشته باشند، می توانید در ادامه صفحه و با استفاده از گزینه های never allow و always allow مشخص کردن این مخاطبها، خیال خود را از بابت عضویت اجباری راحت کنید.

نارسیس

سبک فارسی به نام نارسیس است. به وسیله این نرم افزار بر اساس زمان تنظیمی شما، هر چند دقیقه یک بار پیغام هایی بر صفحه ظاهر می شوند و نرمش های سبکی را پیشنهاد می دهند که برای بیشتر آن ها حتی لازم نیست از پشت میز کنار بروید و برخی از آن ها حتی از چند ثانیه هم بیشتر طول نمی کشند.

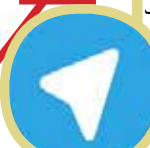


اولاً توصیه ما به شما این است که اگر به سیستم رحم نمی کنید لافاقل به جسم خودتان رحم کنید. یعنی یک فصل سریال را پشت سر هم نگاه نکنید و چند لحظه ای هم به دشمنان فرصت دهید و طوری نباشد که تا نابود کردن گول مرحله آخر (هنوز هم بازی ها گول مرحله آخر دارند، فقط رنگ و لعابش زیاد شده!!) بی خیال بازی نشوید. اما اگر این توصیه ها خللی در اراده محکمتان ایجاد نمی کند، لافاقل هر چند دقیقه در همان حالت مستقر شده، نرمش های کوتاهی انجام بدهید. برای سهولت این کار نرم افزارهایی هم وجود دارد که یکی از آن ها یک نرم افزار

آپل

وای فای

نرم افزار WiFi Network Analyzer: شاید تا چند سال پیش استفاده از چنین نرم افزارهایی تعجب برانگیز بوده است. اما حالا اگر امکان اتصال به چند مودم را دارید، می توانید با استفاده از این نرم افزار قدرت سیگنال ها و سایر جزئیات هر شبکه را بررسی کنید.



بازی نما



آمریکایی ها هم خورده بازی هستند

پس از آن که چند ماه قبل، عکسی از تذکرواز نامزدهای حزب جمهوریخواه آمریکا در هواپیما و در حال بازی Tower Madness دستمایه شوخی در فضای مجازی شد، حالا تحقیقات جدید نشان می دهند هر کاربر آمریکایی آیفون در سال ۲۰۱۵ به طور میانگین ۲۵ دلار برای بازی های موبایلی از App Store هزینه کرده است. میانگین خرید کلی هر کاربر ۳۵ دلار بوده است که خرید بازی ۷۱ درصد از آن را شامل می شود.

آمارهای خرید محصولات فرهنگی در ایران ناقص هستند و الا می شد با کنار هم قرار دادن قیمت ها و البته در نظر گرفتن تفاوت های اقتصادی به مقایسه های جالبی دست زد.



دیگر که هر کدام می توانند ما را از خرید بازی های ایرانی دیگر منصرف کنند. یکی از مشکلات اصلی این است که سازندگان بازی خواسته اند با سنگین ترین و با کیفیت ترین بازی ها (بخصوص بازی های جنگی) رقابت کنند که طبیعی است به دلیل نداشتن سرمایه مالی و فنی و تجربی نتیجه مطلوبی رقم نخورد.

حالا مسئولان جشنواره عمار به این نکته توجه کرده اند و بازی های سبک و بیشتر مبتنی بر خلاقیت را در دستور کار قرار داده اند. «بازی نامه نویسی»، «بازی های اندروید» و «بازی های تک مرحله و چند مرحله کوچک PC» عرصه های مسابقه در جشنواره عمار هستند. باید منتظر ماند و دید که خروجی جشنواره چه خواهد بود.

اردیبهشت ماه، جشنواره بازی های رایانه ای عمار

این جشنواره چند سالی است که با محوریت فیلم شروع به فعالیت کرده است. فراخوان در سال گذشته اعلام شد و حالا قرار است در اردیبهشت نخستین جشنواره مردمی بازی های رایانه ای عمار برگزار شود. همه ما دشمنان انباشته از نقدهای فراوانی است که به بازی های کامپیوتری وارداتی نظیر خشونت و فرهنگ غیربومی آن ها نسبت می دهیم؛ اما این نکته غالباً مورد غفلت واقع می شود که "چه باید کرد؟" و آیا اساساً نقد صرف می تواند راهگشا باشد؟ شاید مهمترین امتیاز این جشنواره این باشد که از نشانه های برخورد خلاقانه و دوری از رفتارهای انفجالی با یکی از عرصه های جدید و پرمخاطب سرگرمی یعنی بازی های رایانه ای است.

در چند سال اخیر معمولاً بازی های رایانه ای ایرانی در جذب مخاطب چندان موفق نبوده اند. برای بسیاری از ما پیش آمده که بازی ای را خریده ایم و بعد از دقایقی حضور در محیط بازی با نارضایتی آن را کنار گذاشته ایم. گاهی هوش مصنوعی دشمن در حد جلبک است، گاهی اشکالات گرافیکی مضحکی پیش می آید و اشکالاتی



شاعر نباید خاکشیر مزاج باشد!

ده توصیه شاعر شیرازی



۱- شاعر و دانش

بسیاری از شاعران گمان می‌کنند که شعرسرایی براساس عاطفه صرف، زیبا خواهد بود، این در حالی است که بسیاری از شعرای گذشته عنوان «حکیم» را در ابتدای نام خود دارند که بیانگر میزان مطالعه و دانش آن‌ها است.

۲- شیوه بهتر آموزش

نوعی از تحلیل و آموزش شعر به صورت آکادمیک و در فضای کلاسیک انجام می‌شود و نوع دیگر با تجربیات زنده و خلاقانه است. این شیوه آموزش بهتری برای شاعران جوان خواهد بود.

۳- الگوهای نامناسب

با گسترش فضای مجازی بسیاری از مطالعات شاعران جوان به چنین فضاهایی محدود شده است، در حالی که بسیاری از آن‌ها دارای بیان و مضمون سست هستند. در واقع مطالعه آثار و ریزین و تثبیت شده موجب رشد فکری جوانان خواهد شد.

۴- تواضع دائمی

شاعران بزرگی مانند اخوان ثالث و قیصر امین پور با وجود سال‌ها فعالیت در حوزه شعر، خود را صاحب سبک و بی‌نیاز از آموزش نمی‌دانستند. رضایت از شعر خود، روز مرگ شاعر خواهد بود. بنده دیده‌ام که هر شعاری که موفق تر بوده، تواضع بیشتری داشته است.

۵- شعر اجتماعی

ما باید این دید را در خودمان ایجاد کنیم که زمانی که نامی از شعرآیینی می‌آید، شعر اجتماعی نیز شعرآیینی است، شعری که به دردها و معضلات اجتماع مسلمان‌ها پرداخته باشد. حتی شاید مذهبی‌ترین شعر نیز همین باشد.

۶- جوشش و کوشش

همین‌که شخصی شعر بگوید، یعنی استعداد شاعری دارد. شعر دو بال نیاز دارد که یک بال آن جوشش و بال دیگر کوشش است. بال جوشش جان شعراست که اگر این در شاعر وجود داشته باشد، باید فن آن را یاد بگیرد. هر دو کنار هم نیز باعث می‌شود تا شاعر به رشد ادبی برسد.

۷- موضع داشتن

شاعر خوب، خاکشیر مزاج نیست؛ یعنی در جریان حق و باطل موضع مشخص دارد و با همه جریان‌ها مهربان نیست. شاعر

پاییز بهار نیست که عاشق شده است.

میلاذ عرفان پور تاکنون جوایز متعددی نظیر: مقام اول جشنواره جوان خوارزمی (۱۳۸۵) و سرو زرین جشنواره بین‌المللی شعر فجر (۱۳۸۶) را کسب کرده است. کتاب‌های او نیز در این سال‌ها -که بازار نشر وضعیت خوبی ندارد- با استقبال قابل توجهی از جانب مخاطبان روبه‌رو شده است. شعر گفتن برای هیئت‌های مذهبی و در سال‌های اخیر ترانه‌سرایی برای خواننده‌هایی مانند حامد زمانی نیز در کارنامه ایشان مشاهده می‌شود.

زندگی‌نامه

بنده اول بهمن ماه ۱۳۶۷ در پائین شهر شیراز به دنیا آمدم. کوچه‌های تنگ و دیوارهای کوتاه آنجا به یادم مانده است. در کودکی دوست داشتم نقاشی شوم، پدرم نیز یک مقداری اهل نقاشی و شعر بوده و هم اینکه ایشان مداح نیز هستند و همچنین مادر بزرگم -که خدا رحمتشان کند- با اینکه سواد نداشتند، بسیاری از دوبیتی‌های محلی را حفظ بوده و با آهنگ برای ما می‌خواندند. همین امر نیز باعث شد تا از همان دوران کودکی، وزن شعر در ذهن ما شکل بگیرد. بنده سال دوم یا سوم راهنمایی بودم که شعر گفتن را شروع کردم که این امر کاملاً نیز ناگهانی بود. در این میان کم‌کم پای بنده به انجمن‌های شعری -که در شیراز بود- باز شد و به گونه‌ای شده بود که بنده در سال سوم راهنمایی، تقریباً در هر انجمن شعری که فعال بود، شرکت می‌کردم. مدرسه بنده نمونه دولتی بود و فشار درسی بیش از سایر مدارس بود، اما اشتیاق به شعر آن قدر در بنده وجود داشت که سعی می‌کردم هیچ محفلی را در شهر خودمان از دست ندهم.

سال اول دبیرستان بود که حضور بنده در جشنواره‌ها و مسابقات شعری آغاز شد و به لطف خداوند، زمانی که برای اولین بار در سال ۸۳ در جشنواره ادبی باباطاهر شرکت کردم، با وجود این‌که به تازگی مسیر شعر را شروع کرده بودم، توانستم مقام اول را به دست بیاورم. در همان سال در جشنواره دانش‌آموزی نیز شرکت کرده و از برگزیدگان کشوری جشنواره دانش‌آموزی نیز شدم.

اولین کتابی که بنده چاپ کردم یک مجموعه رباعی در حال و هوای دفاع مقدس به نام «از شرم برادر» بود. بنده به عنوان مستمع به کانون رهپویان وصال رفت و آمد داشتم که جلسات آن در جهت‌گیری‌های فکری بنده تأثیر بسیار زیادی داشت. اکثر رباعی‌های آن کتاب، تحت تأثیر کتاب «حماسه یاسین» سروده شده بود که خاطرات دفاع مقدس آقای «انجوی نژاد» (از مسئولان کانون رهپویان وصال) بود.

گاهی از بنده می‌پرسند که شما چرا این قدر رباعی می‌گویید. جواب بنده نیز این بود که یکی از ویژگی‌ها و وجه تمایزهایی که رباعی نسبت به قالب‌های دیگر دارد، کوتاهی آن است. در واقع رباعی کوتاه است و انسان امروز به کوتاهی پیام رغبت بیشتری دارد تا به بلندی آن. ■

خوب باید جاذبه و دافعه داشته باشد و در کنار مهر خود، نسبت به جریان باطل نیز خشم داشته باشد.

۸- صفات شاعر الهی در قرآن

در آیات پایانی سوره شعرا خداوند صفات شاعر الهی را برمی‌شمارد که ایمان، عمل صالح، ذکر کثیر و دادخواهی بعد از ظلم است. باید این صفات از آیات قرآن استخراج و در میان شاعران ترویج شود، اما متأسفانه جو روشن فکری بر شعر امروز آن قدر غلبه داشته است که مجال توجه به این آیات را فراهم نمی‌کند.

۹- باطن شاعر

فن شعر رویه و جلد این موضوع است، اما چیزی که باطن، قلب و بطن شاعری می‌باشد، شخصیت خود شاعر است. هر قدر که این شخصیت با ادب انسانی و با خودسازی بیشتر آمیخته شده باشد، بیشتر نیز می‌تواند تأثیرگذار باشد. اشعاری از بنده که بیشتر مورد استقبال قرار گرفتند، آن‌هایی بوده‌اند که با حس و حال معنوی بهتری آن‌ها را سروده بودم.

۱۰- راه رسیدن به قله شعر

مطالعه آثار شاخص، شرکت در محافل خوب شعری، ارتباط با استادان شعر و تلاش خود فرد موجب آن می‌شود تا شاعر به قله شعر برسد.

معرفی کتاب‌ها

معرفی کردن و یا نوشتن خلاصه برای کتاب شعر، کاری دشوار است و حتی شاید اشتباه باشد. پس ما نیز به جای خلاصه‌ای از هر یک از جدیدترین کتاب‌های عرفان پور، یک رباعی ذکر می‌کنیم. آخرین کتاب عرفان پور که دربرگیرنده ۶۰ رباعی جدید با نام «درباره تو» می‌باشد نیز قرار است که در نمایشگاه کتاب تهران توسط انتشارات سوره مهر در اختیار علاقه‌مندان قرار بگیرد. «از شرم برادر»، «پا در شهر»، «پاییز بهار نیست که عاشق شده است» و «جشن فراموشی‌ها» نیز از کتاب‌های دیگر ایشان هستند.



ناخوانده

چشم همه چشمه‌های جوشان به خداست
باران، اثر نگاه دهقان به خداست
گل‌ها همه آیه‌های قرآن هستند
ایمان به بهار، عین ایمان به خداست



بی خبری‌ها

مادام که عمر من به دنیا باشد
هر جا که تو باشی دلم آنجا باشد
دیگر خبر از خودم ندارم ای دوست
تا باشد از این بی‌خبری‌ها باشد



از آخر مجلس

ما سینه زدیم و بی صدا باریدند
از هر چه که دم زدیم، آن‌ها دیدند
ما مدعیان صف اول بودیم
از آخر مجلس شهدا را چیدند



با تلویزیون



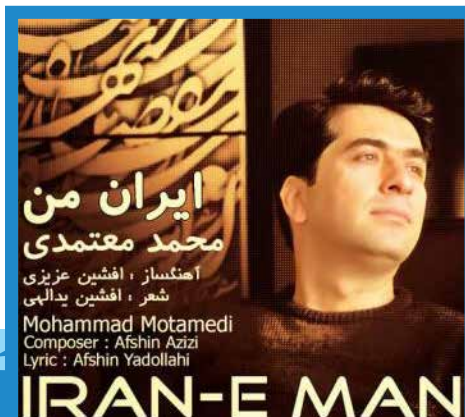
دور دست‌ها: کارخانه روغن سازی رسول و صادق مدتی است که دچار بحران شده است که آن‌ها نیز برای گذر از این بحران، میزانی از سهام کارخانه را می‌فروشند، غافل از این‌که خریدار این سهام - یعنی عماد - با توطئه‌ای دست به خرید زده است. دانیال حکیمی، هومن برق‌نورد و فاطمه گودرزی از جمله بازیگران این سریال هستند که به صورت مشترک توسط سازمان ملی استاندارد و شبکه یک سیما ساخته شده است. دور دست‌ها شنبه تا چهارشنبه، ساعت ۲۲:۱۵ از شبکه اول سیما پخش می‌شود.



افسانه جومونگ: کمبود بودجه و پرمخاطب بودن سریال‌های کره‌ای، باعث شده تا تلویزیون اقدام به پخش مجدد ساخته‌های چشم‌بادامی‌ها کند. اگر شما نیز عاشق زیرآب زنی‌ها در دربار و دیدن پیشرفت آدم‌ها با صداقت و تلاش هستید، می‌توانید مجموعه جومونگ را هر روز در شبکه نمایش ساعت ۱۹ (تکرار روز بعد، ساعت ۵ و ۱۳) و مجموعه دونگی را هر روز در شبکه پنج، ساعت ۲۳ (تکرار روز بعد، ساعت ۹:۲۰ و ۱۸) تماشا کنید.

مستند ایران من

محمد معتمدی همزمان با پخش مجموعه مستند «ایران من»، قطعه صوتی تیتراژ این برنامه را در فضای مجازی منتشر کرده است. در واقع حجم عالی صدای خواننده و شعر با مفهوم آن، موجب لذتی مضاعف برای شنونده می‌شود. این مجموعه مستند به کارگردانی ایرج آشوری و تهیه‌کنندگی حسین طاهری، مدتی است که از شبکه اول سیما بر روی آنتن می‌رود.



عادل میان انبوهی از شخصیت‌های غیرعادی و ابلیه، خسته‌کننده شده است. در مقابل با وجود آن‌که استندآپ کمدی در فصل قبل مخاطبی بی‌سابقه برای خندوانه پدید آورده بود، اما در این فصل شاهد بودیم که لباهنگ جایگزین آن شد که ریسک بزرگی محسوب می‌شود. ضمن این‌که می‌توان دورهمی را به دو قسمت کلی آیت‌های نمایشی و صحبت‌های مدیری تقسیم کرد، اما خندوانه از بخش‌های مختلفی چون: جناب خان، مسابقه، ایران‌گردی و... تشکیل شده است.

مجری: در واقع آقای مدیری سعی دارد تا با پرسیدن سؤالات سخت و شخصی از مهمان‌ها - که البته منجر به تذکر از سوی صدا و سیما نیز شد - و یا رفتارهایی نظیر زدن موی مهمان، توجه مخاطب را جلب کند. در حالی که باید توجه داشت اگرچه تعجب ناشی از این رفتارها ممکن است باعث جذب اولیه مخاطب شود، اما اثری پایدار نخواهد داشت و حتی ممکن است که مخاطب را پس بزند. در مقابل رامبد جوان با مهمان‌ها از موضعی پایین برخورد کرده و همچون کسی رفتار می‌کند که می‌خواهد از مهمان خود چیزی بیاموزد. ضمن این‌که رامبد جوان در همراهی با تماشاگران حاضر در استودیو و استفاده از حرکات بدن، در جذاب‌تر شدن نقش مجری، انرژی بیشتری از خود می‌گذارد.

نقد اجتماعی: هر چند که خندیدن در هر برنامه‌ای، تنها یکی از اهداف است و هدف دیگر نقد اجتماعی و مطرح کردن آسیب‌ها است، اما نباید فراموش کرد که به هر حال هدف اصلی ساخت برنامه طنز است. صحبت‌های مدیری اگر چه طنزآمیز بوده و حاوی نکاتی در نقد رفتارهای اشتباه ما می‌باشد، اما نمی‌توان انتظار داشت که بار طنز آن‌ها - به خصوص زمانی که در هر برنامه زمان نسبتاً زیادی را به خود اختصاص می‌دهند - برای مخاطب به اندازه‌ای نمایشی باشد.

درگیر کردن تماشاگر در استودیو: مخاطب تلویزیون با تماشاگران استودیو همذات‌پنداری می‌کند. در دورهمی، نقش تماشاگر تقریباً فقط خندیدن است، اما در خندوانه با تمهیداتی نظیر باز کردن و بستن کمر بندها و همچنین خنده بیست ثانیه‌ای ابتدای هر برنامه و نیز بیشتر قرار گرفتن تماشاگران در کادر دوربین و نزدیکی آن‌ها به صحنه اصلی، نقش بیشتری برای حاضران در استودیو ایجاد کرده است. در نهایت این‌که باید دید در هفته‌های آتی و با دریافت بازخوردهای مخاطبان از جانب عوامل پشت صحنه این مجموعه‌ها، کدام یک در این رقابت مثبت، موفقیت بیشتری کسب می‌کنند.



خندوانه: یکشنبه تا پنجشنبه، ساعت ۲۳:۱۵

دورهمی: جمعه و شنبه، ساعت ۲۳:۱۵

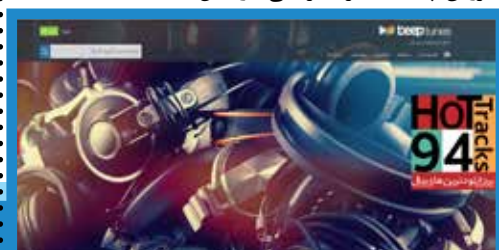
جنبش حیا

حرکت با زمان. جنبش حیا نام یک تشکل فرهنگی خودجوش می‌باشد که چند سالی است در حوزه امریه معروف و نهی از منکر فعالیت می‌کند. این مجموعه تلاش دارد تا برای احیا و ترویج این فریضه الهی از قالب‌های کلیشه‌ای فراتر برود. در همین راستا نیز در نخستین روزهای سال جاری، ماهنگ «شهر مجروح» با صدای سینا دستخوش، توسط این مجموعه و با هدف پاسداشت شهدای امریه معروف (علی خلیلی و مسعود مدد خانی) منتشر شد. این ماهنگ را می‌توانید در آدرس www.hayauni.ir مشاهده کنید.



بیپ تونز

یک گام رو به جلو. دانلود غیرقانونی یکی از مسئله‌های همیشگی صنعت موسیقی بوده است. فارغ از مباحث قانونی، برای حل این معضل، فرهنگ سازی و تجربه‌های موفق عملی نیاز است. سایت بیپ تونز نیز یکی از اهداف خود را همین موضوع عنوان کرده است. تمامی آلبوم‌های این سایت دارای مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هستند و با هماهنگی مالکان این آهنگ‌ها در سایت قرار گرفته‌اند که در واقع این امکان برای مخاطب در نظر گرفته شده تا قبل از پرداخت هزینه، قسمتی از آهنگ را گوش کند که تا به اینجا نیز نشانه‌های به نسبت امیدوارکننده‌ای مشاهده می‌شود. برای نمونه، مدیرعامل این سایت از فروش پانصد میلیون تومانی در سال ۹۴ گفته است.



سر کلاس آقا نسخه‌ای برای همه

در این باره لازم بدانند، شرایط داخلی و بین‌المللی کشورمان است.

موج همان موج است و صخره همان صخره

رهبر معظم انقلاب همچنین در سخنرانی دیگر خودشان به رسم هرساله، در نخستین روز سال در حرم امام رضا (ع)، نصیحت‌های پدرا نه دیگری را نیز بیان کردند. ایشان گفتند که بعضی‌ها در داخل کشور به نوعی تفکر تسلیم طلبی را در مقابل زورگویی آمریکا، به مردم تزریق می‌کنند که این کار البته با برجسب‌های گول زننده و دروغین دیگر مانند مذاکره، گفت‌وگو و تعامل صورت می‌پذیرد.

همه با هم پیش به سوی قله اقتصاد مقاومتی

ایشان در ادامه پادزهر بیماری تسلیم طلبی را نشان داده و گفتند که این پادزهر در قله اقتصاد مقاومتی قرار دارد و اینکه هر کس به این قله برسد، در مقابل تهدید و تحریم ایمن است و دیگر هیچ غمی نخواهد داشت. البته ایشان نسخه‌ای هم برای رسیدن به این قله پیچیدند، اما نسخه ایشان به جای اقلام دارویی، حاوی ۱۰ قلم اقدام دارویی بود. در واقع ایشان تأکید کردند که تنها به سمت قله اقتصاد مقاومتی حرکت نکنید، بلکه با همدلی همگانی، کمک، هماهنگی و همه با هم حرکت کنید. البته حواس ایشان به دولت نیز بود و گفتند که حال که قله، راه، بیماری و پادزهر یکی است، پس به دنبال راه دیگری نروند و جدای از هم نیز حرکت نکنند.

۱۰ قلم اقدام دارویی به جای ۱۰ قلم داروی بیماری

ایشان ۱۰ اقدام را در نسخه خودشان برای حرکت و اقدام واقعی و همگانی برای رسیدن به قله اقتصاد مقاومتی نوشتند. رهبر معظم انقلاب برکت سال جدید را در مصادف شدن ابتدا و انتهای سال ۹۵، با میلاد حضرت فاطمه زهرا (س) دانستند، نه برداشته شدن دروغین تحریم‌ها و اجرای چند برجام دیگر. ایشان گفتند که حواسشان کاملاً به مسائل کلان داخل و خارج بوده و برای همین به جای شعارهای فرهنگی یا اخلاقی، شعارهای اقتصادی را انتخاب کرده‌اند و همچنین گفتند که هدف این است که این شعار نیز به صورت گفتمانی عمومی و نه عده‌ای خاص و یا دولت، مجلس، سازمان‌ها، ادارات و ... دربیاید.

راه‌سومی نیز وجود دارد

رهبر معظم انقلاب فرمودند که راه اصلی همان راه رسیدن به قله اقتصاد مقاومتی است و کنار آمدن با آمریکا، راه درستی

خلاصه و تحلیلی از عیدانه‌های نوروزی کلام رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۹۵

نوروز برای ملت ایران تنها پیام‌آور سفره هفت‌سین، آغاز سال نو، دید و بازدید و سایر رسومات نیست بلکه ۲۶ سال است که ملت ایران علاوه بر بجا آوردن این رسومات، پیام دیگری را نیز همزمان با تحویل سال نواز رهبر معظم انقلاب و فرمانده خود دریافت می‌کنند. در واقع سال که تحویل می‌شود، قبل از آن که دید و بازدید فامیل و آشنا آغاز گردد، همه منتظر دریافت پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب هستند و به نظر می‌رسد که بدون دریافت این پیام، روز نوی آن‌ها هنوز نوروز نشده است. پس می‌نشینند و قرآن می‌خوانند و شعار و پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب را شنیده و می‌گیرند. ایشان نیز با مرور سالی که گذشت و با ذکر تلخی‌ها و شیرینی‌های سال کهنه و همچنین با نهایت بصیرت و آگاهی، شعاری را برای آغاز سال نوا بلاق می‌نمایند.

در نوروز ۱۳۹۵ نیز رهبر معظم انقلاب حل مشکلات اقتصادی را مقدم بر مسائل فرهنگی و اجتماعی دانسته و اقتصاد مقاومتی را به عنوان نقشه راه حرکت اقتصادی کشور تعیین کردند. ایشان البته تنها به شعار اقتصاد مقاومتی بسنده نکردند، بلکه اقدام و عمل را نیز در این باره ضروری دانستند. بی‌شک اندیشه و راه اقتصاد مقاومتی، چیزی نیست که در این زمان از سوی ایشان مطرح شده باشد، بلکه از سال ۱۳۸۹ به این‌سواز دغدغه‌های مهم ایشان بوده است، اما آن چیزی که باعث شده تا ایشان آن را به عنوان شعار سال ۱۳۹۵ انتخاب نمایند و حتی از شعار نیز فراتر رفته و اقدام و عمل را



نیست، بلکه کج راهه و سراب است و همچنین بیان کردند که مذاکره با آمریکا و رعایت نکردن خطوط قرمز انقلاب و نظام، موجب مشکلات است نه تأکید بر مواضع، اصول و خطوط قرمز.

دوبی راهه ساختگی

ایشان فرمودند که اینکه در داخل و یا خارج می گویند دو راه وجود دارد که این دو راه یا کنار آمدن با آمریکا است و یا تحمل مشکلات و سختی ها، دروغ است و خود این دو دروغ به نوعی موجب تسلیم طلبی می شود. از نظر رهبر معظم انقلاب تن دادن به این دروغ ها است که باعث می شود خطوط قرمز نقض شود که در مذاکرات اخیر نیز به اذعان مسئولین، این اتفاق رخ داده است.

اشتباه گرفتن بی راهه با راه

رهبر معظم انقلاب فرمودند که در داخل کشور، برخی بیراهه های دوگانه دروغین بالا را همان راه اصلی می دانند و از بقیه نیز می خواهند که همراه آنان باشند و در واقع به دنبال این هستند که همه مسائل را از جمله مسائل منطقه غرب آسیا و همچنین گفتگو درباره اختلافات تهران و واشنگتن را بر مبنای کوتاه آمدن ایران از اصول و خطوط قرمز خود در این بیراهه مذاکره با آمریکا درست کنند.

هم سفر بی راهه رفته ها، رژیم صهیونیستی است

همان طور که بیراهه ناامن، طولانی، طاقت فرسا و خطرناک است، از نظر رهبر معظم انقلاب، راه مذاکره در همه مسائل همچون مسئله حمایت از مقاومت و پشتیبانی سیاسی از ملت های فلسطین، یمن و بحرین با آمریکا نیز موجب ضعف و ناامنی برای کشور است. هم سفر بیراهه رفتن، مانند عرب ها دست دوستی به سوی رژیم صهیونیستی دراز کردن و همراه شدن با این رژیم غاصب است که در طی مسیر نیز هر چیزی که راهنمای بیراهه - که آمریکا است - بگوید باید عینا اجرا شود و جمهوری اسلامی ایران نیز باید از ابزارهای دفاعی خود صرف نظر کند و دائماً در مقابل چراهای مختلف و زیاده خواهانه آمریکا پاسخگو باشد.

در مسیر بیراهه، سلاحی به همراه نداشته باشید، زیرا من

(شیطان بزرگ) هستم

رهبر معظم انقلاب فرمودند که در مسیر رسیدن به قله اقتصاد مقاومتی باید خودمان امنیت خودمان را تأمین کنیم و برای این کار باید موشک بسازیم و آزمایش موشکی نیز انجام دهیم. اما اگر از مسیر بیراهه تسلیم طلبی در برابر زیاده خواهی های آمریکا و عقب نشینی حرکت کنیم، باید سپاه و نیروی قدس را نداشته باشیم و قوانین اسلامی را نیز در کشور اجرایی نکنیم. رهبر معظم انقلاب فرمودند که آمریکا جمهوری اسلامی ایران را بدون سپاه و اسلام و ناامن می خواهد.

مکن کاری که بر پاستگت آید

رهبر معظم انقلاب در ادامه بیانات خود فرمودند که آمریکا از ما می خواهد تا در همه زمینه ها با او کنار بیاییم و در واقع در خانه خودمان به آمریکا باج بدهیم و در برابر خدعه، نیرنگ و بدعهدی او با ترس و لرز کاری نکنیم. همانند توافق هسته ای که آمریکایی ها به آنچه وعده داده بودند، عمل نکردند. رهبر معظم انقلاب به این صورت ادامه دادند که همه شاهد هستند که با وجود توافق هسته ای، همچنان معاملات بانکی ما دچار مشکل بوده و پول های ایران نیز بازگردانده نشده

است، زیرا کشورهای غربی و کشورهای تحت تأثیر آن ها، از آمریکایی ها می ترسند.

زدان بیراهه

از بیراهه و بی سلاح بروید. آیا معنای این حرف جز این است که آن ها می خواهند در نیمه راه از ما دزدی کنند؟ اما قصد دارند چه چیزی را از ما بدزدند؟ رهبر معظم انقلاب فرمودند که اهداف دزدیدن این ها است: جایگاه راهبردی و موقعیت استراتژیک ایران در منطقه، جمعیت بالا، استعداد های فراوان، پیشینه تاریخی و کهن و اینکه آنان می خواهند تا ایران را که گل منطقه است، پژمرده کنند.

با ایران بدرکشتگی دارند

رهبر معظم انقلاب علت دشمنی آمریکا با انقلاب اسلامی را چند مورد دانستند: یکی اینکه ایران را از دست آمریکایی ها خارج کرد و دوم اینکه روحیه مقاومت و ایستادگی در مقابل سلطه آمریکا در منطقه و حتی خارج از منطقه را گسترش داد و سوم نیز اینکه سیاست تشکیل خاورمیانه بزرگ و مسلط کردن رژیم صهیونیستی بر خلیج فارس را ناکام کرد و همچنین در یمن، سوریه، عراق و فلسطین اجازه نداد تا هر کاری را که دوست دارند، انجام دهند.

می گویند که ایران واس ماس

رهبر معظم انقلاب فرمودند که آمریکا می خواهد در ایران آقای بالا سر باشد و هدف نهایی او نیز همین است. هدف آنان این است که کشور را از آن خود کرده و همچنین در کشور سنگرها را نه برای دفاع از ایران و مردم آن، بلکه برای دفاع از منافع آمریکا دوباره از ما پس بگیرند. مذاکره و دیپلماسی جنگ است، جنگی برای اشغال دوباره مملکت ما.

سنگرهای آمریکا در کجاها بودند و در حال حاضر در کجاها

هستند

رهبر معظم انقلاب فرمودند که رژیم شاه قبل از انقلاب، مهم ترین سنگر آمریکا در ایران بود و بعد از انقلاب نیز سنگر ترس از آمریکا ساخته شده است. اما در جمهوری اسلامی، سنگر حاکمیت مردم و بصیرت همراه با دیانت، ترس از آمریکا را از بین برده است.

دم تحریم و مذاکره با قسم نوروز و هفت سین

رهبر معظم انقلاب در ادامه دشمن ملت ایران را آمریکا دانستند و گفتند که از یک طرف ما را تحریم می کنند و تحریم ها را نیز بر نمی دارند و از طرف دیگر نیز می خواهند خودشان را خوب جلوه دهند و بگویند که ما بسیار خوب

رهبر معظم انقلاب فرمودند که اهداف دزدیدن این ها است: جایگاه راهبردی و موقعیت استراتژیک ایران در منطقه، جمعیت بالا، استعداد های فراوان، پیشینه تاریخی و کهن و اینکه آنان می خواهند تا ایران را که گل منطقه است، پژمرده کنند

هستیم و برای همین نیز پیام نوروزی داده و سفره هفت سینی پهن می کنند.

ایران مقاومتی در مقابل آمریکای مخاصمتی

رهبر معظم انقلاب فرمودند که مردم آمریکا دشمن ما نیستند، بلکه تنها حکومت آمریکا، دشمن ملت ایران است.

منابع پیشرفت مقاومتی

رهبر معظم انقلاب منابع پیشرفت در مسیر رسیدن به قله اقتصاد مقاومتی را این موارد دانستند: سرمایه ها و ظرفیت های طبیعی و انسانی فراوان، فرصت های بین المللی و قدرت اثرگذاری در منطقه و در مواردی در سطح جهان.

آمریکا با ایران و نظام اسلامی کینه شتری دارد

رهبر معظم انقلاب دشمنی آمریکا با ایران را واقعی و نه ساختگی دانستند و نشانه های آن را نیز تهدید های مکرر آمریکایی ها و تلاش بی وقفه آنان برای جلوگیری از بهره مندی ایران از نتایج برجام و بدگویی کاندیداهای ریاست جمهوری این کشور به ایران ذکر کردند.

نگاهی به جعبه ابزار دشمن

رهبر معظم انقلاب نامحدود نبودن ابزارهای دشمنی آمریکا با ملت ایران را متذکر شده و گفتند که این جعبه ابزار سه دسته ابزار دارد: تبلیغات، نفوذ و تحریم.

با درهین به تحریم ها و برجام نگاه نکنید

از نظر رهبر معظم انقلاب ما با بزرگنمایی اثرات تحریم ها و نیز اثرات برجام، باعث شدیم تا دشمن احساس پیروزی کند.

توجه! توجه! ده قدم اقدام مقاومتی

رهبر معظم انقلاب ده پیشنهاد اساسی برای اقدام و عمل در زمینه اقتصاد مقاومتی ذکر کردند که شامل:

- شناسایی و تمرکز بر فعالیت ها و زنجیره های مزیت دار اقتصادی؛
- احیا و به حرکت درآوردن تولید داخلی.
- خودداری جدی از خرید های خارجی که قدرت تولید داخلی را تضعیف کند.
- مدیریت پول ها و منابع مالی ایران که از خارج وارد کشور می شود.
- دانش بنیان شدن بخش های مهم اقتصادی.
- بهره برداری از بخش هایی که قبلاً در آن ها سرمایه گذاری کلانی شده است، مانند پتروشیمی و ساخت نیروگاه.
- مبارزه جدی و واقعی با فساد، ویژه خوار و قاچاق.
- مشروط شدن همه معاملات خارجی به انتقال فناوری به داخل ایران.
- افزایش بهره وری انرژی.
- و نگاه ویژه و حمایتی به صنایع متوسط و کوچک.

انقلابی عمل کنید، نه آمریکایی

رهبر معظم انقلاب، عمل کردن به صورت انقلابی را زمینه ساز موفقیت های سه دهه اخیر برشمرده و بر ضرورت تجلیل و قدردانی از نیروهای انقلابی و حزب الهی تأکید کردند. در واقع دستاوردهای دانشمندان شهید هسته ای، موفقیت های شهید طهرانی مقدم در بحث موشکی و کاظمی در سلول های بنیادی و شهید آوینی و مرحوم سلحشور در مسائل فرهنگی، نشان دهنده این است که روحیه و تفکر انقلابی چگونه گره ها را گشوده و موفقیت ساز می شود. ■

زمانی که ثروت مسلمانان تنها برای گشتنشان هزینه می شود!



مسلمان کشی به شیوه عربستان

هیچ هدفی جز حکومت کردن و انباشت قدرت و ثروت ندارند و هرگونه تلاشی برای برهم زدن منافع آنان، با واکنش خشونت باری مواجه می شود. در واقع هم آل سعود و هم عبدربه منصور هادی، نمونه عینی این مؤلفه به شمار می روند.

مؤلفه بعدی تاریخ اسلام، پیروزی نهایی جریان حق است که در تحولات یمن نیز شاهد آن هستیم که علی رغم بیمارانه و وحشیگری هایی که عربستان و ائتلاف تحت سرپرستی این کشور در یمن انجام دادند، مقاومت مردم یمن و جنبش انصارالله، آنان را از پیروزی در این جنگ ناامید کرده است.

دیگر مؤلفه مهم، واقعیت اختلافات درونی جهان اسلام و تفرقه و جدایی به جای وحدت و انسجام است. در واقعه حمله عربستان به یمن نیز شاهد آن هستیم که رژیم آل سعود به جای آنکه دشمنان اسلام و مسلمین، یعنی رژیم سهیونیستی و آمریکا را دشمن خود بدانند، مردم مسلمان یمن را مورد حمله قرار داده است. در واقع دور شدن از امت واحده و تأکید بر شعارهای ناسیونالیستی، از دیگر مؤلفه هایی است که باید در این تحلیل به آن توجه شود. در حوادث اخیر جهان اسلام و به خصوص اقدامات جنایت بار عربستان، شاهد آن هستیم که این کشور جهان اسلام را به چشم اعضای یک امت واحد نمی نگرد، بلکه شعارهای ملی گرایانه و غیر اسلامی را سرلوحه راه خود قرار داده است.

مداخله قدرت های بیگانه و مستکبر نیز دیگر مؤلفه ای است که می تواند در مورد جنگ یمن نیز به خوبی مشاهده شود. جهان اسلام همیشه از زورگویی و ظلم مستکبران عمدتاً خارجی در رنج و عذاب بوده است و در دوران اخیر نیز استعمارگران غربی بیشترین آسیب ها را بر پیکر جهان اسلام وارد کرده اند. در جنگ یمن نیز یکی از اصلی ترین عوامل به وجود آمدن جنگ، برنامه ریزی و نیت آمریکا بوده است. در واقع روشن است که آمریکا نمی خواهد مداخله کند اما قصد دارد که اهداف خود را به دست بازیگران منطقه ای محقق سازد.

تاریخ اسلام طرحی کلی دارد که در این طرح، آغاز و انجامی نیز وجود دارد. علاوه بر این، تاریخ اسلام همواره پیکاری است میان جریان مؤمن و جریان مشرک و کافران. هدف جریان مؤمن برپاداشتن دین اسلام و اجرای احکام اسلامی است، اما جریان مقابل به دنبال قدرت، ثروت، جهان گشایی و... است. مهم ترین مؤلفه قدرت جریان مؤمن، قدرت دینی و ایمانی آن ها است. اما در مقابل آن جریان باطل، زور و زر، تزویر و... را عامل قدرت خود می داند. جریان مؤمن هر کاری را برای حکومت بر مردم و سیاست نمی پسندد و معیار او ابتدا رضایت خداوند و سپس رضایت مردم است، اما جریان مقابل از بالا و مافوق رضایت همه چیز و همه کس، صرفاً صندلی ریاست را مینگرد. بی شک این تاریخ مؤلفه های دیگری نیز دارد که از حوصله نوشتار حاضر خارج است، اما از طرف دیگر هدف ما نیز ذکر صرف طرح کلی تاریخ اسلام نیست، بلکه ما برآنیم تا به تحلیل تجاوز نظامی عربستان به یمن از دریچه این طرح بپردازیم. آنچه در ذیل می آید، حاصل این تلاش و کوشش است.

همان طور که گفتیم تاریخ نگاری هدف نوشته حاضر نیست، بلکه ما برآنیم که به تحلیل این حمله از منظر طرح کلی تاریخ اسلام بپردازیم که تاریخ اسلام نیز دارای ویژگی های مشخصی بوده است، به نحوی که می توان گفت این تاریخ دارای مؤلفه ها و الگوهای مشخصی برای تحلیل پدیده های بعدی تاریخ اسلام است. یکی از مؤلفه های همیشگی تاریخ اسلام، جدال ظالمان و مظلومین و همچنین قیام و جنبش مظلومین برای احقاق حق خود است. در واقع در یمن نیز مردم مسلمان این کشور که از درد و رنج حاکم ظالم این کشور (عبدربه منصور هادی) به ستوه آمده بودند، علیه این نظام قیام کردند.

مؤلفه دیگر تاریخ اسلام، واقعیت حاکمیت حاکمان فاسد و ظالم در جهان اسلام است که

ائتلاف با ظالمین خیر، از مظلومین دفاع کنید.

در بحبوحه حمله عربستان به یمن و ائتلاف کشورهای عربی (بحرین، قطر، امارات و...) با آل سعود، واقعیت به بیراهه رفتن تاریخ اسلام بار دیگر خود را نشان داد. در این مورد به جای اینکه مسلمان ها طرف ملت بی دفاع یمن را بگیرند و از خود و از سیاستمداران شان بپرسند که جرم این ملت بی دفاع و فقیر چیست، یا سکوت کردند و با سکوتشان چراغ سبزی را به آنان نشان دادند و یا اینکه عملاً از این حمله حمایت کردند. در واقع مشخص شد که خریدهای نظامی چند صد میلیارد دلاری این کشورها برای چه امری بوده است. آنان برای خود فرماندهی ای درست کرده و با هواپیماهای گران قیمتشان عکس یادگاری می گرفتند و با افتخار اخبار جنگ را منتشر می کردند. در واقع انسان از آن همه خرید هواپیما، موشک، تانک و... برای کشتن بچه ها، زنان و آدم های بی دفاع تعجب می کند. به راستی که این سعودی ها و هم قطاری هایشان، عجب انسان هایی هستند. در واقع یهودیان در پیش روی آنان و در روز روشن، آمدند و سرزمین فلسطین را اشغال کردند و تا می توانستند نیز مسلمان کشتند و آواره کردند، اما هیچ گاه یک چنین ائتلاف سخت و محکمی در مقابل رژیم سهیونیستی تشکیل نشد و حتی آنان کم کم با رژیم سهیونیستی نیز کنار آمدند و در حال حاضر با این رژیم، شراکت بلندمدت داشته و نمی توانند نبود این رژیم را تحمل کنند.

آمریکان نیز به بهانه های مختلف وی پی ای و اساس، هر چند وقت یک بار یک لشکر کشی ای به عراق و افغانستان می کرد و جز قتل، غارت، ویرانی و ناامنی، حاصل دیگری برای مسلمانان باقی نمی گذاشت. پس چرا در این موارد رژیم سعودی و ائتلاف آن



مداخله نظامی در یمن، در ۲۵ مارس ۲۰۱۵ میلادی برابر با ۶ فروردین ۱۳۹۴، با حمله هوایی ائتلافی از کشورهای منطقه به رهبری عربستان سعودی به یمن با نام عملیات طوفان قاطعیت آغاز شد و از ۲ اردیبهشت با نام عملیات احیای امید ادامه یافت. در این حمله هواپیماهای ۵ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، کویت و بحرین به همراه مراکش، مصر، اردن و سودان مشارکت دارند و همچنین سوماتری نیز اجازه استفاده از پایگاه های نظامی خود را برای حمله داده است.

دست به سلاح نمی بردند؟ چرا زمانی که صدام کم کم در حال از دست دادن عقل خود بود و خیالاتی گشته و فکر می کرد که می تواند رهبر جهان عرب شود و به کشور ما (ایران) حمله کرد و به کوچک و بزرگ این مملکت نیز رحم نکرد، عربستان و بقیه کاری انجام ندادند و حتی از ایران حمایت نکردند و بی طرفی را نیز رعایت نکردند و کمک های میلیون دلاری در اختیار صدام قرار داده و سلاح و نیرو نیز برای او فرستادند؟ اگر شما به همین سوره نگاه کنید، مشاهده می کنید که حتی یک نفر نیز وجود ندارد که به این سعودی ها بگوید که نامسلمانان این چه کاری است که شما انجام می دهید؟ این که شما بلد نیستید با پول نفت و درآمد کشورتان چه کنید، آیا دلیل این امر می شود که طرح و برنامه ای بریزید تا کشور سوری را به جای اینکه بسازید، ویران کنید؟ کدام سیاستمدار عاقلی در منطقه ای که خود در آن زندگی می کند، ناامنی، جنگ و کشتار به راه می اندازد؟ شما به آمریکا و اروپا نگاه کنید که با همسایه های خود به چه نحوی برخورد می کنند. در واقع آنان جنگ هایشان را در کشورهای دورتر انجام می دهند، دلیل این کار چیست؟ زیرا آنان میدانند که همسایه با کشور خودشان هیچ تفاوتی ندارد. در واقع آنان می دانند که دود ناامنی و جنگ در همسایگی شان، به چشم خودشان نیز می رود اما هیچ گوش شنوایی وجود ندارد.

اما در این میان، ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران از همان لحظه اول شروع این لشکر کشی، رژیم سعودی - آمریکایی را محکوم کرده و عملاً در کنار مردم مسلمان و مظلوم یمن قرار گرفت. البته نه تنها در مسئله یمن، بلکه در مسئله فلسطین، سوریه، عراق و بحرین نیز ایران نه تنها سکوت نکرد، بلکه با صراحت اعلام کرد که قتل و غارت و برادر کشی را متوقف کنید و تاجایی هم که می توانست از مردم مسلمان و مظلوم این کشورها برای مقاومت در برابر جفاهای ظالمین حمایت کرد. از نظر ایران این امر که مردم یمن انقلاب کرده و دیگر نمی خواهند عبدربه منصور هادی بر آن ها حکومت کند، یک مسئله داخلی بوده و حق هر انسان و مسلمانی است که سرنوشت خود و کشورش را تعیین کند و یا تغییر بدهد و این مسئله هیچ ربطی به عربستان و یا آمریکا و سایرین ندارد. در واقع عربستان و یا هیچ کشور دیگری نمی تواند به صرف اینکه پول داشته و یا اینکه سلاح خریده است و بروی دستش مانده، بدون اینکه تهدید عملی ای از جانب کشوری مانند یمن متوجه این کشور باشد، تصمیمی بگیرد و به یمن حمله کند. ■



در حاشیه واژگان عالم

یک نگاه خودمانی به چند واژه سیاسی

تجربه هم صحبت شدن با بچه های علوم سیاسی و یا خواندن کتابها و مطالب سیاسی، بسیار جالب بوده و البته یک مقداری نیز سخت است، زیرا آنان از واژه ها و اصطلاحات سیاسی و یا آنچه ما به عنوان ایسم ها می شناسیم، استفاده می کنند. بعضی ها نیز البته از این ویژگی نهایت استفاده را کرده و به حدی سخت می نویسند و آن قدر ایسم و غیر ایسم به کار می برند که آدم از خواندن متن و یا گوش دادن به حرف هایشان چیزی نفهمیده و برای او تنها یک سر تکان دادن صرف می ماند. البته بد نیست که این را نیز بدانیم که استفاده از این واژه ها و آگاهی از آن ها به نوعی نشان می دهد که طرف مقابل تخصص سیاسی داشته و فقط یک چیزی را به صورت کوچه و بازاری نشنیده است. بسیاری اوقات این ها قصد این را دارند که بگویند علوم سیاسی و سیاست یک امر تخصصی است و تنها آگاهی از اتفاقات سیاسی در داخل و خارج، نمی تواند به معنای تخصص سیاسی باشد. خلاصه اینکه باید حواسمان باشد که یک زمانی در نزد آنان چیزی نگوییم و به واژه هایشان بی حرمتی نکنیم، بلکه باید سعی کنیم تا جایی که می توانیم از واژه هایشان بیاموزیم و معنای آن ها را نیز به زبان خودمان بفهمیم تا هم بتوانیم حرف هایشان را بفهمیم و هم اینکه اگر لازم شد، نظراتمان را با آنان در میان بگذاریم. البته جگله نیز نباید کرد و باید هر چند وقت یک بار، کم کم سعی کنیم تا یک واژه را یاد گرفته و از آن استفاده کنیم. در این نوشته نیز ما از هر کاری که از دستمان برمی آید، برای همین نیز در آغاز کار می خواهیم، دو یا سه واژه ای را که اخیراً هم در داخل و هم در رسانه های خارجی بسیار زیاد استفاده می شود، به زبان شما و برای خودمان توضیح دهیم:

کاپیتالیسم یا میدانی برای مسابقه ثروتمندان

در کاپیتالیسم، جامعه و یا محل زندگی انسانها به میدان مسابقه تبدیل میشود. البته نه میدانی برای همه، بلکه تنها برای ثروتمندان. در واقع خانه، خوراک، لباس، تحصیل، ماشین، عشق و ... به گونه ای طراحی می شوند که صحنه مسابقه به هم نریزد تا ثروتمندان بتوانند در همه این زمینه ها رقابت

کرده و سود ببرند. مشکل در اینجا است که این رقابت تنها در داخل کشور خودشان نیست، بلکه کم کم مسابقه را در داخل کشورهای دیگر نیز ادامه می دهند. در کاپیتالیسم مردم باید به گونه ای کار کنند که به نفع سرمایه دار بوده و در واقع نفع بیشتر کار از آن او باشد. در این سیستم، مردم باید سیستم غذایی خود را نیز تغییر دهند و فست فود و غذای آماده شرکت های بزرگ را مصرف کنند و همچنین در رستوران های معروف غذا بخورند و گوش به زنگ تبلیغ غذاها و نوشیدنی های مد روز باشند. در واقع باین کار، کم کم رقابت در مصرف نیز در میان مردم عادی رواج یافته و ثروتمندان برای خالی کردن جیب مصرف کننده رقابت می کنند و در مقابل مصرف کنندگان نیز برای پر کردن جیب ثروتمندان لباس مردم نیز باید به گونه ای باشد که به مذاق ثروتمندان خوش آید. در واقع در این سیستم، شخصیت انسان از ظاهر او مشخص می شود؛ یعنی هر اندازه که لباس شما گران تر باشد، آدم حسابی تر هستید و هر چه که مارک لباس های شما مشهورتر باشد، احترامتان نیز بیشتر است و همچنین هر اندازه ای که در پوشش خود تنوع بیشتری به خرج دهید، بیشتر با شما معاشرت خواهند کرد. ساختن خانه نیز در کاپیتالیسم به صورت مسابقه ای و مطابق با طبع ثروتمندان است. در این سیستم، خانه دیگر محل زندگی و یا یک سرپناه نیست، بلکه نماد شان و جایگاه اجتماعی و احترام افراد است. بزرگی خانه و امکانات حاشیه ای و معماری داخلی آن عرصه اصلی رقابت و چشم هم چشمی می شود. در این سیستم زمانی که در یک کشور دیگر جایی برای رقابت و پول درآوردن نباشد، کم کم به کشورهای دیگر نیز رفته و بساط خود را در سرزمین های دیگر نیز پهن می کنند. همچنین کم کم برندهای خود را در دل و بر زبان مردم جای انداخته و عادات غذایی و زندگی مردم را در راستای کمپانی های تولیدی خود تغییر می دهند. ■

لیبرالیسم یا مجوزی برای رقابت ثروتمندان

لیبرالیسم بسیار پیچیده، تودرتو و متناقض است. در این مورد، انسان در نهایت متوجه نمی شود که آزاد شده یا اینکه آزاد بوده و در حال حاضر دیگر آزاد نیست. آیا تعهد به خداوند، وجدان و اخلاق اجتماعی آزادی است یا اسارت در دست افراد پولدار دنیا و بنده پول، زندگی، مصرف و مادیات شدن؟ لیبرالیسم یعنی آزادی و اگر بپرسیم که آزادی از چه و برای چه، می گویند آزادی از دین، خدا و

کاپیتالیسم، سیستمی که در آن مالکیت خصوصی سرمایه تعیین کننده چهره اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خاص آن سیستم باشد، سرمایه داران حاکمان جامعه هستند و از نیروی تولیدی جامعه به نفع خود بهره می گیرند که این سود از راه کمتر پرداختن به کارگران به دست می آید؛ یعنی کمتر از مبلغی که در حد ارزش تولید کارگران است.

آزادی برای مادیات. اتفاقاً این معادله به صورت برعکس بهتر جواب می دهد؛ یعنی اگر انسان بنده خداوند باشد، بیشتر احساس آزادی و آزادی می کند، زیرا می داند که قادر اصلی او است و افراد ثروتمند دنیا قادر نیستند، حتی می توان گفت آنان ظالم هستند و نباید زیر بار حرف زور هیچ کسی دردنیا به جزیام دین - که همان خداوند است - رفت. اگر کمی دقت کنیم و میان این واژه و واژه قبلی یعنی کاپیتالیسم ارتباط برقرار کنیم، متوجه می شویم که منظور از طراحی این واژه این بوده است که موانع را از سر راه رقابت سرمایه داران بردارند و یا اینکه احتمالاً خود سرمایه داران این واژه را طراحی کرده اند، زیرا زمانی که انسان تعهد، وجدان و دین نداشته باشد، به راحتی و برای اینکه به هدف خود دست یابد، از انسان های دیگر استفاده می کند و به عنوان مثال آن ها را وسیله ای قرار می دهد تا با آنان پول در بیاورد یا اینکه مزد آنان را کمتر بدهد و کار بیشتری نیز از آنان مطالبه کند. با این وجود لیبرالیسم اجازه نامه کار سرمایه داری است. جامعه اگر لیبرال شود، بیشتر با سرمایه داری پیش می رود و از هر چیزی که از او طلب تعهد و اخلاق نماید، متنفر می شود؛ از جمله از همون فقر خود. در واقع آنان فقر را به صورت دو دو تا چهارتا تعبیر کرده و می گویند فقیر کار نکرده و فقیر شده است، اما نمی گویند که شاید ناتوان بوده و یا اینکه سرمایه و فرصتی نداشته است و ... در واقع کمک کردن به این گونه افراد برای آنان به نوعی اتلاف سرمایه به حساب می آید. ■

لیبرالیسم به معنای آزادی خواهی و لیبرال به معنای آزادی خواه و هوادار آزادی است؛ به عبارت دیگر لیبرالیسم جنبشی است که هدف آن آزادی فردی است؛ یعنی باید انسان را از هر نوع حاکمیت جبری و دارای اختیار تمام و کمال باشد. از این رو پایه های لیبرالیسم عبارتند از آزادی فردی و دفاع از بخش خصوصی و فارغ بودن از حاکمیت دین و داشتن دولت حداقلی.

همه مصیبت های یک ملت برای گرفتن حقش!

سیاست تازه

نفت ملی شد، انرژی هسته ای چه؟

نهایت نیز یک چیزی به شاه شما می دهیم تا کارها به خوبی پیش برود. این امر ادامه یافت، حتی گاهی به توتون و تنباکوی مردم نیز رحم نکرده و صدای قلبان را نیز خفه می کردند. جالب اینجا است که تنها منابع نبود که سند آن از برای ما نبود، بلکه حتی سیاست، فرهنگ و ... ما نیز به همین صورت شده بود. آنان وارد کشور ما شده و هر کاری را که می خواستند، انجام می دادند، اما کسی جرئت آن را نداشت که بگوید چرا هتک حرمت و ناموس شد، زیرا آنان می گفتند که ما مصونیت قضایی داریم و به شاه مملکت نیز می گفتند چه کاری انجام دهد و به کجا برود. خلاصه اینکه آنان همه چیز ما را در اختیار خود گرفته بودند. البته بدی این وضعیت در این بود که ما خودمان نیز خبر نداشتیم که چه خبر است (به جر بعضی از افراد). حتی شاه مملکت نیز خبر نداشت که این ها در این کشور چه کاری انجام می دهند. البته شاید هم می دانست که مهره آن ها است و برای همین نیز شاه بودن خود را از سوی مردم کشور خود نمی دانست، بلکه صاحب سند را آمریکا تلقی می کرد.

با ادامه پیدا کردن این وضعیت، کم کم افرادی پیدا شدند که برایشان بسیاری چیزها مهم بود، از جمله این که ما که هستیم؟ چه چیزی داریم؟ قصد داریم به

می گویند که کشور ما همه چیز دارد و ما بر روی گنج نشسته ایم، زیرا نفت، معدن، کشاورزی، جمعیت، کوه، جنگل، کویر و ... داریم. خوب در این صورت، پس ما می توانیم با استفاده از امکانات خودمان پیشرفت کرده و توسعه پیدا کنیم. اتفاقاً چندین بار نیز استارت کار را زده و شروع هم کرده ایم، اما یک مشکل بسیار بزرگ بر سر راه وجود داشت و آن هم این بود که به نظر می رسد سند همه آن گنج هایی که گفته شد کشور ما دارد، به نام ما نیست و صاحب دیگری داشته و ما خبری از آن نداشته ایم. چه جالب! یعنی چه؟ یعنی درست است که این ها در ایران شما قرار دارند و شما نیز ایرانی هستید، اما این بدین معنی نیست که هر طور که بخواهید و اراده کنید، با این گنج هایی که دارید، می توانید کار و تولید کنید. البته می گفتند این منابعی که شما دارید، از آن شما است، اما هم ما و هم خودتان مطمئن هستیم که شما می خواهید آن ها را به ما بدهید. در واقع نظر آنان این بود که شما به دنبال کار خود باشید زیرا ما می دانیم که این گنج ها را به چه صورتی کشف کنیم و به فروش برسانیم، در





ملی شدن نفت» معروف شد، هدایت می‌کرد. قانون ملی شدن صنعت نفت در واقع پیشنهادی بود که به امضای همه اعضای کمیسیون نفت در مجلس شورای ملی ایران در ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ به مجلس ارائه شد. کمیسیون نفت، کمیسیونی بود که در اول تیرماه ۱۳۲۹ در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی ایران، برای رسیدگی به لایحه نفت (معروف به لایحه گس-گلشانیان) تشکیل شد. همین کمیسیون پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را در اسفند ۱۳۲۹ به مجلس ارائه داد. سرانجام با تلاش‌های دکتر مصدق و همراهان وی، ماده واحده ملی شدن صنعت نفت در روز ۲۴ اسفند ماه سال ۱۳۲۹ در مجلس شورای ملی مطرح و در روز ۲۹ اسفندماه همان سال به تصویب رسید.

هدف عوامل وابسته به انگلیس این بود که قرارداد سال ۱۹۳۳ دوره رضاشاه را به دست دولت ساعد مراغه‌ای و با تصویب مجلس تنفیذ کنند، اما بر اثر فشار افکار عمومی، این هدف انگلیسی‌ها تأمین نشد و عمر مجلس پانزدهم به سر رسید. لذا، نارضایتی انگلیس از حرکت ملی شدن صنعت نفت و تلاش برای برهم زدن این حق خواهی ملت ایران، امری کاملاً طبیعی بود. شرکت نفت انگلیس که به دلیل تاراج منابع نفتی ایران، دارای سرمایه هنگفتی شده بود، اکنون منافع خود را در خطر می‌دید. گسترش فعالیت‌های سیاسی پس از شهریور ۱۳۲۰، سبب گسترش مبارزات مردم و به ویژه توجه آنان به وضع قرارداد نفت شده بود. دکتر مصدق در مجلس و بیرون از آن، این جنبش را که به «نهضت

تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت ایران در روز ۲۹ اسفندماه سال ۱۳۲۹، نقطه عطفی در تاریخ سیاسی، اقتصادی و مبارزات مردم ایران برای نجات سرمایه‌های ملی این مرز و بوم از دست بیگانگان به شمار می‌رود. دکتر محمد مصدق حرکت بزرگی را در کشور آغاز کرد که سنگ بنای تفکر اقتصاد بدون نفت بود. مصدق در دوران مبارزات خود برای ملی کردن صنعت نفت، بارها بر این نکته تأکید داشت که ایرانیان باید خود منابع نفتی کشورشان را اداره و بهره‌برداری کنند. به دنبال تلاش‌های دکتر مصدق برای نجات سرمایه‌های کشور از دست بیگانگان، دربار پهلوی اجازه نداد تا وی در دوره پانزدهم مجلس، به مجلس راه یابد. در این دوره

همه انرژی‌ها حق مردم ایران است.

در مورد انرژی هسته‌ای نیز همین وضعیت برپایان به وجود آمد. در واقع خود ما با تلاش دانشمندان جوان کشور و با استفاده از منابع اورانیوم سرزمینمان، فناوری هسته‌ای را به دست آوردیم. در اینجا نیز همان قصه همیشگی برای ما اتفاق افتاد که گفتند شما حق ندارید از انرژی هسته‌ای استفاده کنید و به ما تهمت زدند که شما می‌خواهید بمب اتم بسازید و غیره. اما ما مقاومت کرده و گفتیم که طبق فتوای رهبر معظم انقلاب، ما اصلاً داشتن بمب اتم را حرام می‌دانیم. در همین راستا بازرسی‌های خودشان از طریق سازمان بین‌المللی انرژی اتمی نیز مشخص کرد که ایران اصلاً به دنبال سلاح اتمی نبوده است. خلاصه اینکه از جانب ما مقاومت و از سمت آنان نیز تهمت و تحریم آغاز شد. تحریم و قطعنامه پشت تحریم و قطعنامه، آن‌هم به این دلیل که مردم ایران، حق استفاده از انرژی هسته‌ای را ندارند. ما از آنان راه‌حلی برای این کار می‌خواستیم و آنان نیز در پاسخ می‌گفتند که انرژی هسته‌ای باید جمع شود و شما دیگر نباید هرگز به سراغ چنین کارهایی بروید. در این راه حتی به ترور دانشمندان جوان هسته‌ای کشور نیز اقدام کردند و دانشمندانی چون شهریاری، علی‌محمدی و رضایی‌نژاد را ترور کردند. در نهایت نیز خود آنان پیشنهاد مذاکره را دادند اما در حین مذاکره نیز همان حرف‌های گذشته را تکرار کردند که شما نباید انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز داشته باشید و چندین بار مذاکره در آلماتی، استانبول و وین انجام شد تا اینکه فهمیدند رهبر معظم انقلاب و مردم ایران از حق خود نمی‌گذرند و نهایت نیز دولت آقای حسن روحانی به وین رفت و با ۱+۵ مذاکره کرد و نهایتاً توافق جامع هسته‌ای امضا شد. اما جالب اینجا است که هر چند این توافق برای ما به این معنی نیست که ما صنعت هسته‌ای‌مان را ملی کرده باشیم، اما پنج مساوی با یک، زیر بار این مقدار نیز نرفته و تعهدات خود را در مورد لغو تحریم‌ها به جا نمی‌آورد و دائماً بهانه‌تراشی می‌کند. در واقع این وضعیت نشان می‌دهد که صنعت هسته‌ای هنوز هم ملی نشده و ما باید به مقاومت خود در این راستا ادامه دهیم. ■

در ماجرای نفت نیز علناً نشان دادند که ابتدا باید چیزهایی را که دارید و آن گنج‌هایی را که در سرزمینتان وجود دارد، پس بگیرید، سپس به برنامه‌ریزی، کار و پیشرفت اقدام کنید. حال مسئله کمی روشن شد. پس نتیجه می‌گیریم که ما ابتدا باید ثابت کنیم که گنج‌هایی را که داریم، می‌خواهیم و سند آن را نیز از آمریکا باز پس بگیریم، سپس اگر خواستیم کاری انجام دهیم، با نام و یاد خداوند شروع به کار کنیم.

تاریخ را که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که ما در ماجرای ملی شدن صنعت نفت ابتدا این کار را کردیم؛ یعنی ابتدا نفتی را ملی کردیم که سندش در دست انگلیسی‌ها بود و در نهایت بعد از تلاش‌های مصدق و آیت‌الله کاشانی و همراهی مردم، توانستیم نفت را از آن خود کنیم. در واقع انقلاب سال ۱۳۵۷ نیز به نوعی ملی کردن بود، اما این بار ما سیاست، فرهنگ و بسیار چیزهای دیگر را ملی کردیم. پس با این حساب ملی کردن بسیار مهم است. حال که این مسئله را گفتیم، بد نیست یک مقداری هم در مورد ملی کردن بگوییم.

ملی کردن و یا ملی شدن صنایع هر چند ممکن است با منطق اقتصادی صرف سرمایه‌داری و منافع آمریکا کاری بیهوده و حتی زیان‌آور باشد، اما اگر از زوایای سیاسی و یا فرهنگی و نیز با دید بلندمدت و کلان به آن نگاه شود، کاری بسیار گران‌مایه، ارزشمند و دوران‌ساز است که می‌تواند سرنوشت یک ملت را دچار تغییری مثبت در جهت توسعه و استقلال سیاسی و اقتصادی بومی کند. از این جهت، هر چند ملی کردن صنعت نفت در دهه ۱۳۳۰ حرکتی غیراقتصادی و زیان‌ده بود -که نمیتوانست سود و درآمد داشته باشد- اما همین حرکت راهی را در پیش پای سیاست، اقتصاد و فرهنگ کشور گذاشت که به نوعی تحولات بعدی کشور از جمله انقلاب اسلامی نیز تا حدودی تحت تأثیر اندیشه‌های منبعث از این نهضت بود. از آن زمان مدتی گذشت تا اینکه انقلاب شد و ما سیاست، فرهنگ و بسیاری چیزهای دیگر را نیز ملی کردیم. جالبترین قسمت ماجرا در اینجا است که ما سرزمینمان را نیز ملی کردیم و صدام با این ادعا که خوزستان برای شما نیست، به کشورمان حمله کرد و ۸ سال با ما جنگید تا اینکه ما سرزمینمان را نیز ملی کردیم.

کجا برویم؟ و در حال حاضر چرا به سوی بیراهه می‌رویم؟ از جمله این افراد کسانی چون: شیخ فضل‌الله نوری، مدرس، کاشانی و مصدق بودند. اینان به نوعی متوجه شده بودند که در ماجرای مشروطه ما چیزی که به دست نیآوریم هیچ، بلکه فرهنگ و دینمان را نیز از دست دادیم و یا در ماجرای آمدن رضاخان و بحث جمهوری شدن مملکت، مشاهده می‌کردند که فکر و نقشه از آن کیست، زیرا رضاخان را چه به جمهوریت.

معنای تحریم این است که همه آنچه را که یک کشور برای رشد و پیشرفت و زندگی مناسب اقتصادی نیاز دارد، از او بگیرند تا اینکه از اهداف مقدسی ملی کردن و یا ملی شدن صنایع هر چند ممکن است با منطق اقتصادی صرف سرمایه‌داری و منافع آمریکا کاری بیهوده و حتی زیان‌آور باشد، اما اگر از زوایای سیاسی و یا فرهنگی و نیز با دید بلندمدت و کلان به آن نگاه شود، کاری بسیار گران‌مایه، ارزشمند و دوران‌ساز است که به خاطر آن‌ها هزاران شهید را در جبهه از دست داده است، فراموش کند و تسلیم آن‌ها شود.



آیا همیشه برای پرواز، به خلبان نیاز است؟

حسگرها مانند چشم و گوش در انسان‌ها عمل می‌کنند و پردازنده مرکزی مانند مغز انسان عمل می‌کند.

پهباد چیست؟

پهباد، وسیله‌ای پرنده‌ای شکل است که به صورت هواپیما یا بالگرد ساخته می‌شود و برای هدایت آن کسی سوارش نمی‌شود. پهبادهای قدیمی به وسیله دستگاه‌های کنترل از راه دور هدایت می‌شدند، اما امروزه پهبادها تا حدود زیادی هوشمند شده و با دریافت مأموریت از انسان، تصمیم‌گیری‌هایی نظیر کنترل اجزاء و شناسایی مکان خود و همچنین مسیریابی را خودشان انجام می‌دهند.

پهباد چگونه بدون خلبان پرواز می‌کند؟

هواپیمای معمولی، نیازمند خلبان است تا عملکرد هواپیما را تحت نظر داشته باشد و آن را کنترل کند، اما پهباد، خود محیط و وضعیتش را حس می‌کند و برای هدایت خود نیز تصمیم می‌گیرد. در واقع پهباد، ابزارهایی مانند رادار، دوربین و تجهیزات رادیویی دارد که به وسیله آن‌ها، محیط و وضعیت خود را حس می‌کند که به این ابزارها «حسگر» می‌گویند؛ حسگرها اطلاعات دریافتی را به «پردازنده مرکزی» پهباد می‌دهند. حسگرها نیز مانند چشم و گوش در انسان‌ها عمل می‌کنند و پردازنده مرکزی نیز مانند مغز انسان عمل می‌کند. همان‌طور که مغز انسان با دریافت تصویر از چشم و صدا از گوش، تصمیم می‌گیرد که بدن انسان چه کاری انجام دهد، پردازنده مرکزی در پهباد نیز پس از دریافت اطلاعات از حسگرها، دستورات لازم را به بال‌ها و ابزارهای کنترل‌کننده پهباد می‌دهد و به این ترتیب، پهباد را کنترل می‌کند.

برای مثال پهباد با حسگر «رادیویی» خود می‌تواند محل خود را در نقشه‌ای که درون حافظه‌اش ذخیره شده است، پیدا کند و با بررسی مقصد خود در نقشه، جهت حرکت پهباد را تعیین کند.

پهبادها به چه کاری می‌آیند؟

در واقع پهبادها به درد بسیاری از کارها می‌خورند. همچنین باید توجه داشت که پهبادها در مقابل وسایل پرنده با سرنشین، بسیار ارزان‌تر هستند. از طرفی نیز ابعاد بسیار کوچک آن‌ها نیز از مزیت‌های مهم آن‌ها است. پهبادها در زمینه‌های مختلفی به کار گرفته می‌شوند که یکی از کاربردهای بسیار مهم آن‌ها در زمینه نظامی است. امروزه ارتش‌های دنیا مجهز به پهبادهای مختلفی هستند که از ابعاد کوچک که درون کوله‌پشتی سرباز جا می‌شوند گرفته تا پهبادهایی به اندازه هواپیماهای جنگنده و مجهز به انواع موشک هستند. بعضی از آن‌ها برای جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات از موقعیت دشمن استفاده می‌شود و بعضی دیگر نیز برای حمله.

پهبادها در نقشه‌برداری‌های هوایی، کاربردهای هواشناسی، حمل و نقل اشیاء، امداد رسانی، تفریح و سرگرمی، فیلم‌برداری از ارتفاعات زیاد و مصارف بسیار دیگر کاربرد دارند. شاید شما نیز بتوانید با کمی تفکر، زمینه‌هایی را برای به کارگیری پهبادها پیشنهاد دهید. به عنوان مثال، فروشگاه اینترنتی آمازون تصمیم دارد تا از پهبادها برای ارسال سریع محصولات خود به مشتریان استفاده کند. البته این پروژه هنوز در مرحله بررسی و تحقیقات است. ■



تصاویری از انواع پهبادها

(در اشکال مختلف: ۱- هواپیما، ۲- بالگرد و ۳- نوع خاصی از پهباد پروازها)



۱۷۰-۲۰۰ ایرانی - بنا بر مأموریت تعریف شده سیاه برای مدل ایرانی RQ از این پهباد به عنوان بمبافکنی رادار کوپر علیه نمونه‌ای آمریکایی استفاده خواهد شد. این پهباد، نمونه‌ای است که در واقع مشابه یکی از مدرن‌ترین پهبادهای آمریکایی ساخته شد. این پهباد آمریکایی، یعنی ۱۷۰-۲۰۰ توسط نیروهای مسلح ایران در آذرماه ۱۳۹۰ شکار شد. جالب است بدانید که شکار این پهباد به وسیله همراه کردن حسگر موقعیت‌یاب جغرافیایی آن صورت گرفت.

برد بلندترین پهباد ایرانی فطرس نام دارد که این پهباد در سال ۱۳۹۳ به طور رسمی معرفی شد. دو شاخص مهمی که در این پهباد قابل توجه است، برد فزاینده از ۲۰۰۰ کیلومتر و شکل ظاهری دماغه آن است که نشان دهنده قابلیت ارتباطات ماهواره‌ای است.

شاهد ۱۲۹ - با معرفی این پهباد، نقاب‌های در فواصل ۲۰۰۰ کیلومتری نیز در دبدرس و تیررس نیروهای مسلح کشورمان قرار گرفت.

ایبیل اس با قابلیت ارسال تصاویر و پرواز تا ارتفاع ۱۳۰۰۰ پا بیش از ۴ کیلومتر





می خواهی مهندس متالورژی شوی؟

آشنایی با رشته مهندسی مواد و متالورژی

به دانشجویان این رشته موارد زیر آموزش

داده می شود:

- تبدیل منابع معدنی و شیمیایی به مواد فلزی، سرامیکی و پلیمری؛

- بازیابی و ایجاد موادی با خاصیت های ویژه برای صنایعی مانند خودروسازی، هوافضا و الکترونیک.

- بهبود خصوصیات مکانیکی، شیمیایی و فیزیکی مواد با ایجاد تغییرات در دستورالعمل های تهیه و ساختار مواد.

- دانش کافی برای انتخاب بهترین مواد برای کاربردهای مختلف صنعتی.

برای ورود به این رشته، در چه دروسی باید خود را تقویت کنید؟

برای ورود به این رشته باید دروس شیمی و فیزیک را به خوبی یاد گرفته باشید. البته نباید فراموش کرد که ریاضی در همه رشته های مهندسی جایگاه ویژه خود را دارد و باید بیشتر به آن پرداخت. در واقع اگر می خواهید که مهندس موفقی در این رشته باشید، باید برای دانستن مطالبی در مورد خاک، فلزها و آلیاژها، طرز تهیه سیمان، مصالح و موادی که از زمین استخراج می کنند و ذوب و شکل دادن فلزات، خودروسازی و هوافضا، در وجودتان احساس علاقه کنید.

فرصت های شغلی این رشته چیست؟

شما به عنوان مهندس مواد و متالورژی می توانید فرصت های شغلی خوبی در صنایع تولید فولاد، ذوب آهن، صنایع خودروسازی، صنایع هوا- فضا، صنایع نظامی و صنعت نفت و پتروشیمی، کارخانجات تولید قطعات فلزی (مانند صنایع ریخته گری، متالورژی پودر، فولادسازی، صنایع دفاع، هواپیما سازی، کشتی سازی، تراکتور سازی، خودروسازی و ساخت قطعات مختلف وسایل خانگی از جمله یخچال، کولر، ماشین لباسشویی، تلویزیون و ضبط صوت)، صنایع ساختمان سازی، معادن و صنعت سیمان بیابید. با کسب تجربه بیشتر به رده های بالاتر مانند مدیریت پروژه، متخصص گروه خاصی از مواد، کار در حوزه تحقیقات و مشاوره دست خواهید یافت. ■

مهندسی مواد و متالورژی به

چه کاری می آید؟

آیا تا کنون می دانستید که قطعاتی در دستگاه های کارخانه های نساجی وجود دارد که در اثر ساییده شدن طولانی مدت توسط نخ ها (حتی اگر از فولاد هم باشند)، خورده شده و می شکنند؟

آیا می دانستید که وقتی موتور هواپیماهای جت و موشک ها روشن می شود، چنان حرارتی تولید می کند که بسیاری از فلزات را ذوب می کند؟ آیا تا به حال دقت کرده اید که به چه راحتی فلزاتی که در معرض باران و رطوبت قرار می گیرند، زنگ زده و خورده می شوند؟ به همین دلیل نیز برای تولید قلب، مفاصل و استخوان مصنوعی، نمی توان از آن ها استفاده کرد.

آیا تا به حال از خود پرسیده اید که کوره های ذوب سنگ های معدنی از چه موادی تهیه شده اند که خودشان ذوب نمی شوند؟

آیا از خود پرسیده اید که چرا قطعات فلان خودرو با کیفیت، سال های سال، سالم مانده و به خوبی کار می کند، اما قطعات خودروی دیگر در زمانی کوتاه مستهلک شده و از کار می افتد؟

آیا برای شما نیز اتفاق افتاده است که با پیچ گوشتی، قصد باز کردن پیچی را داشته باشید اما به جای آنکه پیچ باز شود، پیچ گوشتی کج شده یا اینکه بشکند؟ یا آنکه آن قدر پیچ بی کیفیت باشد که بشکند و دیگر نتوانید آن را باز کنید؟

آیا می دانید که در ساخت ساختمان های ضد زلزله از چه مصالحی استفاده می کنند که توان مقاومت در برابر تکان های شدید زمین را دارند؟

پاسخ این سؤال ها و بسیاری از سؤالات دیگر را که مربوط به خواص مواد و فلزات و نحوه به کارگیری آن ها می شود، می توان در دانشگاه و در رشته مهندسی مواد و متالورژی پیدا کرد.

در رشته مهندسی مواد و متالورژی چه چیزی را آموزش می دهند؟

رشته مهندسی مواد و متالورژی نقش کلیدی در همه کارهایی دارد که مواد خام را به محصولاتی مفید برای نیازهای انسان تبدیل می کنند. در این رشته، دانشجویان می آموزند که خواص مواد مختلف چیست و چگونه می توان از مواد اولیه، موادی با خواص مورد نیاز ایجاد کرد و در مصارف مختلف صنعتی و حتی پزشکی به کار گرفت.

کجا از ابر بهتر؟

درباره رایانش ابر بیشتر بدانیم



وسایلتان را درون ابر بگذارید!

ای کاش نیاز نبود که کیف و کتابم را همراه با خود حمل کنم. کاش می‌شد از هر کتاب و دفتری دو تا داشته و یکی را در خانه می‌گذاشتم و دیگری را در مدرسه تا دیگر نیاز نبود که همراه خود کیفی ببرم. البته در این صورت یک مشکل وجود دارد که آن هم این است که اگر در مدرسه چیزی را یادداشت کنم، در آن یکی کتاب یادداشت نمی‌شود. اصلاً کاش می‌توانستم وسایلم را درون چیزی قرار دهم که همه جا قابل دسترسی باشند. فهمیدم، آسمان! هرجایی که بروم آسمان بالای سرم قرار دارد. شاید درون یکی از ابرهایی که در آسمان قرار دارد، جای خوبی برای وسایلم باشد. آیا تا به حال بی‌نمک‌تر از جمله بالا شنیده بودید؟

جالب اینجا است که همین جمله بی‌نمک، ایده اصلی یکی از بزرگ‌ترین تحولات سال‌های اخیر در زمینه رایانه و اینترنت است: رایانش ابری!

معایب

- نیاز به اتصال دائمی به اینترنت دارد: اگر یک ارتباط اینترنتی نداشته باشید، نمی‌توانید به هیچ چیزی، حتی اسناد خودتان دسترسی پیدا کنید.
- با اتصال‌های اینترنتی کم‌سرعت کار نمی‌کند: ارتباط اینترنتی کم، استفاده از رایانش ابری را با دردسرهای فوق‌العاده‌ای همراه می‌کند و اغلب اوقات استفاده از آن را غیرممکن می‌سازد.
- می‌تواند کند باشد: حتی در یک ارتباط اینترنتی سریع نیز، برنامه‌های کاربردی تحت وب گاهی اوقات می‌توانند کندتر از همان برنامه نرم‌افزاری نصب شده در رایانه خانگی باشند.
- ویژگی‌ها ممکن است محدود باشند: بسیاری از برنامه‌های کاربردی مبتنی بر وب به اندازه هم‌تای دسک‌تاپ خود دارای ویژگی‌ها و امکانات غنی نیستند.
- ضرورت دقت بیشتر در مسائل امنیتی: با سهل‌انگاری در نگهداری اطلاعات ورود به فضای ابری، تمامی اطلاعات در خطر دسترسی دیگران قرار می‌گیرد.

مزایا

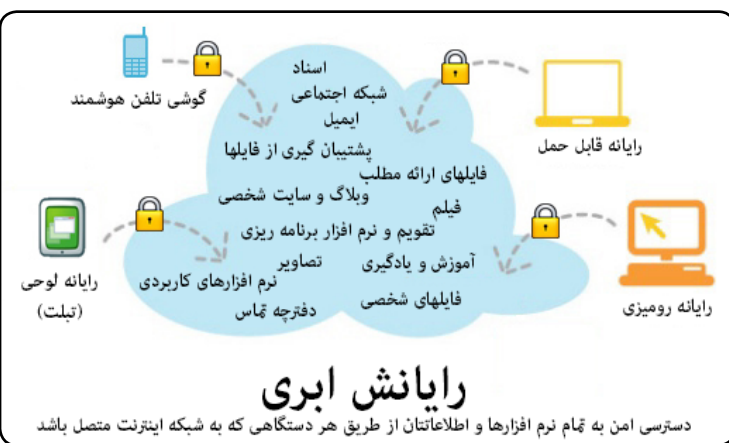
- دسترسی آسان از همه جا: اسناد و فایل‌ها بر روی ابر می‌مانند که شما می‌توانید از هرجایی که یک رایانه و اتصال اینترنتی وجود داشته باشد، به آن دسترسی پیدا کنید.
- هزینه‌های رایانه‌ای کم‌تر: شما برای اجرای برنامه‌های کاربردی مبتنی بر وب، نیازی به استفاده از یک کامپیوتر قدرتمند و گران‌قیمت ندارید.
- کارایی بیشتر رایانه خود: با وجود برنامه‌های کم‌تری که منابع رایانه شما، به خصوص حافظه آن را به خود اختصاص می‌دهند که شما شاهد کارایی بهتر رایانه خود هستید.
- هزینه‌های نرم‌افزاری کم‌تر: با توجه به اینکه بسیاری از خدمات ابری، رایگان و یا کم‌هزینه هستند، به جای خرید برنامه‌های نرم‌افزاری گران‌قیمت برای هر رایانه، شما می‌توانید تمام نیازهای خود را با کمترین هزینه برطرف کنید.
- ارتقای نرم‌افزاری سریع و دائمی: وقتی برنامه‌های کاربردی مبتنی بر اینترنت باشند، ارتقاها به صورت خودکار رخ می‌دهد.
- ظرفیت نامحدود ذخیره‌سازی: فضاهای ذخیره‌سازی ابری بسیار بزرگ‌تر از فضاهای رایانه‌های شخصی شما هستند.
- قابلیت اطمینان بیشتر به اطلاعات: اگر کامپیوترهای شخصی شما نیز از بین برود، تمام اطلاعات هنوز بر روی ابر وجود دارد و کماکان در دسترس شما هستند.
- همکاری گروهی ساده‌تر: چندین کاربر به طور هم‌زمان می‌توانند بر روی اسناد و پروژه‌ها کار کنند.
- مستقل از سخت‌افزار: شما دیگر مجبور نیستید به یک شبکه و یا یک رایانه خاص محدود باشید. کافی است رایانه خود را تغییر دهید تا ببینید برنامه‌های کاربردی و اسناد شما کماکان و به همان شکل قبلی، بر روی ابر در اختیار شما هستند.

رایانش ابری

رایانش یعنی محاسبات و ذخیره‌سازی و هر کاری که با رایانه در ارتباط است. ابر هم که کاملاً مشخص است که چیست. رایانش ابری یعنی به جای اینکه نرم‌افزارها، فایل‌ها، عکس‌ها، فیلم‌ها و... را در جاهای مختلف مانند رایانه خانگی، رایانه قابل حمل، گوشی تلفن یا رایانه لوحی خود در نسخه‌های متعدد نگهداری کنید، بهتر است همه را در یک جایی بگذارید که در همه جا و از همه این دستگاه‌ها به آن‌ها دسترسی داشته باشید. به این فضای ابری می‌گویند. حال برای اینکه بدانید این ابر چیست و در کجا است و چگونه درست شده است، ادامه مطلب را بخوانید.

چند نمونه

برای بررسی و استفاده چند نمونه از این خدمات رایانش ابری در ادامه معرفی می‌شود: گوگل درایو: خدمتی است از شرکت گوگل که به شما فضای ذخیره‌سازی چند گیگابایتی می‌دهد. برای دسترسی به آن کافی است drive.google.com را در نوار آدرس مرورگر اینترنت خود وارد کرده و برای ورود به آن از حساب کاربری ایمیل گوگل استفاده کنید. مزیت این فضای ذخیره‌سازی نسبت به رقبا این امکان اشتراک‌گذاری اسناد از طریق ایمیل گوگل است. البته برای دسترسی به فایل‌ها لازم است که مخاطب شما نیز حساب کاربری گوگل داشته باشد. گوگل داکز: خدمتی دیگر از شرکت گوگل برای ویرایش اسناد مختلفی است که توسط نرم‌افزارهایی مانند آفیس مایکروسافت تولید می‌شود؛ از جمله اسناد متنی، جداول، پرده‌نگار (پاورپوینت) و نمودارها. برای دسترسی به این خدمت، کافی است سندی را درون گوگل درایو بارگذاری کنید و در آنجا آن را باز کنید. راه دیگر وارد کردن docs.google.com در نوار آدرس است. اشتراک ویدیوی آپارات: سایت آپارات، امکان ایجاد کانال و بارگذاری فایل‌های ویدیویی در آن را به شما می‌دهد. به این ترتیب می‌توانید رسانه‌ای برای خود ایجاد کنید و ویدیوهای مورد نظرتان را با دیگران به اشتراک گذاشته و میزان مشاهده ویدیوهای خود را مشاهده کنید و همچنین مشتری رسانه‌های دیگران نیز بشوید.



رایانش ابری

دسترسی امن به تمام نرم‌افزارها و اطلاعاتتان از طریق هر دستگاهی که به شبکه اینترنت متصل باشد

این ابر چیست و در کجا است و چگونه درست شده است؟

در سال‌های اخیر تلاش‌های فراوانی شده است تا اینترنت در همه جا و با کمترین هزینه در دسترس همگان قرار بگیرد. در واقع این مسئله انگیزه‌ای شد تا اینترنت ابزاری برای ایجاد فضا و امکانات ابری شود. فضا، امکانات و نرم‌افزارهای ابری، فضا، امکانات و نرم‌افزارهایی درون رایانه‌های بسیار قدرتمند و پرسرعت هستند که به اینترنت متصل می‌شوند. از طریق نرم‌افزارهایی به کاربران اینترنت امکان استفاده از آن‌ها داده می‌شود. به عنوان مثال با ثبت نام در بعضی از سایت‌ها، فضاهای چند گیگابایتی به شما داده می‌شود که می‌توانید اسناد خود را از طریق اینترنت به آن ارسال کنید و از هر جا و هر دستگاهی که بخواهید آن‌ها را دریافت نمایید. بعضی از سایت‌ها نیز هستند که به شما نرم‌افزارهایی ارائه می‌دهند که نیاز نیست درون رایانه خود نصب کنید و به راحتی از درون مرورگر اینترنت خود می‌توانید با آن کار کنید. امروزه نرم‌افزارهای واژه‌پرداز، ویرایش تصویر و فیلم، تبدیل کننده‌های قالب‌های مختلف فایل، ویرایش اسناد اداری و غیره توسط رایانه‌هایی که گفته شد، از طریق اینترنت در دسترس کاربران قرار دارد.

سبک زندگی

من این سبکی ام!

رسیدن به شادی از طریق توجه به ارزش‌ها و اهداف معنوی، نیازهای اساسی، هدف‌دار بودن زندگی و محبت به خداوند امکان‌پذیر است.

اخمویا شاد؟

از مواردی که در زندگی دین‌داران بسیار مشهود است، تفریح، نشاط و شادمانی است. مواردی چون احادیثی که در ذیل می‌آید:

حضرت امام علی (ع) فرموده‌اند: «فرح و شادمانی موجب بهجت و انبساط روح و مایه تهییج وجد و نشاط است».

حضرت امام رضا (ع) نیز فرموده‌اند: «از لذایذ دنیوی نصیبی برای کامیابی خویش قرار دهید و تمنیات دل را از راه‌های مشروع برآورید، در این کار مراقبت کنید تا به مردانگی و شرافتتان آسیبی نرسد و دچار اسراف و تندروی نشوید. تفریح و سرگرمی‌های لذت‌بخش، شما را در اداره زندگی یاری کرده و با کمک آن، بهتر در امور دنیایی خویش موفق خواهید شد».

همچنین حضرت امام صادق (ع) فرموده‌اند: «خداوند به داود پیغمبر وحی فرستاد که ای داود! به وجود من شادی کن و از یاد من لذت ببر و با مناجات من منتعم باش».

اگر به زندگی دین‌داران نگاهی داشته باشیم، می‌توانیم نمونه‌های خاص و متفاوتی را مشاهده کنیم که نشاط آن‌ها را در زندگی، کاملاً نشان می‌دهد. به عنوان مثال یکی از عناصر مهم شادی، سفر، دید و بازدید، صله رحم، ورزش کردن و شوخی و خنده است. در موضوع شادی و نشاط، نمونه‌های متعددی از این دست در زندگی دین‌داران وجود دارد.

باید تلاش بیشتری کنیم تا شادی آن را در آن دنیا ببینیم و با انگیزه و شادی به تکالیفمان برسیم، به لذت اصیل نیز دست خواهیم یافت. ما برای دو روز برنامه داریم، اما اسلام آمده و می‌گوید که من برای یک عمر شما برنامه دارم. از این روزمانی که درباره آینده صحبت می‌کند، از کلماتی چون «یفرحون» و «فرحین» و «فرحاً» استفاده می‌کند. در واقع می‌گوید که می‌خواهم به توشادی ابدی را بدهم. با این وجود اسلام نمی‌گوید که صورت مسئله را پاک کرده و خود را مشغول نمایید و همه چیز را به فراموشی بسپارید که با این نگاه، لهو و لغو نقضی می‌شود. در خانه، پدر و مادر و بچه‌ها با هم بازی می‌کنند و همین تفریح، آن‌ها را برای تحقق هدفی متعالی‌تر آماده می‌کند.

عظمت اسلام نیز در این است که می‌گوید برای هر ۲۴ ساعت شبانه‌روز خود برنامه‌ریزی کنید. به عنوان مثال کسی که مجبور است به جای ۸ ساعت، ۱۵ ساعت کار کند، دیگر فرصت استراحت را نخواهد داشت و خستگی او موجب افت کیفیت کارش می‌شود. زمانی که فرصت رسیدن به خانواده را نداشته باشد، مشکلات اجتماعی به وجود آمده و زندگی از هم متلاشی می‌شود. به همین دلیل نیز اسلام می‌گوید که شادی و خوشی باید برای حفظ تعادل فرد وجود داشته باشد، اما باید مدیریت و تدبیر نیز شود.

رسیدن به شادی از طریق توجه به ارزش‌ها و اهداف معنوی، نیازهای اساسی، هدف‌دار بودن زندگی و محبت به خداوند امکان‌پذیر است. مطالعات انسان‌شناسی نشان داده است که دین‌ورزی قدمتی دیرینه داشته و دین جزء لاینفک زندگی بشری در تمام اعصار بوده است. در همین راستا نیز اگر نوجوان بخواند که شادی اصیل را درک کند، بی‌درنگ باید به شادی‌های عمیق و معنوی وجود خود متوسل شود و آن‌ها را در زندگی خود به کار ببرد تا روحیه سرشار از نشاطی داشته باشد و علاوه بر اینکه خود را شاد می‌کند، محیط خود را نیز شاد کرده و با دیگران نیز برخورد درست و صحیح داشته باشد. ■

به عنوان مثال، یکی از بهانه‌های مخالفان حضرت علی (ع) برای به حکومت نرساندن ایشان، این است که حضرت زیاد می‌خندید و آنان می‌گفتند با این ویژگی ایشان به کار خلافت نمی‌آیند.

شادی کوتاه‌مدت و شادی بلندمدت

اسلام در تمام مراحل زندگی برای انسان برنامه قرار داده است. هر چیزی که به این هدف کمک کند، برای او ارزش دارد و هر چیزی که هدف او را نقض کند، مذموم است. به همین دلیل فردی که کنکور دارد، اگر دوستانی داشته باشد که او را از درس خواندن دور کنند، به خاطر هدفی که دارد، رابطه‌اش را با آن‌ها کمتر می‌کند. در واقع کم کردن این رابطه موجب شادی زیادی می‌شود که در آینده‌ای نه چندان دور به دست خواهد آمد. در صورتی که همین فرد می‌توانست به دنبال شادی‌های زودگذری باشد که موجب اتلاف عمر او شده و صرفاً وقتی را با دوستان خود بگذراند و چیزی نیز عاید او نشود و حتی می‌توانست دچار سرگرمی‌هایی شود که لباس شادی را به تن دارند، اما در زیر این لباس، آفت زندگی یک نوجوان باشد که آینده او را سیاه و کدر می‌کند؛ مانند دوستان ناباب و یا استعمال دخانیات و غیره.

حتی اگر شما به زندگی همان افرادی که به شادی‌های بلندمدت ما اعتراض می‌کنند - که شما در زندگی نشاط ندارید - رجوع کنید، مشاهده می‌کنید که برای تحقق اهدافشان از بسیاری خوشی‌های زودگذر گذشته و آن‌ها را نادیده می‌گیرند. اگر به این قضیه شادی با نگاه کلان نگاه کنیم و ببینیم که این دنیا صرفاً موقتی است و

و افراد سودجو با تبلیغات گسترده در شبکه‌های تلویزیونی و محیط مجازی به خورد افراد می‌شود، عمل‌های جراحی خطرناک و ...

در این نوشتار ما به دنبال این هستیم

که با ارائه یک برنامه تغذیه‌ای طب سنتی به نوجوانان کمک کنیم تا قد خود را افزایش دهند. البته باید به دو علت شایع برای کوتاهی قد نیز توجه داشت. علت اول کوتاهی قد، ژنتیک است؛ در این حالت نوجوان کوتاه‌قد است زیرا پدر و مادر کوتاه‌قد بوده‌اند. دومین علت شایع کوتاهی قد نیز تأخیر سرشتی در رشد است. علاوه بر این دو علت شایع، علل دیگری مانند بیماری

عمومی مانند سوءتغذیه، کمبود ویتامین‌های دی و کلسیم - که موجب نرمی استخوان می‌شوند - بیماری سلپاک که به حساسیت به پروتئین گندم منجر می‌شود، بیماری‌های مزمن مانند کم‌خونی، بیماری‌های التهابی و ... نیز می‌توانند موجب کوتاهی قد شود. پس ابتدا باید عامل بازدارنده افزایش قد را که شناسایی شده درمان کرد؛ یعنی اگر کم‌کاری تیروئید یا سوءتغذیه و ... دارید، آن را درمان کنید.

مواردی که موجب افزایش قد می‌شوند، عبارت‌اند از:

- ۱- ترک کامل غذای بیرون از خانه، فست فودها، کنسروها، سوسیس و کالباس، همبرگر و کاهش مصرف کیک و کلوچه‌های بازاری.
- ۲- استفاده از غذای خانه و پنج وعده در روز که ما متأسفانه بچه‌ها را نیز هم مجبور می‌کنیم تا همراه ما سه وعده غذا بخورند که این کار اشتباه است.
- ۳- استفاده از نان‌های سبوس‌دار، سبزی‌ها و میوه‌های فصل.

- ۴- مصرف ویتامین‌های ضروری بدن با مصرف آجیل و ۴ مغز، عسل، خرما و نخود و کشمش.
- ۵- حداقل روزی نیم ساعت از آفتاب بهره‌برداری.
- ۶- زمان خواب بین ساعت ۹ شب تا ۱۱ شب است که اوج ترشح هورمون رشد است و هورمون رشد در زمان استراحت و خواب ترشح می‌شود که اگر در این زمان خواب باشید، بهره‌رسان خواهید بود. و در غیر این صورت بهره‌ای از آن نخواهید برد. پس عادت کنیم که رأس ساعت ۹ بخوابیم و صبح زود نیز بیدار شویم و مصرف صبحانه نیز از الزامات است.

- ۷- مصرف روزانه لبنیات و شیر همراه با عسل.
- ۸- کتف و ستون فقرات را هر شب ۵ دقیقه با ملایمت با روغن سیاه‌دانه و یا بادام تلخ ماساژ دهید.
- ۹- ورزش شنا، دوچرخه‌سواری، بسکتبال، والیبال، پیاده‌روی تند نیز مفید است.
- ۱۰- انجام حمامات زیر نظر متخصص طب سنتی

روانشناسی

رشد قد در نوجوانی

یکی از اتفاقاتی که در دوره نوجوانی افراد از آن شکایات دارند و بسیار ذهن آن‌ها را به خود مشغول می‌کند، تغییرات جسمانی در این دوره است. در مواردی دیده می‌شود که نوجوانان از کوتاه‌قد بودن خود شکایت می‌کنند و نمی‌دانند که باید چه کاری انجام دهند تا قدشان افزایش پیدا کند. رسیدن به قد دلخواه چیزی است که بعضی افراد حاضرند برای رسیدن به آن، دست به هر کاری بزنند. حتی اعتماد کردن به روش‌های خطرناک و مضر مانند استفاده از قرص‌های شیمیایی‌ای که توسط شرکت‌ها



در مطالعه اولیه هدف شما گرفتن اطلاعات ابتدایی و کنجکاو کردن ذهن با گرفتن اطلاعات ساده و کم حجم مقدماتی است. اما روش دیگری که می‌توانید از آن برای افزایش میزان بازدهی و به خاطر سپردن بیشتر مطالب استفاده کنید، پرسش کردن قبل، هنگام و پس از مطالعه است. در واقع باید با کتاب شوخی کنید.

تعدادی از دانش‌آموزان هنگامی که تلویزیون تماشا می‌کنند و یا با دوستان خود صحبت می‌کنند، همیشه خوشحال‌اند، اما هنگامی که صحبت از کتاب و مطالعه می‌شود، جدی و درهم می‌شوند. در روان‌شناسی حافظه و یادگیری گفته می‌شود که مطالبی که بار هیجانی بیشتری دارند، بیشتر در حافظه می‌مانند و بهتر به خاطر آورده می‌شوند، زیرا موجب هیجان، علاقه، تمرکز و ورود مطلب به حافظه می‌شود. به عنوان مثال از شما پرسیده می‌شود که آیا همسایه ۸ سال پیش خود را به خاطر می‌آوردید؟ شما می‌گویید خیر. دوباره از شما می‌پرسند همان که ۲ بچه داشت، شما می‌گویید خیر به خاطر نمی‌آورم، همان که پدرش فروشنده لباس بود و شما باز هم به خاطر نمی‌آوردید. در نهایت به شما می‌گویند: همان که خانه‌شان آتش گرفت. در این صورت یک مرتبه همه چیز در ذهنتان زنده می‌شود، چرا که آتش گرفتن بار

هیجانی مؤثری داشته است. اگر چه آتش گرفتن، یک هیجان منفی در شما ایجاد کرده بود، اما در هر حال هیجان‌انگیز بوده و همین هیجان باعث می‌شود که شما خاطره آن آتش‌سوزی را به خوبی به خاطر بسپارید. به همین ترتیب شما می‌توانید برای این‌که مطالب درسی را بهتر و بیشتر به خاطر بسپارید با کتاب ارتباط عاطفی و احساسی برقرار کنید.

یکی از بهترین روش‌هایی که شما می‌توانید به همین منظور از آن استفاده کنید، این است که با کتاب شوخی کنید. این موضوع به علاقه و تمرکز شما نیز کمک زیادی می‌کند. در واقع هر چه می‌توانید به سخت‌ترین مطالب کتاب، بار هیجانی مثبتی بدهید و آن را بخوانید.

اگر بخواهید می‌توانید با زبان خوشایند خودتان با همه

مفاهیم کتاب شوخی کنید. به عنوان مثال، هنگامی که قسمتی از کتاب (درسی یا غیردرسی) برایتان خیلی جالب بود، در حاشیه آن بنویسید: «چه جالب». اگر برایتان تعجب آور بود، علامت تعجب بگذارید یا اگر پرسش برانگیز بود، علامت پرسش بگذارید. یک دانش‌آموز فعال به این ترتیب می‌تواند با کتاب درگیر شود و عقاید و عواطف خود را به شکلی با نوشتن اعلام کند.

شما می‌توانید با پرسش، ذهن خود را هدفمند کنید. اشتباهی که به طور معمول دانش‌آموزان مرتکب می‌شوند، این است که آن‌ها تعدادی پرسش‌های حافظه‌ای کم‌ارزش از خود می‌پرسند. به عنوان مثال، ابوعلی سینا در چه تاریخی متولد شد؟ جنگ جهانی دوم در چه تاریخی شروع شد و یا هیمالیا در کجا قرار دارد؟ پرسش‌هایی از این قبیل، کم‌ارزش‌ترین پرسش‌هایی هستند که شما می‌توانید از خود

بپرسید. اما برای به خاطر سپردن بیشتر مطالب شما، باید از پرسش‌های کاربردی، تحلیلی و ترکیبی استفاده کرد. پرسش‌های کاربردی جالب‌ترین نوع پرسش‌ها هستند و همان‌طور که از نامشان نیز برمی‌آید، می‌خواهند که مطالب علمی را به مسائل روزمره ربط دهند و آن‌ها را در عمل بسنجند. به عنوان مثال تشویق، بلافاصله پس از یک عمل خوب چه نقشی در شکل‌گیری شخصیت مثبت کودک دارد؟ پرسش‌های تحلیلی پرسش‌هایی هستند که در آن مطالعه کننده قدم‌های منطقی یک شخص یا تغییر و تحول یک شیء یا وضعیت را از نقطه شروع تا پایان بررسی می‌کند. مثلاً آنتونی رابینز، روان‌شناس معروف چگونه با همه ناکامی‌ها، زندگی خود را دگرگون کرد؟

پرسش‌های ترکیبی پرسش‌هایی هستند که از پرسش‌های تحلیلی قوی‌تر بوده و به پرسش‌های خلاق معروف هستند. در این پرسش‌ها شما می‌توانید با کنار هم قرار دادن اطلاعات، ایده‌ها و اندیشه‌های گذشته به طرح اندیشه‌های نو دست بزنید و آن را پرسشی کنید. به عنوان مثال، تناسب مسکن و جمعیت را در ۲۰ سال آینده ایران چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟ باید به خاطر داشته باشید که این پرسش‌ها را خواننده مطرح می‌کند و خود نیز به آن‌ها پاسخ می‌دهد، پس هرچه پرسش‌های قوی‌تری مطرح شوند، تمرکز و علاقه بیشتری نیز در شما ایجاد می‌شود. تنها به پرسش‌های مطرح شده در کتاب اکتفا نکنید، بکوشید تا خودتان نیز پرسش‌های زیادی را به ترتیبی که گفته شد، طرح کنید، زیرا در این صورت بیشتر به پاسخ‌گویی علاقه‌مند می‌شوید. ■

ما برای پس‌انداز، نیاز داریم به درآمد و مصرف روزانه یا ماهیانه خودمان توجه داشته باشیم. معنای پس‌انداز یعنی دارایی و ثروتی که کنار می‌گذاریم تا در آینده از آن پس‌انداز مصرف بهینه داشته باشیم.

راهکارهای پس‌انداز در دوران نوجوانی

افزایش پس‌انداز در درآمد بالا - مصرف پایین

زمانی ما می‌توانیم پس‌انداز الان خودمان را افزایش بدهیم که ما یک درآمد ثابتی از والدین خود داریم که همان پول تو جیبی یا همان پول ماهیانه والدین می‌باشد. این پول ماهیانه ای که والدین به ما می‌دهند قابل تغییر نیست و یک مقدار مشخصی را به ما می‌دهند بنابراین طبق فرمول ما نمی‌توانیم در زمان حال درآمد خود را افزایش بدهیم چون درآمد ما ثابت می‌باشد پس برای اینکه پس‌انداز خود را افزایش بدهیم مصرف روزانه و ماهیانه خود را کاهش میدهم در اینجا ما میزان مصرف خود را کنترل می‌کنیم. شاید به ذهن شما نوجوان خطور کند که کاهش مصرف داشتن خود را اذیت کردن باشد که در لحاظش کاهش مصرف درست مصرف کردن و بهینه مصرف کردن می‌باشد. یکی از راهکارهایی که می‌توان برای اینکه بدانیم چقدر در هفته در استفاده از این الگو موفق بوده ایم به کار ببریم این است که یک دفترچه کوچولو و جیبی داشته باشید و هر خرجی که می‌کنیم را در آن یادداشت کنیم و آن را در آخر هر هفته بررسی کنیم که چقدر کالا مصرف کرده ایم تا آگاهی کاملی از خرید اجناس داشته باشیم. مثلاً تو لیست در دفترچه یادداشت خود یادداشت کرده اید ۱۰ بار ساندویچ خورده اید ۵ بار خودکار خریده اید یا با دوستان خود به پیک نیک رفته اید و خوراکی خریده اید و پول خود را خرج کرده اید این مواردی را که اشاره کردیم را در آخر هفته مورد بررسی قرار می‌دهد و مقداری از مصارف غیرضروری خود را حذف می‌کند مثلاً از بین این موارد به جای اینکه ۵ بار در هفته خودکار بخرد دو بار خریداری می‌کند و از خودکار خود مواظبت می‌کند که نه گم بشود و نه زود خراب بشود و یا به جای اینکه ۱۰ بار ساندویچ فروشی برود ۷ بار می‌رود و ۳

یک قاعده در اقتصاد وجود دارد که می‌گوید

پس‌انداز در درآمد + مصرف

ما برای پس‌انداز نیاز داریم که هم به درآمد و هم به مصرف روزانه یا ماهیانه خودمان توجه داشته باشیم و هم اینکه در پس‌انداز ما به حال و آینده بوده پس‌انداز توجه می‌کنیم. معنای پس‌انداز یعنی دارایی و ثروتی که کنار می‌گذاریم که در آینده ما مصرف بهینه داشته باشیم. مثلاً اگر شمای نوجوان ماهی ۱۰۰ هزار تومان از جایی پولی بدست بیاورید می‌توانید ۵۰ هزار تومان آن را مصرف کنید و ۵۰ هزار تومان آن را پس‌انداز کنید و یا اینکه می‌توانید ۹۰ هزار تومان آن را مصرف کنید و ۱۰ هزار تومان آن را پس‌انداز کنید که این هر کس بنا به شرایطی برای هر فردی متفاوت هست.

ما برای اینکه بتوانیم افزایش پس‌انداز داشته باشیم می‌توانیم دو کار را انجام بدهیم یکی اینکه بتوانیم مصرف خودمان را کاهش بدهیم و دو اینکه می‌توانیم افزایش در آمد داشته باشیم

بار دیگر را از منزل خوراکی می‌آورد تا بتواند پولی را پس‌انداز بکند. بنابراین کاهش مصرف به معنای اینکه هیچی نخوری و هیچ تفریحی نداشته باشی نمی‌باشد بلکه کاهش مصرف در ادبیات اقتصادی یعنی بهینه کردن مصرف می‌باشد و مخارج غیر ضروری را کنار گذاشتن می‌باشد. با کاهش مصرف و پول ماهیانه می‌توانیم پس‌انداز خوبی داشته باشیم. افزایش پس‌انداز در زمان حال = درآمد ثابت - کاهش مصرف حال ممکن است شمای دانش‌آموز به ذهنتان خطور کند که چیکار می‌تواند بکند که در طول زمان روز به روز پس‌اندازش افزایش پیدا کند که در آینده پس‌اندازش زیاد باشد الان برای شما قاعده‌ی پس‌انداز برای آینده را بیان می‌کنیم کاری که می‌کنیم این است که مثل قاعده‌ی قبلی مصرف خود را کاهش می‌دهیم و درآمد خود را افزایش می‌دهیم اولین کار این است که از اوقات فراغت خود استفاده درست داشته باشیم یک نوجوان که همیشه نباید بازی‌های کامپیوتری انجام بدهد یا اینکه سرگرم شبکه‌های اجتماعی باشد و یا به تماشای برنامه‌های تلویزیونی بپردازد پس نیاز نیست کل اوقات فراغت خود را به تفریح کامل بپردازیم بنابراین جوانی موفق هست که بتواند اوقات فراغت خود را به برنامه ریزی کند و مقداری از اوقات فراغت خود را به یادگیری حرفه یا مهارت خاصی بپردازد که مورد علاقه‌ی او می‌باشد چون همین یادگیری خودش یک تفریح محسوب می‌شود. زمانی که شما توانستید حرفه‌ای را یاد بگیرید به راحتی توانسته اید برای خود افزایش درآمد را رقم بزنید که با کاهش مصرف می‌توانید پس‌انداز خود را افزایش بدهید. مثلاً تابستان بهترین فرصت برای شمای دانش‌آموز می‌باشد که ۲ ماه آن را به تفریح بپردازید و یک ماه آن را به یادگیری حرفه‌ای بپردازید که مورد علاقه خودتان هست و باعث پرسیدن اوقات فراغت شما می‌شود.

افزایش پس‌انداز در زمان آینده - افزایش درآمد - کاهش مصرف



شهرستان نور در غرب استان مازندران واقع شده که مرکز آن نیز شهر نور است. نام نخست شهرستان نور در گذشته، رستمدر بوده که متشکل از چهار ناحیه شهری نامل، بلده، تمیشان و ماهان بوده است. در جدیدترین کشفیات باستان شناسی در این شهر، آثاری از دوره اشکانیان نیز پیدا شده است. در تاریخ، شهرستان نور به همراه شهرستان نوشهر و جالوس، ایالت کهن رویان را تشکیل می دادند که گاهی مرز غربی آن تا هوسم (رودسر فعلی در استان گیلان) نیز ادامه می یافت. نور یکی از قدیمی ترین نواحی شهرنشین طبرستان (مازندران کنونی) بوده که به گواهی تاریخ، رستمدر نام داشته است. رستمدر به منظور شغل قالب مردم -که ماهیگیر بوده و با قایق به ماهیگیری می پرداخته اند- اطلاق می گشت. نام کنونی نور از رودخانه نور گرفته شده که از کوه های البرز سرچشمه می گیرد. مردم این شهرستان به زبان های فارسی و مازندرانی، گویش نوری -که می توان آن را از خانواده گویش کجوری دانست- تکلم می کنند. شهرستان نور پهناورترین شهرستان استان مازندران است که از قسمت شرق نیز به شهرستان های محمودآباد و آمل متصل است.



۳. پارک جنگلی کَشپِل

این پارک جنگلی در مسیر شهر نور به شهر چمستان در مسیر بیلاقی لایویج و در حد فاصل ۲،۵۰ کیلومتری از چمستان، با موقعیت جغرافیایی از شمال به جاده نور- چمستان و از جنوب به کوه لایویج و آب گرم لایویج و از شرق به جنگل های چمستان و از غرب به لایویج رود و شهرک صنعتی چمستان، واقع شده است. این عرصه به مساحت ۷،۲۱ هکتار می باشد و از نظر پوشش نیز دارای شش تیپ جنگلی توسکا- لک، توسکا- بلوط- افرا، بلوط و ممز- انجیلی و ممز- انجیل است. نظر به اینکه در گذشته از این محدوده به عنوان تفرجگاه استفاده می شده و همچنین به خاطر وجود سنگ آهن در رودخانه این مسیر، در گذشته دارای کوره های ساجمه سازی بوده است که هنوز هم بقایای آن موجود می باشد و در واقع وجود چشمه ها این امکان را برای استفاده فراهم نموده است.

۴. ساحل دریا

طول خط ساحلی در شهر نور حدود ۲۳ کیلومتر است که به دلیل دارا بودن ساحل ماسه ای، کم عمق، حرارت مطلوب، آب با املاح پایین، ساحل سازی مناسب، ایجاد طرح های مناطق شای امن برای خانم ها و آقایان و امکانات رفاهی، هر ساله در فصل بهار و تابستان مسافران بی شماری را به خود جذب می کند.

۵. آب گرم لایویج

روستای بیلاقی لایویج در ۲۵ کیلومتری جنوب چمستان در میان دره های جنگلی و زیبای البرز قرار دارد. در ۳ کیلومتری چمستان به نور یک مسیر زیبای آسفالت شده به طرف جنوب از جاده اصلی منشعب می شود که با عبور از پارک جنگلی کَشپِل به لایویج ختم می شود. آب های گرم لایویج به دلیل خواص بالای درمانی برای دردهای استخوان و مفاصل و بیماری های پوستی همواره گردشگران فراوانی را در تمام فصول سال به خود اختصاص داده است. امکاناتی مناسب نیز در آن منطقه برای اقامت و استفاده از آب معدنی ایجاد شده است. جاده چمستان به لایویج از پارک کَشپِل می گذرد و از میان جنگل نیز عبور می کند که به همین دلیل فضای دلپذیری را برای گردشگران فراهم می سازد.

پایتخت ساحلی ایران

شهرستان نور به عنوان پایتخت ساحلی ایران نام گذاری شده است. در این نوشتار گردشگری به معرفی اجمالی مناطق زیبای شهر نور می پردازیم:



۱- آب پری رویان

آب پری در استان مازندران و در فاصله ۵ کیلومتری شهر نور، نزدیکی شهر رویان واقع شده است. منطقه آب پری دارای آبشاری به همین نام نیز است. در آب پری درختان با فاصله کمی از یکدیگر قرار دارند و بیشتر مناطق به صورت بکر و دست نخورده مانده است. اختلاف درجه حرارت این ناحیه با هوای شهر رویان، تقریباً ۱۰ درجه سانتی گراد است. درختان جنگلی در مناطق کم ارتفاع ترو درختان کاج نیز در نقاط بلندتر دیده می شوند.

آبشار آب پری در ارتفاعات قرار دارد و جاده به سمت جنگل می رود، جنگلی که جاده از میان آن می گذرد نیز بسیار دل چسب و جذاب است. در طول مسیر همچنین یک خروجی برای اتصال به «یوش» -زادگاه نیمایوشیج- و «بلده» وجود دارد، اما پیش از این ها پارک جنگلی رویان و آبشار آب پری قرار گرفته اند که از تمامی امکانات بهداشتی اولیه از قبیل آب آشامیدنی و سرویس های بهداشتی برخوردار بوده و آلاچیق هایی نیز برای استراحت تدارک دیده شده است و همچنین وسایل بازی برای کودکان نیز وجود دارد. امنیت پارک نیز توسط واحد نیروی انتظامی مستقر در پارک برقرار است و اگر بتوانید شب های سرد جنگل را تحمل کنید، محل مناسبی برای اقامت چند روزه است و شاید اگر چند دقیقه با دقت گوش دهید، صدای واقعی جنگل را بتوانید بشنوید؛ چهچه پرندگان، صدای دارکوب و گله ای که در دشت های دورتر مشغول چرا هستند.

۲. دریاچه الیمالات

دریاچه الیمالات در مسیر جاده ارتباطی نور به چمستان قرار دارد و در قسمت جنوبی دوراهی روستای کارگرکلا جای گرفته است.



سازمان ایمنی

چگونه ذرات ریزاتمی را در خانه تماشا کنیم

شما و هر آنچه در اطرافتان وجود دارد، از ذرات زیراتمی تشکیل شده‌اید. این ذرات، بنیادی‌ترین اجزای سازنده ماده هستند، اما با این حال شما هیچ‌گاه آن‌ها را نمی‌بینید.

حال ما در ادامه به شما آموزش می‌دهیم که به چه صورتی این ذرات را در خانه تماشا کنید؛ اما قبل از هر آزمایشی، ابتدا مواد اولیه باید تهیه شوند:

ظرف ترشی یا مربا (شیشه‌ای)
اسفنج
الکل صنعتی (۹۱٪ یا بیشتر)
چراغ قوه
ماژیک سیاه

مقداری یخ خشک (استفاده از دستکش فراموش نشود)



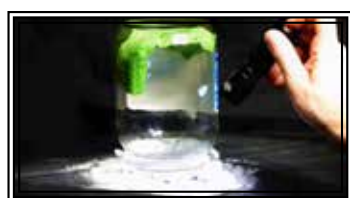
۴. مقداری یخ خشک روی سطحی ریخته و ظرف را به صورت وارونه بر روی آن قرار دهید.



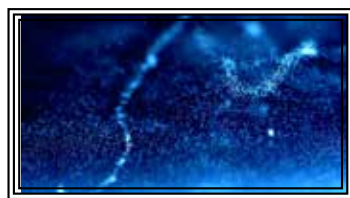
۵. چند دقیقه صبر کنید تا دمای ظرف کاهش یابد.



۶. اتاق را تاریک کرده و نور چراغ قوه را بر روی درپوش آن بتابانید.



۷. با دقت به ذراتی که به سمت پایین می‌آیند، نگاه کنید.



علت این واکنش شیمیایی

زمانی که گاز الکل از روی اسفنج به سمت پایین و بر روی درپوش یخ‌زده می‌آید، بیش از حد معمول اشباع می‌شود. این یعنی هرگونه نوسان و حرکتی موجب متراکم شدن گاز شده و آن را تبدیل به ابر می‌کند؛ بنابراین اگر نئون و الکترون از درون این بخار عبور کنند، ابری متشکل از قطره‌های ریز در مسیر آن به وجود می‌آورند. نکته شگفت‌آور در مورد چیزی که پیش روی شما قرار دارد، این است که هر نوار باریکی که می‌بینید از یک ذره زیراتمی تشکیل شده است. در حقیقت شما توانستید بنیادی‌ترین ذرات جهان را با چشمان خود مشاهده کنید، ذراتی که از راهی بسیار دور پس از انفجار بیک ستاره به شما رسیده است. ■



۱. اسفنج را در ظرفی فرو کرده و کف آن قرار دهید.



۲. مقداری الکل بر روی اسفنج بریزید.



۳. سطح داخلی درپوش ظرف را با ماژیک سیاه کرده و سپس بر روی ظرف محکم بپنیدید.



ترفند تمیز کردن ظروف کثیف با دستمال کاغذی

اگر ظرف‌های نشست‌ه بر روی هم انبار شده‌اند و بدتر از آن، غذا به کف آن‌ها چسبیده است، حتماً این متن را بخوانید.

اصل موضوع این است که هنگام شستن ظروفی که غذا در آن مدتی مانده و یا حتی چسبیده است، عمر اسفنج ظرف‌شویی شما به دلیل ساییدن زیاد همان چند تکه ظرف، به نصف می‌رسد؛ بنابراین پیشنهاد می‌کنیم ابتدا درون ظرف مورد نظر مقداری آب ریخته و روی شعله قرار دهید تا به دمای جوش برسد، سپس آب جوش را در سینک خالی کنید (نکته: مطمئن شوید که لوله‌ها توان مقاومت در برابر آب جوش را داشته باشند)، سپس بلافاصله مقداری آب سرد را در ظرف بگردانید و در انتها با دستمال کاغذی آن را تمیز کنید. ■





۱- تن درست

تندرست از همه قدیمی‌تر و معروف‌تر است. چهار فروشگاه در چهارراه کالج، دربند، طالقانی و قلپک دارد و شعبه طالقانی آن نیز همیشه در حراج است. تنوع لباس‌های آن نیز بسیار خوب است و به تازگی حتی لباس‌های بچگانه نیز زده است. به جز سارافن و مانتو و بلوز برای خانم‌ها و انواع بلوز برای آقایان، شال، کفش و کیف نیز دارد. پوشاک آن نیز سال‌های بسیاری است که بر تن آدم‌های مختلف رفته و خریدارانش نیز از آن راضی هستند. (این هم نشانی سایت تن درست که بتوانید مدل مورد نظر لباس‌تان را انتخاب کنید: www.tandorost.com)

۲- آندیا

آندیا، بعد از تن درست، از همه معروف‌تر است. تعداد مراکز فروش آن نیز بسیار بیشتر بوده و شعبه‌های زیادی در شهرستان‌ها نیز دارد. فروشگاه مرکزی آن در چهارراه کالج و یک شعبه آن نیز روبه‌روی دانشگاه تهران است که به نظر می‌رسد به دلیل نزدیکی به دانشگاه تهران و میدان انقلاب، محل خوبی برای فروش این‌گونه لباس‌های دانشجویپسند باشد. تنوع مدل‌های مردانه آندیا تفاوت زیادی با رقیب خود، تن درست ندارد، فقط تأکید بیشتری روی استفاده از شعر و کلمات فارسی با خطوط سنتی بر روی لباس دارد. زنانه‌های آن نیز رنگ‌های تندتر و متنوع‌تری دارند، اما با توجه به کیفیت رنگ‌های طبیعی، در طبیعی بودن رنگ‌های مورد استفاده برای رنگ‌آمیزی پارچه‌هایش تردید جدی وجود دارد.

(این نیز از سایت آندیا که می‌توانید به آن سر بزنید:

www.andya.ir)

پی‌نوشت:

۱. الکافی، ج ۶، ص ۴۴۰؛ امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۷۵
۲. مکارم الاخلاق، الباب الاول، الفصل الخامس، ص ۳۵.

درآمدی بر سبک زندگی و پوشش جوان ایرانی؛ تن پوش ایرانی

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَالتَّجَمِيلَ وَبِكَرَهُ الْيُؤُسُ وَالتَّيَاسُ»؛ خداوند زیبایی و آراستن را دوست دارد و از نپرداختن به خود و خود را ژولیده نشان دادن، کراهت دارد.^۱ پرداختن به خود و آراستن خود، یکی از ویژگی‌هایی است که در دین اسلام مورد توجه قرار گرفته و افراد را نیز تشویق می‌کند که به خودشان برسند و از ژولیدگی دوری کنند. در همین راستا، در حدیثی داریم که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ عَبَّه أَدَاخِرَ إِلَى إِخْوَانِهِمْ وَتَتَجَمَّلُ»؛ خداوند دوست می‌دارد که چون بنده‌اش به سوی برادرانش بیرون می‌آید، خود را برای آن‌ها آماده و زیبا سازد.^۲

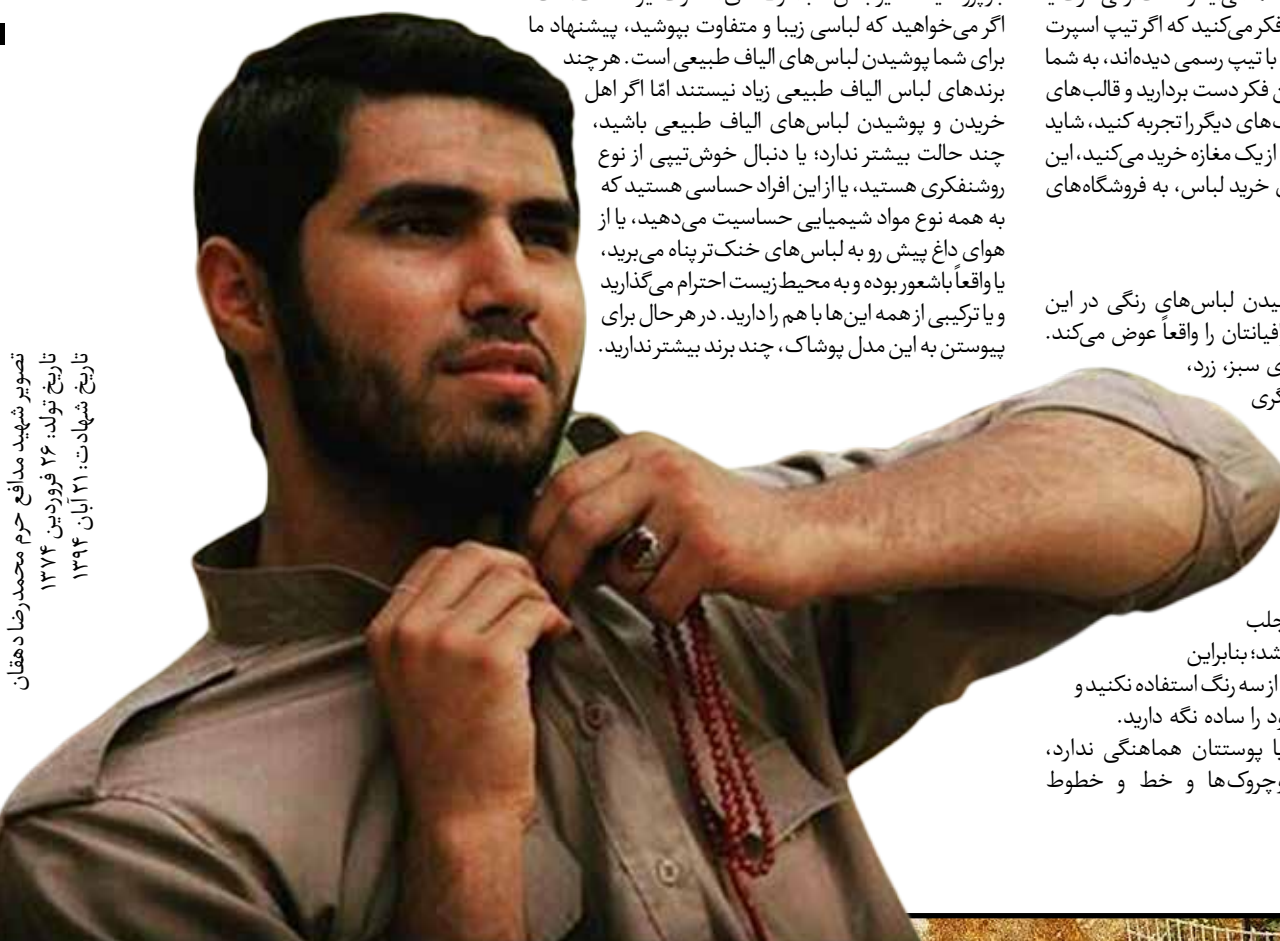
با توجه به احادیث بالا، آراستن یک امر بسیار پسندیده‌ای است که یک نوجوان فعلی باید سعی کند تا یک ظاهر پسندیده و زیبایی داشته باشد؛ بنابراین برای داشتن یک تیپ بسیار زیبا و پسندیده، بهترین است که این مطلب را مطالعه کنید. نوجوان نه دیگر آن کودک کوچک ما است که لباس‌های کودکانه بپوشد و نه بزرگسال است که لباس‌های بزرگسالان را بپوشد. با این شرایط، نوجوان باید به دنبال لباس‌هایی مناسب با دوران خود باشد.

فصل نو، تیپ نو

تنوع باید یکی از ویژگی‌های تیپ شما در فصل بهار باشد. اگر تا به حال در لباس پوشیدن‌تان چندان به دنبال تنوع نبوده‌اید، امسال این فرصت را از دست ندهید. به عنوان مثال، اگر فکر می‌کنید که تنها یک رنگ و مدل تی شرت به شما می‌آید و دست از تی شرت یا یک رنگ خاص بر نمی‌دارید و یا فکر می‌کنید که اگر تیپ اسپرت بزنید، اطرافیان که عمری شما را با تیپ رسمی دیده‌اند، به شما با تعجب نگاه خواهند کرد، از این فکر دست بردارید و قالب‌های قدیمی را بشکنید و مدل‌ها و رنگ‌های دیگر را تجربه کنید، شاید بیشتر به شما بیایند. اگر همیشه از یک مغازه خرید می‌کنید، این بار شجاعت به خرج داده و برای خرید لباس، به فروشگاه‌های دیگر نیز سری بزنید.

رنگی شوید

بهار فصل رنگ‌ها است و پوشیدن لباس‌های رنگی در این فصل، حال و هوای خود و اطرافیانتان را واقعاً عوض می‌کند. در این فصل، پوشیدن رنگ‌های سبز، زرد، نارنجی و... بهتر از هر فصل دیگری است. در عین حال بهتر است که تا حد امکان، از پوشیدن لباس‌هایی با رنگ سرد و خنثی خودداری کنید تا دچار کسالت نشوید. استفاده از رنگ‌های زیاد باعث می‌شود تا توجه دیگران نسبت به شما جلب شود، البته نه توجهی که زننده باشد؛ بنابراین سعی کنید در لباس‌هایتان بیش از سه رنگ استفاده نکنید و تا آنجا که می‌توانید پوشش خود را ساده نگه دارید. اگر شما لباسی به رنگی که با پوستتان هماهنگی ندارد، بپوشید، ممکن است چین‌چروک‌ها و خط و خطوط



تصویر شهید مدافع حرم محمد رضا دهقان
تاریخ تولد: ۲۶ فروردین ۱۳۷۴
تاریخ شهادت: ۳۱ آبان ۱۳۹۴

نباید این مطلب را از نظر دور داشت
که این تولیدات سرگرم‌کننده از سوی
مردم به نوعی تأکيدات و علايق و سلايق
جامعه ایرانی را در لایه‌های پنهان، بیش
از پیش نشان می‌دهد.

درباره دابسمش

شاید شما هم این روزها، دابسمش‌های متعددی را در گوشی‌های هوشمند و از طریق شبکه‌های اجتماعی دیده باشید. یعنی قطعات
فیلمی که اشخاصی با قطعه صوت‌های معروف و شناخته شده، لب خوانی می‌کنند و برای صوتی که وجود دارد تصویر تولید کرده و
دوبله تصویری می‌کنند. این که دابسمش چیست و از کجا آمده، در ادامه ذکر خواهد شد.



دابسمش‌های ایرانی، از مردم عادی تا افراد مشهور

در حال حاضر میلیون‌ها نفر این نرم‌افزار را دانلود کرده‌اند
که طبق آمارهای قبلی که ایرانی‌ها در استفاده از تلگرام و
اینستاگرام و ... داشته‌اند، می‌توان حدس زد که بسیاری از
آن‌ها ایرانی هستند.

از عواملی که باعث شد که ایرانی‌ها به این برنامه علاقه‌مند
شوند این بود که بسیاری از افراد مشهور ایرانی از جمله حمید
فرخ نژاد، فاطمه معتمد آریا، رامبد جوان به همراه جنایخان،
مریم امیر جلالی و بسیاری دیگر شروع به ساختن دابسمش
کردند و با استقبال زیادی همراه شد.

البته دابسمش هم از نگاه منتقدین پنهان نماند و بسیاری
به نقد آن و عده‌ای به طرفداری آن صحبت کردند. برخی نظر
داده‌اند که این برنامه بسیار جالب است و همه با دیدن آن شاد
می‌شوند و باعث می‌شود هرکسی در هر جایی که هست بتواند
کلیپ طنز تولید کند؛ ساختن دابسمش هنراست و نباید جلوی
این هنر را گرفت.

عده‌ای هم به نقد این برنامه پرداختند که باعث پایین آوردن
سطح طنز می‌شود و به نوعی لوذگی به حساب می‌آید؛ ایران با
این فرهنگ غنی و مخصوص خود نباید وارد این بازی‌ها شود
و این کار، گاهی اوقات ادا درآوردن و شاید مسخره کردن به
حساب بیاید؛ درست است که باعث خنده و شادی می‌شود
ولی هنر و خندیدنی مطلوب نیست.

دابسمش؛ مسئله این است

پیوند فناوری‌های همراه همچون تلفن همراه با زندگی مردم در
جامعه امروز تولیدات و سرگرمی‌های خاص خود را پدید آورده است
و عمدتاً سبب شده است تا مردم خود دست به تولید رسانه‌ای
بزنند و فضایی ایجاد شود که افراد در دورترین نقاط جهان مورد
توجه مردم سایر مناطق قرار بگیرند و این پیوند با ترکیب حضور
در شبکه‌های اجتماعی مجازی به نوعی دیگر فاصله‌ها را از میان
می‌برد. اما اینکه در جامعه ایرانی این سرگرمی روبه رشد هست
شاید با توجه به علاقه مردم ایران و استقبال از هر پدیده نو و
جدید طبیعی به نظر بیاید و حتی جذاب و مثبت ارزیابی شود
به خصوص اینکه بیشتر این دابسمش‌ها حالت گروهی به خود
گرفته و نیز مشارکت گروهی را طلب می‌کند مانند اجرای بسیاری
از سرودها و قطعات فیلم‌ها و دیالوگ‌های تاریخی و اثرگذار که به
نوعی اجرای برنامه‌های تلویزیونی مانند خندوانه آن را مبنای
خود قرار داده است اما نباید این مطلب را از نظر دور داشت که
این تولیدات سرگرم‌کننده از سوی مردم به نوعی تأکيدات و علايق
و سلايق جامعه ایرانی را در لایه‌های پنهان، بیش از پیش نشان
می‌دهد.

دابسمش! رامبد....

دابسمش (DubSmash) نام نرم‌افزاری است برای گوشی‌های
همراه با سیستم عامل اندروید و ios (آیفون) که توسط آن کاربران
می‌توانند تصویر خود را روی صدای دیگران بگذارند؛ یعنی با یک
قطعه صوت (مثلاً دیالوگی از یک فیلم سینمایی
یا بخشی از یک ترانه) لب بزنند و فیلم آن
را ذخیره کنند.

سه برنامه‌نویس آلمانی با نام‌های
«دوریل»، «کرنک» و «تاسچیک» این
نرم‌افزار را طراحی کردند که چندی بعد
وسیله‌ای برای زنده کردن هنر لب زدن،
آن هم برای عموم مردم با هر سلیقه‌ای
شد.

این نرم‌افزار، مجموعه‌ای از قطعات صوتی
بسیار کوتاه دارای کلام را در بیش از ۴۰
دسته‌بندی گوناگون از جمله موسیقی،
گفتار متن فیلم‌ها، پویانمایی‌های
مشهور، سخنرانی‌ها و ... در اختیار کاربر
قرار می‌دهد تا با هر طریقی که می‌خواهد
روی آن لب بزند. یک دابسمش حداقل
یک و حداکثر ۱۰ ثانیه زمان دارد. هر روز
به طرفداران این نرم‌افزار اضافه می‌شود
و گاهی تعدادی از دابسمش‌های چند
ثانیه‌ای به عنوان برترین دابسمش‌ها در
شبکه‌های اجتماعی مختلف و به ویژه
تلگرام و اینستاگرام معرفی می‌شوند.

تا پیش از سال ۲۰۱۴ که این نرم‌افزار
وجود نداشت، این کار، توسط افرادی
در حرفه تدوین انجام می‌شد. اما با ورود
این نرم‌افزار، میلیون‌ها نفر در جهان آن
را نصب کردند و دوبله تصویری شدند.
بر اساس آمار سایت دابسمش، تاکنون
۷۵ میلیون نفر از ۱۹۲ کشور جهان
این نرم‌افزار را نصب کرده‌اند. پروسه
کار کردن با دابسمش به سادگی چند
کلیک است و به همین دلیل در کمتر
از چند ماه تعداد زیادی از دوستداران
شبکه‌های اجتماعی به جمع هواداران
این نرم‌افزار همراه اضافه شده‌اند. یکی از
ویژگی‌های این نرم‌افزار این است که در
آن حتماً باید سن را بالای ۱۵ سال و قبل
از سال ۲۰۰۱ وارد کرد تا نرم‌افزار اجازه ورود
و دانلود بدهد.





یکی از این واکنش‌ها در حضور خود رهبر انقلاب در حسینیه امام خمینی (ره) بود که جانبازی ویلچرنشین در میانه صحبت‌های سخنران، دستش را بلند کرد و با صدای بلند فریاد زد که «به آقا بگویند از رفتن حرف نزنند». از دیشب تا الان به قلم فشار آمده». صحبت‌های این جانباز دلسوخته که حرف دل بسیاری از ملت ایران بود، بزودی در فضای مجازی مورد حمایت مردم قرار گرفت. بخشی از پیام‌هایی که مردم ذیل عکس و فیلم این جانباز در فضای مجازی گذاشته‌اند را در اینجا می‌آوریم:

۳. katefeh: عاشقشم. با تمام وجودم دوستش دارم. با اینکه زیاد اهل سیاست نیستم ولی مرازش، سادگیش، نورانیت چهرش جذب میکنه آدمو. زنده باشه. سایش بالا سر مردممون تا وقت ظهور باشه. خودش پرچمو دست صاحب الزمان بده.....جانم ب فدایش... خدا حفظشون کنه

۵۶. narges.s: قربان مظلومیت آقا و رهبرم، اللهم عجل لولیک الفرج

۷. amirhossein.farahani: کور خونده هر کی حتی تو فکرش هم این مسئله رو تصور کرده. جانم به فدایت سیدم. تا ما هستیم هیچکی هیچ غلطی نمی تونه بکنه

hajar.asaysh: انصافا اشکم دراومد

hajar.asaysh@persian_patriote: چهره معصومشو دیدم دلم گرفت بخدا، خیلی میخوامش و جونم فداشه

۴۴۱۷. hoda.mousavi: رهبرم حرف از رفتن نزنید. "جانم فدایت آقا جان"

Zeinabkhakyzad: آقا کی گفت رفتن؟ این چه حرفیه؟ منظور ایشان یه چیز دیگه بود انشالله با دست مبارکشون انقلاب رو تقدیم میکنن به دست امام زمان

۵۰۸۸. mh: هستن کسانی که باید پیش مرگ آقا بشن، آقا هست تا انقلاب مهدی

۲۱۹۲. rasolsaghafi: آقا بغض تو ما را خانه خراب می‌کند تو رو خدا از حال و هوا بیرون بیا، تو باید ما را بسازی برا سربازی مولایمان

artaken: وقتی این حرف جانباز و شنیدم و صحبت‌های رهبرو که ممکنه یکی از کارهای خبرگان جدید انتخاب رهبر باشه خیلی نگران رهبر شدم. خیلی دلم گرفت. خدایا پدرمو گرفتی ازم اما دیگه رهبرو نه. انشالله سالم و سلامت باشن

۱۳۹۲. amarziye: آقابعده رفتن پدر شهیدم دلم به توقرصه. پس نباشم اون روزی که تونباشی



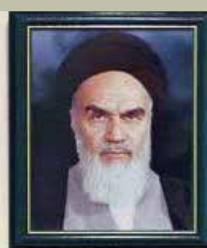
تل - اینستا - بوک

درمیان شبکه‌های اجتماعی مجازی

#به_آقا_

بگویند_حرف_از
_رفتن_نزنند

دیدار امسال خبرگان رهبری با رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۲۰ اسفند سال گذشته، اتفاقی نادر را رقم زد که تا مدت‌ها نقل محافل مجازی و حقیقی مردم ایران بود. حضرت آقا ضمن بزرگداشت یاد و خاطره مرحوم آیت‌الله خزعلی و دوست دیرینشان مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی، هنگام خواندن فرازی از مناجات شعبانیه به گریه افتادند. بخشی از صحبت‌های ایشان در مورد این مسئله بود که ممکن است مجلس خبرگان آینده، مجلسی باشد که بخواهد رهبر آینده را تعیین کند. آن گریه‌ها و این صحبت‌های حضرت آقا که ستون خیمه انقلاب اسلامی در روزگار ماست، بزودی با واکنش‌ها و ابراز احساسات بسیاری در میان مردم مواجه شد.





سوره خنر ۲

که حدس می‌زد خانه دوستش همانجا باشد. جوانکی عبور می‌کرد. استاد دانشگاه از او خواست تا اسم کوچه را از روی تابلو برای او بخواند اما جوانک گفت که ببخشید نمی‌توانم بخوانم من هم مثل شما سواد ندارم!!!!
مراقب عینک "بصیرت" مان باشیم تا بیگانگان ما را بی سواد فرض نکنند.

سوره خنر ۱

عینک فروش



سوره خنر ۳

عینک فروشی را دیدند که به فرزندش درس کاسبی می‌داد:

- پسرم وقتی مشتری از قیمت عینکی سؤال کرد به او بگو n تومان. اگر از قیمت تعجب نکرد و رضایت نشان داد بگو x تومان هم پول شیشه‌هایش می‌شود. اگر باز هم اعتراضی نکرد y تومان هم به بهانه پول دسته‌های عینک از او بگیر.
- اگر همان ابتدا از قیمت تعجب کرد و اعتراض کرد: چه؟
- قیمت را پایین بیاور اما زیر z تومن نده؛ زیرا قیمت خرید عینک است.

پی نوشت:

۱. اخبار مذاکرات را که دوباره مرور می‌کردم احساس می‌کردم ایران و امریکا چانه‌زنی‌ای این‌چنینی با هم دارند!
۲. انشالله که خبرهای خوب اجرای برجام به نفع ایران، هر چه زودتر پیروزی ما در مذاکرات را نشان دهد.



بازخوانی گل آقا سال ۹۵



سوره خنر ۴

بازی بردبرد

اندر سوءاستفاده برخی سرمایه‌داران "نفوذ"ی، از بیانات رهبر معظم انقلاب:

مرد: سلام خانوم. از این کارخونه هم اخراجم کردند!
زن: !وا... خدا مرگم بده. این بار دیگه واسه چی؟
- دوباره برای کسری بودجه!
- کسری بودجه؟! گفتن که امسال به خاطر "اقتصاد مقاومتی" مشکل کسری بودجه حل میشه!
- این‌ها خائن‌اند؛ دغدغه حرفای آقا رو ندارن که... گفتن اجرای "اقتصاد مقاومتی" خودش نیاز به بودجه کلان داره!!!

از زمانی که با یاد دارم عاشق ادبیات بوده‌ام و در مقابل، بیزار از تاریخ ادبیات. در شب امتحان «تاریخ ادبیات» در حال خواندن رمان بودم. ابتدا که داستان را شروع کردم، اضطراب و نگرانی آزمون کمی مرا اذیت می‌کرد، اما کم‌کم غرق در داستان شده و امتحان، معلم سختگیر، مدرسه شلوغ، نمره، کارنامه، تجدیدی و... را فراموش کردم. در واقع داستان به آنجا رسید که «مهران» (شخصیت اول داستان) در خانه تنها مانده بود و می‌خواست غذا بپزد که از آن غافل شده و غذایش سوخته بود. نویسنده به حدی این موقعیت را خوب و عالی توصیف کرده بود که می‌شد بوی سوختنی را از لایه‌لای تک تک کلمات استشمام کرد (بدون اغراق عرض می‌کنم). در واقع آن قدر زیبا به جزئیات و ریزه‌کاری‌های غذای سوخته پرداخته بود که احساس می‌کردم بوی سوختنی دماغم را آزاری می‌دهد، در حدی که بوی دسته پلاستیکی قابلمه و جرزاله شدن مواد داخل آن را می‌شنیدم.

به شدت سرشوق آمده بودم و با عطشی خاص مطالعه داستان را ادامه می‌دادم. شاید باورتان نشود اما آن قدر نویسنده در این بخش از داستان، هنر به خرج داده بود که حتی سرفه‌ام نیز گرفت، اما گویا در این هنرنمایی افراط کرده بود، زیرا سرفه پنده قطع نمی‌شد و گلویم به شدت می‌سوخت. بر خلاف میل کتاب را بستم زیرا سرم درد گرفته بود اما لیخند رضایت‌بخشی بر روی لب‌هایم می‌رقصید؛ رضایت از اینکه شب امتحان «تاریخ ادبیات»، در حال خواندن رمانی هستم که تا این حد خوب، قوی و هنرمندانه است.

در این حین کتاب را باز کردم تا ادامه استان را بخوانم، اما باز هم سرفه‌ام گرفت. باید آب می‌خوردم، به دنبال آب به آشپزخانه رفتم، اما -چشمتان روز بد نبیند- گویا بوی سوختگی از هنر نویسنده کتاب نبود، بلکه غذای بر روی اجاق گاز خودمان چنان سوخته بود که قابل وصف نبود. حتی اگر آن نویسنده هم در آشپزخانه ما بود، قطعاً نمی‌توانست ظاهر قابلمه سیاه شده ما را به رشته تحریر دربیاورد!

کلید اسرار:

این قسمت: هیچ‌گاه در شب امتحان، کتاب نامربوط نخوانید و یا به عبارتی دیگر «بچه جان، جان مادرت فقط درست را بخوان».

«مادامی که درآمد اقشار آسیب پذیر زیاد نشود سوبسید حذف نخواهد شد.» - رسالت



- زیاد ناراحت نباش سوبسید تو سرچاشه!

در سال «اقتصاد مقاومتی» سرمایه‌دارها به کمک مردم خواهند آمد.

«رئیس مجلس تأکید کرد قدرت خرید مردم باید بالا برود.» - اطلاعات



- فهمیدی یا نه؟

دولت: ما مردم را در «اقتصاد مقاومتی» کمک خواهیم کرد.



اقتصاد مقاومتی یا اقتصاد استراحتی؟!!!

به نظر شما دانش آموزهای کشورهایی که الان پیشرفته شدن و پُرتُشون رو به کشور خودمون میدیم، کدوم راه رو انتخاب کرده بودن که کشورشون به اینجا رسیده؟

یا اینکه دنبال علم و به فکر مفید بودن برای آینده کشورشون بودن؟



یا برای اوقات فراغتشون برنامه های مفید داشتن؟



یا اینکه به قدر نیاز و استفاده چیزی میخریدن؟



یا با خرید محصولات داخلی از اقتصاد کشورشون حمایت میکردن؟



یادمون باشه کسانی که امروز به فکر آینده کشورشون نیستن حق ندارن در آینده، کشور خودشون رو به خاطر عقب ماندگی سرزنش کنن!

دنبال مدرک گرفتن بودن و فقط شب امتحان درس میخواندن؟



همیشه وقتشون رو صرف کارهای بیهوده میکردن؟



فقط دنبال خرید وسایل جدید توی بازار بودن؟



به خرید لوازم با مارکهای خارجی افتخار میکردن؟





برنامه اقتصاد مقاومتی، خیالی و توهمی نیست و عملاً و حتماً
ممکن است؛ چون این کشور، دارای ظرفیتهای فوق العاده است.